



پولیس

دکوریو چارو وزارت میاشتني علمي، مسلكي، حقوقوي، تولنizerه او فرهنگي خپرونه

پولیس خدمتکار مردم

تاسیس کال ۱۳۴۹

۲۱۷ پولیسی پکنیه

۱۳۹۷ لمریز کال ۵ چنگابن میاشت



محترم ویس احمد برمهک وزیر امور داخله از مریضان و مجروهین شفاخانه سه صد پسته پولیس بخصوص سه تن از منسوبيين پولیس حوزه دوم امنیتی زون ۱۰۱ آسمایي کابل که در يك درگيري رویا روی با سارقين مسلح در ساحه کارته پروان زخم برداشتند دیدار و عيادت نمودند.



د کورنیو چارو وزارت لومړي مرستیاں بناغلی پوهنیار لوی پاسوال جانان بارکزی له لوري، مل پاسوال شاه ولی صافی ديو لپه مراسمو په ترڅ کې دیاد وزارت د پېښتون دلوی ریاست سرپرست په توګه ور و پېښدل شو.

د ګتنې پلاوی:

پوهنیال سید عبدالقیوم تابش - ۰۷۹۹۴۱۵۸۹۷	مدیر مسؤول:	رئيس	پوهنیال لوی پاسوال عبدالجبار پرڈلی
خوشحال خوش - ۰۷۷۱۷۷۱۷۱۷	سکرتو مسؤول:	عضو	مل پاسوال سید جواد «هاشمی»
۰۲۰ ۲۲۱۱۶۷۸	دیجیټل :	//	پوهنیال مل پاسوال شاه عالم «خپاند»
magazine.police@moi.gov.af	ایمیل:	//	پوهنیل مل پاسوال عبدالمنان «همدل»
خوش	برگ آراء:	//	پوهنیل فلک نیاز «صدی»
مطبعه ریاست طبع و نشر پولیس	چاپ:	//	پوهنیال عبدالغفی «ناصری»
		//	سمونوالي سامدل «بیوالي»
		//	سمونوالي عبدالمحیید «حیدر»



د کورنیو چارو وزارت سترامنیتی معین بشاغلی لوی پاسوال اخترمحمد ابراهیمی په مشرى د یاد وزارت له یو
شمپر رئیسانو، جنرالانو او چارواکو سره گډه امنیتی غونډه ترسره او په هېواد کې د امنیتی حالاتو، د ګرامیمو
سره د مبارزې او نورو اړینو موضوعاتو په هکله هر اړخیز بحث وشو او په اړه یې لازمي پريکړي وشوي.

مژده به علاقمندان مجله پولیس

مجله پولیس شامل سایت انترنتی میباشد.

علاقمندان میتوانند آنرا ماهوار وبطور دوامدار ازویب سایت وزارت امور داخله (www.moi.gov.af) دریافت نمایند.

Police

Monthly Magazine
Add: police Publication
Ministry of Interior



Volume 4

June - July

2018



محترم پوهیالی لوی پاسوال عبدالجبار پرولی معین اداری وزارت امور داخله تعمیر مرکز تعلیمات تکنیک پولیس را که به همکاری کشور دوست آلمان در قوماندانی عمومی اکادمی پولیس اعمار گردیده، طی مراسمی افتتاح نمودند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در برگهای این شماره

مخ	لیکوال	سرلیک
۱	مدیر مسؤول	• سرمقاله: مبارزه با مواد مخدر مسؤولیت اخلاقی همه اتباع کشور است
۲	پوهنواں تاشر	• جعل و عناصر مشکله آن
۷	پوهیالی سمونوال محمد ناصر سلیمانزی	• آیا گوتو دنبو ورته والی نورو ته به ارث انتقالی بی؟
۱۰	پوهنیار پاسوال سردار محمد سلطانی	• رسیدگی به ازدحام در زندانها
۱۳	پوهندوی سمونوال میراحمد شاه خوستی	• په نظام کې ۵ رسم تعظیم ارزښت
۱۶	پوهنواں سمونوال محمد نسیم سباؤون	• حکومت داری خوب
۱۹	پوهنمل سمونوال عبداللطیف مومن	• ۵ (4G) انترنیتی شبکی لندې پیژوندنه
۲۲	پوهندوی سمونوال ذبیح الله ناظمی	• اهداف و ابعاد تربیت شهروندی
۲۵	پوهیالی سمونوال دوکتور محمد امداد حیدر زی	• التهاب سینوس ها
۲۲	پوهیالی سمونمل محمد فرید هوتك	• د شیانو په سانه کې ۵ پولیس دنده
۳۰	پوهنیار سمونیار زرمینه مهمند	• نقش نهاد های تحصیلی در تقویه صلح
۳۵	پوهنیار سمونوال وحیدالله شیرزاد	• روحیه وطن دوستی
۳۸	پوهیالی سمونمل محمد عظیم وردگ	• د جرم د انگیزو او د مخنیوی لاری چارې
۴۱	بیلابیل شاعران	• شعر او ادب
۴۳	پوهیالی لمړی خارن فیروز هاشمی	• تدابیر جلوگیری جرایم از دیدگاه جرم شناسی
۴۷	پوهیالی لمړی خارن عبدالملک وفایی	• نقش پولیس در مبارزه با جرائم
۴۹	پوهیالی شیر شاه صالحی	• په کورنیو کې د تاوتریخوالي لامونه
۵۱	پوهیالی خارمن مصلطفی جاغوری	• مبارزه با جرایم از دیدگاه دین اسلام
۵۴	پوهیالی سمونمل عبدالولی ناصری	• سه اصل زرین پولیس
۵۷	پوهیالی سمونیار روح الله ستانکزی	• د زلزلې په وړاندې د کورنیو اړینې کړنې
۶۱	پوهیالی سمونمل عبداللطیف عارفی نجرایی	• مروری بر ستراتیژی پولیس ملی کشور
۶۴	پوهیالی لمړی خارن محمد حامد رامکی	• آثار ترس از جرم در حوزه های اجتماعی
۶۶	پوهیالی سمونیار سید رفیق حکیمی	• د دماشوم د حقوقونو په سانه کې در پولیس دنده
۶۹	پوهیالی لمړی خارن عبدالرحمن میرزا	• تدابیر تامینی در قوانین جزایی
۷۲	پوهیالی خارمن عزیز احمدیک	• وینا ته چمتووالی
۷۴	محمد سالم احمدیار	• رعایت اصول اخلاقی در سازمانها و نهادها
۷۷	پوهیالی سمونیار محمد رضا توفیق	• نقش تعلیم و تربیه بالای جامعه باز و جامعه بسته
۸۰	پوهیالی خارمن عبدالنذیم اوریا خیل	• ګټوره مطالعه
۸۲	پوهیالی لمړی خارن محمد نوید نوید	• اساسات یادگیری و آموزش
۸۵	سمونمل راز محمد شاداب	• شهید

یادداشت:

پولیس مجلې ته راغلې لیکنې بیرته لیکوال نه ورکول کېږي، محترم لیکوالان دې د خپلولیکنو اصلی نسخه له
خان سره ولري، د خپروشوو لیکنو مسؤولیت د لیکوال په غاره دی، ستاسو د سالمو و راندې زونو په هیله.



مبارزه با مواد مخدر مسؤولیت اخلاقی

همه اتباع کشور است

صلح وامنیت یکی از مهمترین اصول زندگی و نخستین شرط لازم برای پیشرفت و رسیدن به یک جامعه مرفه و متمدن محسوب می‌شود. صلح وامنیت یکی موهبت الهی است که در کنار سایر نیازمندی‌های اساسی مطرح بوده تا مردم در پرتو آن احساس آرامش نموده، زندگی شان را بدون هیچ نوع خوف، خطر و ناامنی سپری نمایند. هر آنچه امنیت اجتماعی را تهدید نماید، می‌تواند باعث سقوط تدریجی جامعه شود. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد به مواد مخدر می‌توانند صدمه جبران ناپذیری را بر پیکر یک اجتماع سالم وارد کند.

اعتباد به مواد مخدر یک یماری مزمن روانی، اجتماعی و اقتصادی است که از مصرف غیر طبیعی و غیر مجاز مواد مخدر مانند الکول، تریاک، حشیش وغیره ناشی می‌گردد و باعث وابستگی روانی فرد مبتلا به این مواد شده و از لحاظ جسمی، روانی و اجتماعی تأثیرات نا مطلوب بر جای می‌گذارد. اعتیاد به مواد مخدر نه تنها توانایی انسان را در امور فردی، خانوادگی و اجتماعی مختل می‌سازد، بلکه باعث ارتکاب جرایم و جنایات خطرناک مالی و جانی نیز می‌گردد.

مواد مخدر یک تهدید و چالش بزرگ جهانی بوده و بانا امنی، بی ثباتی و تداوم جنگ‌ها در کشور ارتباط مستقیم داشته و سلامت جامعه را به خطر جدی مواجه می‌سازد. مواد مخدر یگانه منبع تمویل ترویریزم و آشوبگری در کشور بوده، با فساد گسترده ارتباط مستقیم داشته و عامل عمده فساد اجتماعی و اخلاقی محسوب می‌گردد.

اعتباد باعث انحطاط اخلاقی، روانی و سبب از بین رفتن آبرو و عزت نفس افراد شده، شخص معتمد، اعتماد به نفس نداشته و اعتماد جامعه را نسبت به خود از دست میدهد. معضله اعتیاد و روند رو به رشد آن بخصوص در بین جوانان زنگ خطری برای خانواده‌ها و جامعه بوده و با هدف گرفتن قشر جوان، این نیروی بالشده و پرافتخار، کشور را به سوی فقر، بدبهختی و نابودی می‌کشاند. آمار و ارقام ارایه شده می‌بین آن است که بیش از نیمی از جرایم در سطح کشور مربوط به مواد مخدر می‌باشد.

بنظور نجات جامعه از این پدیده شوم لازم است تا مبارزه جدی وهمه جانبه در سطوح مختلف صورت گیرد. بی تردید نقش خانواده به عنوان واحد اصلی و عنصر تأثیرگذار بر روابط، رفتار و خصوصیات ذاتی و اکسابی اعضا بخصوص در جهت مبارزه با مواد مخدر خیلی‌ها تعیین کننده است.

منسوین پولیس ملی بخصوص قطعنامه‌های مبارزه با مواد مخدر وزارت امور داخله در جهت جلوگیری از کشت، تورید، استعمال و خرید و فروش مواد مخدر شب و روز در تلاش بوده، وظایف و مکلفیت‌های شان را با صداقت وایمانداری انجام داده و در این راه به دست آورده‌ای بزرگی نیز نایبل گردیدند.

هیئت رهبری وزارت امور داخله از همه شهروندان می‌طلبد تا با خاطر نجات کشور از این پدیده شوم و خانمانسوز در کنار نیروهای پولیس ملی قرار گرفته با سهمگیری فعال شان در جهت نابودی هر نوع مواد مخدر و ایجاد جامعه‌ی بدون مخدرات، دین ملی و اسلامی شان را ادا نمایند.



جمل و عناصر مشکله آن



که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد ، جرم محسوب میگردد . برای اینکه عملی جرم محسوب شود باید دارای ویژگی های ذیل باشد :

الف : هرگاه قانونگذار انجام عملی را در قانون منع کرده باشد ، انجام آن عمل جرم محسوب میشود . مثلاً قانونگذار سرقت را جرم میداند یعنی سرقت عملی است که انجام آن در قانون جرم است .

ب : رفتار هم شامل انجام دادن یک کار وهم انجام ندادن کاری است . یعنی قانونگذار می تواند هم انجام دادن یک کار ، مثل سرقت را جرم بداند وهم انجام ندادن کاری (ترک فعل) را جرم بداند . طور مثال مادری به فرزندش به قصد ازبین بردن او شیر ندهد . شیر ندادن مادر به فرزندش با این قصد ، ترک فعلی است که قابل مجازات است .

ج : بر اساس قانون ، آن عملی جرم محسوب میشود که قانونگذار برای آن مجازات تعیین کرده باشد . یعنی هر نوع عملی که بتوان یکی از عنایین مجرمانه را به

هدف از قواعد حقوقی برقراری نظم در جامعه است . وقتی افراد جامعه مقرراتی را که در قانون پیشینی شده است ، رعایت کنند ، نظم وامنیت در جامعه حکم فرما شده واز بی نظمی و هرج و مر جلوگیری به عمل می آید . عدم رعایت نظم وقانون منجر به ایجاد جرم در جامعه شده ویکی از انواع مجازات را در پی دارد . بناءً در این قسمت نخست به بیان مفهوم جرم جمل و عناصر پرداخته و سپس پیرامون محتويات جرم جمل و عناصر مشکله آن مطالبی مورد بررسی قرار میگیرد .

جرائم چیست ؟

ماده ۲۷ کود جزا ، جرم را چنین تعریف نموده است :

« جرم عبارت از ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون جرم شناخته شده ، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدبیر تأمینی تعیین گردیده باشد ».

یا به عباره دیگر هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل

بین آنان تنظیم و رد و بدل می شود ، اطمینان داشته باشند . جعل پول واستفاده از پول جعلی باعث سلب اعتماد عمومی شده و ضرر های مادی و معنوی زیادی به اشخاص و دولت ها وارد می نماید .

تعریف جرم جعل
جعل در لغت به معنای خلق کردن ، دگرگون کردن ، منقلب نمودن ، گردانیدن ، آفریدن ، وضع کردن ، ساختن و ایجاد کردن بکار رفته است .

و در اصطلاح ، فقره دوم ماده ۳۰۲ قانون جزای کشور جرم جعل را چنین تعریف نموده است :

« ۲ - تقلید پول مروجہ، تنقیص مقدار اصلی مسکوکات یا ملمع کردن آن به قسمیکه با پول مروجہ دیگری که ارزش آن

بیشتر باشد شبیه گردد، جعل شمرده میشود .»

شرایط تحقیق جرم جعل

تحقیق جرم جعل حاوی شرایط ذیل است :

1 : موضوع جرم جعل باید سند یا نوشته ویا سایر موارد ذکر شده در قانون باشد .
2 : جعل در چیزی قابل تصور است که خود آن چیز ساختگی و تقلیبی نباشد .

3 : بطور متعارف باید امکان مشتبه کردن و به اشتباہ انداختن دیگران را ایجاد کند .

4 : موضوع جعل نهایتاً ساختگی و تقلیبی باشد، اگر

آن نسبت داد ، جرم میباشد .

معنی و مفهوم جرم جعل

جمله در قوانین جزایی امروزی یکی از جرایم خطناک واژ جمله جرایمی است که در بیشتر موارد مجرمان آنرا مرتکب میشوند . ارتکاب این جرم گذشته از زیان های فردی ، آسایش و رفاه عمومی را در سطح گسترده ای خدشه دار میسازد . جعل از جمله جرایمی است که مراجع عدلی و قضایی همواره با آن سروکار دارند .

جمله از دیدگاه حقوق عبارت از ساختن هرچیز مثل سند به یکی از طرق پیشینی شده در قانون برخلاف حقیقت و به ضرر دیگری میباشد .

جمله یک پدیده اجتماعی است که مشکلات و پرابلمن های زیادی را در جوامع

بشری بوجود آورده است . جعل واستفاده از سند مجعلوں از جمله جرایمی است که از زمان ایجاد خط و اسناد در بسیاری از کشورها وجود داشته ولی در دهه های اخیر با پیشرفت علم و تکنالوژی افزایش چشمگیری یافته است . جعل منحیت یک پدیده زشت همه عرصه های زندگی اجتماعی را متأثر ساخته وزیان های بزرگی را متوجه جامعه بشری نموده است .

تحکیم روابط سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی و فرهنگی مستلزم آن است که افراد جامعه بتوانند به صحت و درستی نوشته ها و اسنادیکه برای اهداف گوناگون





باشد اما زمانی می توان گفت آن عمل مجرمانه است که قانونگذار آنرا جرم دانسته و برایش مجازات تعیین کرده باشد . جرم جعل از جرایم غیر قابل گذشت است . رضایت شاکی ، جعل کار را از تعقیب مجازات معاف نمی کند . علاوه بر آن مجازات جرم جعل قابل تعليق نیست و متهم ناگزیر به تطبیق حبس تعیین شده و پرداخت جزای نقدي خواهد بود .

جعل سند واستفاده از سند جعلی ، دو جرم جداگانه محسوب میشود . بنا بر آن اگر فردی سندی را جعل کرده واژ آن استفاده کند ، مرتکب دو جرم شده که بمحض قانون برای هرکدام آنها مجازات مستقلی تعیین شده است .

جرائم جعل پول و مسکوکات

مطابق حکم ماده ۲۸۴ کود جزا جرائم جعل پول و مسکوکات عبارت اند از :

- شخصی که یکی از اعمال ذیل را انجام دهد ، مرتکب جرم جعل پول شناخته شده ، مطابق احکام این قانون مجازات میگردد :

۱- تقليد پول مروجه ، تنقيص مقدار اصلی مسکوکات یا ملمع کردن آن به قسمی که با پول مروجه دیگری که ارزش آن بيشتر باشد یا با اسعار خارجی شبیه گردد .
۲- معامله یا ترويج سکه یا بانکنوت جعلی که شبیه سکه یا بانکنوت رایج باشد ، یا به عوض آنها معامله گردد .

۳- ساختن بانکنوت جعلی منقش یا سفید ، به شکل كامل یا غير آن .

۴- دست کاري یا تغيير سکه یا بانکنوت واقعی که

صرف حاوي اطلاعات دروغ باشد ، برای تحقق جرم جعل کفايت نمی کند .

فرق جعل با تزویير

فرقی که بین جعل وتزویير وجود دارد ، در خصوص موضوع هریک از جرایم اشاره شده است . براین اساس که موضوع جرم جعل ، پول رایج میباشد . در حالیکه موضوع جرم تزویير ، نوشته ، اسناد ، امضاء و مهر است . با در نظر داشت مطالب فوق پیرامون جعل وتزویير میتوان گفت که ایجاد یا تحریف یا دخل و تصرف در سند نوشته و یا ساختن متقلبانه آن به گونه ای که باعث ضرر به دیگری شود ، تزویير محسوب میگردد . ولی ساختن ، ایجاد و تغيير پول رایج ، جعل است .

عناصر متشکله جرم جعل

عناصر متشکله جرم عبارت از اجزای هستند که اساس جرم مبتنی بر آنها است و در صورت فقدان آنها ، جرم قانوناً تتحقق نمی یابد . اکثر حقوقدانان تحقق جرم را مربوط به اجتماع سه عنصر یعنی عنصر قانونی ، عنصر مادی و عنصر معنوی دانسته اند . آنها معتقد اند که در صورت عدم اجتماع این عناصر سه گانه ، هیچ جرمی تتحقق نمی یابد .

بناءً عناصر متشکله جرم جعل عبارت اند از :

۱- عنصر قانونی جرم جعل
ماده ۳۲ کود جزا عنصر قانونی جرم را چنین تعریف نموده است :

« عنصر قانونی جرم عبارت از تصريح عمل جرمی و جزای معین آن در این قانون میباشد ».
یک عمل هر چند از دیدگاه اجتماعی زشت و ناپسند

۳ - اتفاق به جرم و شروع به جرایم مندرج ماده ۲۸۴ این قانون در حکم ارتکاب جرم کامل بوده ، مرتكب به عین جزای فاعل اصلی محکوم میگردد .

حالات مشدده در جرم جعل

ماده ۲۹۸ کود جزا در مورد حالات مشدده جرم جعل چنین حکم میکند :

هرگاه به اثر ارتکاب یکی از جرایم مندرج این فصل ، ارزش پول افغانی تنزیل نماید یا اعتماد بازار های داخلی یا خارجی به اثر آن متزلزل گردد ، مرتكب به مجازات یک درجه بالاتر از مجازات جرم اصلی مندرج این فصل ، محکوم میگردد .

۲ - عنصر معنوی جرم
جعل

ماده ۳۸ کود جزا عنصر معنوی جرم را چنین



تعريف نموده است:

«عنصر معنوی جرم عبارت است از قصد جرمی ، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن یا خطای جرمی .» کسی که قصد ارتکاب جرم را داشته ، نیت واردۀ درونی انجام این کار را در ذهنش پرورانیده و زمینه را برای احیای دیگر عناصر مهیا سازد ، عنصر معنوی جرم شمرده میشود. برای تحقق عنصر معنوی جرم جعل از یک سو باید قصد ساختن یا تغییر دادن

شبیه سکه یا بانکنوت رایجی گردد که ارزش اسمی بالاتر دارد یا عوض آن قبول یا گرفته شود .

۵ - ساختن سکه که پوشش طلا نقره یا نیکل داده شده باشد ، تا شبیه سکه رایج طلا ، نقره یا نیکل گردد یا عوض آنها قبول یا گرفته شود .

۶ - ساختن توکن (نشانه قیمت دار)

۷ - سکه رایج که زنجیره آن توسط سوهان کاری یا بریدن لبه ها برداشته شده و زنجیره روی آن عوض شده که ظاهر آنرا اعاده کند .

۸ - سکه یا قطعه فلزی یا مخلوطی از فلزات که شکل ظاهری طلا ، نقره یا نیکل را داشته یا آب فلز داده شده یا رنگ شده باشد تا شبیه سکه طلا ، نقره یا نیکل گردد یا به جای آنها استفاده شود .

مجازات موتکبین جعل پول

مطابق حکم ماده ۲۸۵ کود جزا موتکبین جعل پول به شرح ذیل مجازات میگردد :

۱ - مرتكب جرم جعل پول مندرج اجزای ۱ تا ۶ فقره (۱) ماده ۲۸۴ این قانون به حبس طویل محکوم میگردد .

۲ - مرتكب جعل جعل پول مندرج اجزای ۷ و ۸ فقره (۱) ماده ۲۸۴ این قانون به حبس متوسط محکوم میگردد .



نموده است :

«عنصر مادی جرم عبارت است از ارتکاب عمل خلاف قانون یا امتناع از اجرای عملی که قانون به آن حکم نموده است به نحوی که ارتکاب یا امتناع منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت میان عمل ونتیجه موجود باشد ».

عنصر مادی شامل جنبه های غیر ذهنی جرم بوده که در قالب رفتار مادی و فیزیکی متجلی شده وامکان تطبیق نص قانون بر رفتار مرتکب را فراهم می نماید .

چنانچه جز سوم ماده ۲۸۶ کود جزا در زمینه چنین حکم میکند :

«۳-شخصی که آلات ، ادوات یا وسایلی را بمنظور جعل پول ، بسازد یا بکار برد یا بفروشد یا به فروش عرضه نماید یا اجاره دهد و یا بدون عذر قانونی آنرا در حیازت خود درآورد ، به حبس طویل محکوم میگردد ».

آن عده اعمال وفعالی که در تعریف جعل وذکر مصادیق آن به عمل آمده باید توسط شخص انجام شود تا رکن مادی تحقیق یابد . البته همین رکن مادی شامل فعل وترک فعل میشود .

عنصر مادی جرم جعل بیش از هر عنصر دیگر قابل توجه میباشد . چون در این مرحله همه جرایم جنبه عملی به خود میگیرد . چاپ وتوزیع پول جعلی وانتقال آن همه وهمه ازعناصر مادی جرم جعل محسوب می شود .

بناءً موضوع جرم جعل واضح وروشن بوده و شامل ساختن وتحییر دادن پول رایج کشور میباشد که بطور آگاهانه و به خاطر فریب مردم تهیه و به بازار عرضه میگردد .

وجود داشته واز سوی دیگر مرتکب باید قصد کامل فریب دادن دیگران را از این سند یا نوشته یا چیز جعلی دیگری را به عنوان اصلی قبول نموده ، بدین طریق به ضرر خود عمل نماید .

قوانين معاصر علاوه بر عنصر مادی ، وضعیت مرتکب را در هنگام رفتار مجرمانه نیز در تحقیق جرم شرط دانسته اند . زیرا صرف ارتکاب رفتار فیزیکی وفراهم آوردن جنبه های مادی جرم برای تحقیق جرم کفایت نمی کند . چنانچه ماده ۲۸۶ کود جزا در مورد تحت حیازت قرار دادن پول جعلی چنین حکم میکند :

شخصی که با وجود علم ، پول جعلی افغانی یا اسعار خارجی معادل آن را در حیازت خود در آورد با نظر داشت مقدار پول ، حسب احوال به مجازات ذیل محکوم میگردد :

۱- در صورتیکه مقدار پول تا ده هزار افغانی باشد ، به حبس قصیر .

۲- در صورتیکه مقدار پول بیش از ده تا پنجاه هزار افغانی باشد ، به حبس متوسط تا دو سال .

۳- در صورتیکه مقدار پول بیش از پنجاه هزار افغانی تا صد هزار افغانی باشد ، به حبس متوسط بیش از دو سال .

۴- در صورتیکه مقدار پول بیش از صد هزار تا پنجصد هزار افغانی باشد ، به حبس طویل تا هفت سال .

۵- در صورتیکه مقدار پول بیش از پنجصد هزار افغانی باشد ، به حبس طویل بیش از هفت سال محکوم به جزا میگردد .

۳- عنصر مادی جرم جعل ماده ۲۳ کود جزا عنصر مادی جرم را چنین تعریف

آیا د گوتو د نېسو ورته والی نورو ته په ارث انتقالیپه؟

ونیسو. فورژو څرګندوی چې د بېلاپللو قومونو د لاس او گوتو په نقشونوکې زیاته پاملنکه کړي ده. د اړمنیانو د لاس داورغنوی خارجې برخه عموماً د باد بورکی نقشونو په خیر کش شوی دی. پوتشر د چینیانو د مینګ هونګک د طایفې د

گوتو به نېسو باندې څیپنې

کړي دی او ثابتوي چې د

نوموری طایفو او اور پایانو

او امریکایانو په گوتوکې د

قلابې او باد بورکې نقشونو

په منځ کې بېلاپل

نسبتونه موجود دی. لakin

د مصریانو د گوتو د نېسې

اخیستولو په پانو کې

څیپنې نېسې چې نوموری

پانۍ د بېلاپللو قومونو او

طایفو پورې مربوطې وي. کومه پایله یې ترلاسه کړي

نه دی. لakin کیدای شي چې په راتلونکې کې د زیاتو

تجربو او څیپنې په پایله کې وکولای شو نژاد د گوتو په

وسیله وټاکو او دا موضوع به د پولیسو او متخصیصینو

لپاره دیره ګټوره وي.

په دې برخه کې پوهانو او د گوتو د نېسې اخیستولو متخصیصینو ژوري تجربې او مطالعې کړي او بېلاپلې عقیدې لري. ګالتون په ارث باندې د گوتو د نېسو د ورته والی او انتقال په موضوع باندې عقیده درلود.

لakin په دې برخه کې له نوموري څخه کوم لیکې سند تر ستړګوشوی ندي او فورژو له دې قضې څخه بیخې منکر دی او حتی د کورنیسو په هغو ګړوکې چې په خپل منځ کې نسبت درلود او وادونه یې سره کړي. تجربې او مشاهدې وکړي او ثابته شوی ده چې ارث باندې ورته والی او شباهت د

انتقال برخه هیڅ تراو نلري او د نورو پوهانو تجربې هم بې پایلې اونفې دی.

د گوتو په کربنو باندې نژادې تاثیر او د خرنګوالی توضیح له پاره اړینه ده چې دوو متخصیصینو او پوهانو (فورژو او پوتشر) مطالعې او خبرتیاوی تر پاملنکې لاندې





منځه تللى تر سترګو کيږي . یوه بله مميذه علامه چې په بشپړه توګه مشخصه او د زړو او دير عمر لرونکو کسانو پوري خاصه د له هغونجوا خخه عبارت دی چې دی کاغذ او نورو به مخ یې نښي د گوتو د نښو اخيستلو وروسته خای سپین پاتي کيږي . دا گونجى د زړښت او د پوستکي د موسلو په اثر تولیديږي .

په لاسى او حرفوي کارونو باندي بوختيدل معمولاً د خلګو گوتو او لاسونو به کربنوكې په خرګنده توګه علامى او نښي رامنځ ته کوي چې د هویت پېژندې دکشف په چاره کې فوق العاده ګته لري . دا علامې د بریتون په وسیله د پاریس د بناروالى د ریيس په غوښتنه تshireح شوی دي . د بېلاپلو صنایعو حالات او افزار د پوستکي سره د اصطکاک او تماس په واسطه له خانه داسى آثار او نښي پرېردي چې دی پوستکي دوچيدلو او د خولو د مجراد بندیدلو پواسطه د کاغذ پرمخ یابل خای کې به ده ګه خای سپین پاتي شي او سرنګه چې نوموری علامى په بېلاپلو صنایعوکې مختليفي دی، په دی اساس په آسانه توګه کولاي شو گوتو د نښو د خاوند شغل او کسب کار معلوم کړو : ۱ - ګنډونکي او داسى نور کسان چې سراوکار یې د شتونو سره دي اوپه شستوکار کوي ، د هغونه په گوتو کې شستونو په نوتللو سره ژور خایونه اونښي رامنځ ته کيږي چې د گوتو د نښود اخيستنو په وخت کې هغه ژور خایونه که خانه سپين تګي پرېر دی اونوموری زياته په هغونه کسانو کې چې په بشني لاس تګي زياته په هغونه کسانو کې او هغه کسان چې ددي برعکس په کین لاس کار کوي د هغونه په بشني لاس کې ليدل کيږي او ځيني وختونه دا سپين تکي دومره زيات وي چې د گوتو کربنې دشکل او بنې ستونزو سره مخامنځ کيږي .

۲ - د ګلاتوپلورونکو او د ګلاتو د غنچو د تپونکو په گوتو کې د ګنډونکو د گوتو نښو ته ورته علامې پيدا کيږي . لakin په بې ترتیبې توګه او اکثره نوموری علامې

د عمر په زیا تیدو سره گوتو کربنې کوم بدلون نه مومي . لakin د گوتو د سر پوستکي د وخت د تیردو په اثر خپل طبیعی وده ترسره کوي چې په پایله کې دی کربنې فاصلې زیاتیرې اوله دی کبله کولاي شو گوتو د خاوند تقریبی عمر معلوم کړو . فورژو ثابته کړي د چې که چېری د پنځه ملي مترو په اوږد والي دیوې کربنې واحد ونیول شی او هغه په عمودي توګه دیونو زیریدلی ماشوم گوتو اتلس کربنې قطع کړي پنځه ملي متري کربنې د گوتو اتلس کربنې قطع کړي اوکه چېری له هماغه واحد خخه په شل کلنۍ کې کار واخلی د لسو کربنې خخه به زیاتې کربنې قطع نه کړي . کومې تجربې چې په دی هکله ترسره شوی دی د گوتو د کربنې له مخنی د خلکو عمر په لاندی طریقې سره تاکل کيږي . که د پنځه ملي متري کربنې واحد دیوې باد بورکې شکلې گوتو د نښو له پاته کېری :

په نوی زیریدلو ماشومانو کې له پنڅلسو خخه تر اتلسو کربنې قطع کوي په اته کلنو کوچنیانو کې دیارلس کربنې قطع کوي . په دولس کلنو کوچنیانو کې دولس کربنې قطع او په شل کلنۍ عمر کې له نهه خخه تر لسو پوری کربنې قطع کوي او له دی عمر خخه چې تېرېږي له اوو خخه تر شپړو پوری قطع کوي . لکه څرنګه چې د گوتو د کربنې د نښو د اخيستلو پوهانو په خپلوا تجربو سره ثابته کړي دی چې د بنځو د گوتو د کربنې فاصلې د نارینه و د گوتو د کربنې له فاصلې خخه لري دي . د زړو او دير عمر لرونکو کسانو گوتو به نښو کې داسى کربنې او علامې ليدل کيږي چې په بشنه توګه کولاي شو هغه تشخيص کړو . نوموری نښي په دوه دوله دي .

- ۱ - د گوتو نښي زیرې او زيات ګونج والي لري .
- ۲ - د گوتو نوموری نښي دزيات کار او استعمال په پایله کې زياتې پلنې، موسل شوی او لېرغوندي له



لە سر ئاطان سال ١٣٩٧

اشخاصوکي د هغۇي اختلاف پە بىنە توگە خېرىنىيە شۇو چى د گۈپسۈ معاينە د مجرىمەنۇ او تۇرنۇ كسانو د هویت د پىئىندىنى او كىشى لپارە چى د جنابت پرئاھى يابىل خاي كىي آثار او نىنىي لە خانە پېرىرىدى ، ترتقۇلۇ بىنە او باوري وسىلە دە.

او س پە لنابە توگە دگۇتو د كىرىسۇ خخە د استفادىي پە طرز او طريقي او دجنایت او جرم پە خاي كىي د هغۇي د پىلتىنى ، خېرىنى دىلە ، ضبط او انتقال خېرىنى خېرى د گۇتو كىرىسى لە دوو لارو خخە تىز استفادە لاندى راھى.

١ - دەغۇ گۇتو د كىرىسۇ

معاينە چى د جرم د پىپىنىي پە خاي كىي يعنى د مجنى عليه شىخسى ياد وسىلى او خەمكى ياكاڭىز ياد دىوار او نورو پە مخ لاسته راھى، پە داسىي مواردو كىي مجرم پە خېل لاس خېل خان پىئىندى او د خېل خان پە نسبت يىي د جنایت انتساب لاسلىك كىرى دى.

٢ - دەغۇ جنایت كارانو او

مجرىمەنۇ د گۇتو د كىرىسۇ معاينە چى معمولاً لە نىبول كىيدو او توقىف خخە وروستە اخىستىل كىرىي، د گۇتو د كىرىسۇ د گۇتو د نىبۇ پە خانگىزى آرشىف كىي ضبط دى او دارتىا پە وخت كىي ورته مراجعە كىرىي، نومورى نىنىي او علامىي د مجرىمەنۇ لە پارە دوسىيە تنظيم او ترتىبىي او پە راتلونكى كىي د هغۇي لە پارە د هویت بىدلۇن امكان لە منئە ورى.

د گۇتو د كىرىسۇ معاينە پە لمىرى سر كىي د عدلى داكترانو او پە دوهىمە برخە كىي د اپرونادىو فنى مامورىنۇ لە خاصو دنلىو خخە شمىريل كىرىي.



پە دواړه لاسونو او پە تولو گۇتو كىي ترسىتىگو كىيرى. ٣ - دەغۇ كسانو د گۇتو پە نىبۇ كىي چى خېتكى او اره كار كىوي او همدارنگە د خرادانو ، حكاکانو، دودى پخوونكۇ پە لاسونو كىي پيوندونە او چاودونە د کار د افزاوو د تىولو بە اشر ترسىتىگو كىيرى.

نومورى نىنىي او علامىي چى د پوستكى د چىدىلۇ او چاودىدىلۇ لامىل شوي، دى د كىرىسۇ يوه برخە لە منئە ورىي او كىداشىي داسىي تصور وکرو چى د گۇتو د نىبۇ اخىستىلۇ لە لپارە مضر وى . لاكن نومورى نىنىي د گۇتو د سرونو كربنى نە خرابىوي او د تۇرنۇ د هویت او شغل د تاكنى لە پارە مناسب مشخصات راغونىلوي.

دجنایىي علومو پوه سارا كائىي د دارنگە كار گرانو د گۇتو د نىبۇ (812) پانى سره پىتلە كىرى (11) پانى يىي د استفادىي ور نە وي او (كاستى) پە دوھىم كىي دخىنستو جورولۇ د كار گرانو او هغە كسانو چى گۇتى يىي تىل د خىنستو او زىبر او سختو شيانو سره تماس

درلۇد د دارنگە كسانو د گۇتو پە درې زە نقشۇنوكىي يې خېپنە وگر: چى پە پايىله كىي يىي (9) پانى د استفادىي ور نوى. كومە پايىله چى كولاي شو تراسە كېرە هەدە دادە چى د گۇتو نىنىي د انتقال اود لاسىي كارنو پە پايىله كىي پە زياتە كچە موېشل كىرىي او پە موقتى توگە لە منئە خىي ، لاكن داموشل كىيدل اولە منئە تىلل لە يوي خخە تى دوو اونىسو پورى بىرته پە لومپۇنى بىنە روغىري او د شمىر او استفادىي لاندى راھى.

لە كومۇ توپىيەتلىك سەرە چى پە تىرە خېپنوكىي مو د گۇتو د ورى صفتۇنۇ پە هككەلە وپاندى كېرل، يعنى د گۇتو د اشر نە بىدلۇن او نە ضايىع كىيدلۇ اصل او همدارنگە پە



رسیدگی به ازدحام در زندانها

پوهنیار پاسوال سردار محمد سلطانی

توقیف گردیده اند رها شوند و عده‌ای دیگری مانند بیماران روانی که بطور بیمورد گرفتار شده اند از گروپ خارج ساخته شوند.

این وضع را میتوان با استفاده بهتر از وسعت فضای موجوده، بازنگری سطوح امنیتی، گروپ بندي زندانیان نظر به شدت تهدیدات امنیتی بهبود بخشید، مثلاً زندانیان که امنیت را کمتر تهدید می‌کنند، میتوانند در قیودات نسبتاً کمتر قرار داده شده و فعالیت‌های انتفاعی به آنها معرفی شود.

موارد بیشتر ازدحام:
در اکثر سیستم‌های زندان مسئله ازدحام در



مرحله قبل از محاکمه موارد بیشتر دارد. در بسیاری از کشورها دیده می‌شود که زندانی‌های قبل از محاکمه در بدترین شرایط زندان بسر می‌برند. در زندان‌های کشور‌های اتحاد جماهیر شوروی وقت ازدحام که اکثراً در مرحله قبل از محاکمه وجود داشت بنام

ازدحام در زندان‌ها در سراسر جهان وجود دارد. این وضع برای کارمندان زندان ایجاد خطر نموده و منجر به تخطی حقوق بشر، خشونت و شیوع امراض میگردد. همچنان این وضع میتواند حالت و رفتار تحیر آمیز و غیر انسانی را به بار آورده و شرایط کار را برای کارمندان نامطلوب سازد.

دو راه حل دراز مدت ممکن است: یعنی بلند بردن ظرفیت سیستم زندان با کاهش تعداد زندانیان. بلند بردن ظرفیت سیستم زندان منحیت یک استراتیژی

دراز مدت برای کاهش ازدحام موثر خواهد بود. تغییر دادن پروسیجر جرمی و پالسی‌های مجازات مکانیزمی است که مؤثیریت و کارآیی بیشتر را دارا می‌باشد. ازدحام در کوتاه مدت میتواند با معافیت‌ها، بازنگری حالت قانونی توقیف؛ تاکسانی که بصورت غیرقانونی



سلول های یکنفری که اندازه آن ۸ متر مربع و ۹ متر مربع می باشد، شرایط کاملاً قناعت بخش و مناسب توقيف را فراهم نماید.

مقدار فضای تعیین شده برای هر زندانی صرف یک پیمانه ازدحام می باشد. مقدار فضای موجود برای هر زندانی در یک سلول و خوابگاه شبانه باید با مدت زمان که یک زندانی هر روز بیرون از سلول و یا در خوابگاه سپری می نماید، یکجا درنظر گفته شود. سپری نمودن ۲۳ ساعت روزانه در یک محل ۳ متر مربع بدتر از آن است که زندانی در آنجا شب را بگذراند و روز را در حویلی و یا در ورکشپ و یا صنف سپری نماید. شرایط ازدحام در اثر کمبود روشنی طبیعی و تهویه ناکافی بدتر میگردد.

تاشرات ازدحام در همه بخش های زندان انتشار میابد، ازدحام روی سودمندی ها، مانند مقدار آب موجود و ظرفیت های سیستم فاضلاب فشار وارد مینماید. آشپزخانه ممکن است تسهیلات کافی جهت تهیه غذا را از دست بدهد. همچنان اگر پخت و پز و شستشو و خشک نمودن کالا ها و استحمام همه بجای سهولت های بیرونی در سلول های زندان صورت بگیرد، باعث بدتر شدن شرایط می گردد. دست رسی به سهولت ها مانند کار، تعلیم و ورزش نیز از ازدحام متاثر گردیده، محلات خواب ممکن بطور کافی میسر نگردد و زندانیان شاید به نوبت استراحت نمایند.

"شرایط زندان ناگوار و تهدید کننده بوده... به صورت اوسط سلول های زندان کمتر از یک یارد مربع (90

سیروز یاد میگردید در حالیکه مراحل دیگر سیستم به صورت کل مزدحم نبود.

اندازه ازدحام را چگونه باید تعیین نمود:

طریقه های مختلف برای تعیین اندازه ازدحام وجود دارد. که یکی ازین طریقه ها نظر به اندازه فضای موجود برای هر زندانی موجود میباشد. اکثر سیستم های زندان رقم برای ظرفیت زندان های شان دارند که میتواند ازدیاد ازدحام را نشان دهد. گرچه این ارقام اکثراً بر اساس تعریفات محلی، آنچه که فضای مورد قبول شناخته شده است، استوار می باشد. ولی معیار بین المللی که بصورت جهانی مورد قبول باشد وجود ندارد. بعضاً وقتی زندان ها از اندازه گنجایش شان بیشتر پر میشوند، زندانیان در توقيفگاه پولیس جای که شرایط بمراتب بدتر از زندان های قبل از محکمه می باشد، انتقال می یابند.

کمیته اروپا جهت جلوگیری از شکنجه و رفتار یا مجازات ظالمانه، غیر انسانی یا تحقیر آمیز برای هر شخص فضای چهار متر مربع را در مجموع منحیث یک اندازه معیار سودمند برای بهبود بخشیدن سطوح نامساعد ازدحام سفارش نموده است. هرچند آنها یک سلول یکنفری به اندازه ۴۵ متر مربع را محل بسیار کوچک و نامساعد برای سپری نمودن دوره توقيف بیشتر از یک یا دو روز خوانده و یک سلول ۶ متر مربع را نسبتاً کوچک و یک سلول ۱۰ متر مربع را اندازه مناسب برای یک فرد دانسته ولی برای دو فرد نسبتاً کوچک تلقی می نماید. تصور می گردد که



خیلی برجسته و چشم گیر میباشد. سایر انگیزه ها جهت کاهش ازدحام میتواند فشار انتقادات از طرف هیئت بین المللی و یا آرزوی حکومت ها برای بدست آوردن پذیرش بین المللی باشد. فشار از جانب کارمندان زندان و یا هیئت نماینده شان بعلت داشتن ترس و بیم از صحبت و مصونیت شان هم میتواند یک انگیزه برای دولت ها برای حل مشکل ازدحام باشد. اصلاح زندان بعضاً در دستور کار حکومت های جدید و یا وزرای جدید داخله و عدليه قرار داشته و آغاز روند اقدامات در مورد ازدحام شدید یک شیوه نسبتاً بحث برانگیز نمیباشد.

چه باید کرد:

برای رسیدگی به ازدحام طرقه های زیادی وجود دارد.



- ارتقاء ظرفیت زندان.
- کاهش تعداد زندانیان (مراجعه شود به یادداشت رهنمودی شماره ۵ و شماره ۱۵).
- اخذ تدبیر کوتاه مدت مانند عفو عمومی و سایر طرح های رهای از زندان.
- استفاده بهتر از فضای مجموعی موجود در سیستم زندان.
- استفاده بهتر از تمام مساحت و فضای زندان های مزدحم.
- بهبود بخشیدن شرایط زندگی

سانتی) مربع برای هر زندانی میباشد.

پیامدهای ازدحام:

ازدحام زندان میتواند:

- باعث بیار آوردن تخطی های حقوق بشری مانند عدم دسترسی حق زندگی و امنیت شخصی گردد.
- منحیث محل پرورش امراض ساری مانند سل و ایدز تاثیرات شدید و خطرناک صحی و عمومی داشته باشد.

- بصورت ناگوارتر روی صحت روانی تاثیر نماید.

- بصورت جدی روی توانایی های که برای کنترول جرایم و خشونت در داخل زندان لازم است، تغییر نماید.

- برای کارمندان زندان فضای نسبتاً خطرناک را ایجاد نماید.

- تأمین معیار های حداقل روشی، هوا و خلوت را ناممکن سازد.

- تأمین خواست سازمان ملل مبنی بر جدایی زندان از مردان، جوانان از بزرگسالان، متهمین از محکومین را ناممکن می سازد.

ازدحام و اصلاح زندان:

ازدحام شدید بعضاً میتواند به علت نگرانی های عامه مبنی بر بلند بودن درجه مرگی میر زندانیان، شورشها، مشکلات صحی، بحیث انگیزه اصلاح زندان نقش داشته باشد. در جوامعی که آزادی بیان وجود دارد، تبلیغات مطبوعات در مورد تاثیرات ازدحام



پوهندوی سمنونوال میراحمد شاه (خوست)

په نظام کې د رسه تعظیم اړزدشت

مادې خلورمې فقرې سره سم درنښت دود داسې

تعريف شوي دي:

د درنښت دود، د خانګرو فریکې حرکتونو له اجرا
کولو سره یو خای د آمر، لاس باندې
او لاس لاندې تر منځ د متقابل
درناوی خڅه عبارت دي.

د ګارنیزون خڅه بهر، عسکري
منسوبين د تعلیم قدم خڅه صرف نظر
کوي یواخى د کین لاس د حرکت په درې دو
او د بني لاس په پورته کېدو، درنښت دود ترسه
کيري.

د داخله خدمتونو د اصولنامې د (۱۶-۱۷) مادو د
حکمونو سره سم ټول عسکري منسوبين مکلف
دي چې د مخامنځ کېدو (مخکې کېدنې) په
وخت کې د هغو قاعدو په جدي مراعات کولو
چې د جمع نظام په تعلیمنامه کې تاکل شوی دي
يو بل ته د درنښت دود وکړي، لوړۍ بې قدمان او
لاس لاندې د درنښت دود کوي.

د داخله خدمتونو د (۱۷) مادې سره سم په لاندې
حالتونو کې هم د درنښت دود ترسه کېږي:
۱- د ورک نومې عسکر خلې ته.
۲- د عسکري قطعو، مبارکو علمونو ته.
۳- د هغې جنائي مراسمو ته چې د عسکري قوتونو



ټولیز معلومات:

در عسکري درنښت دود د افغانستان د اسلامي
جمهوري دولت د امنيتي او دفاعي خواکونو د
منسوبيو او جزو تامونو تر منځ د درناوی، یو
پخوانۍ دودیز دود دی او دغه متقابل درناوی
د عسکري منسوبيو د دسپلین مننې او
د هغې په ژوندانه کې د ګټورو عادتونو
د رامنځ کېدو سبب ګرځي نو ددي
اصل پر بنست د درنښت دود داسې
تعريفوو:

۵ درنښت دود تعريف:

دا د هغه متقابل درناوی خڅه عبارت
دي چې د جمع نظام د تعلیمنامې سره
سم د لاس لاندو له خوا، آمرانو، لاس
باندو ته د تګ، اساس وضعیت د قاعدو
په مراعاتولو سره په ژوره او کلکه توګه
ترسره کېږي او په دغه اړوند د جمع نظام
د تعلیمنامې په (۶۵) ماده کې داسې ويل
شوی دي چې: د درنښت دود باید په ډېره
خیرتیا او چټکتیا سره د اساس وضعیت، د
تګ د قاعدو په پام کې نېپولو سره ترسره شي
او همدا رنګه د عسکري انضباط او دسپلین
د سرغروونکو د تأدیب د مقرري د خلورمې



که چېري عسکري منسوب ناست وي او د هغې له مخي آمر، لاس باندي تيريري په چتىکي سره به ودريري د «تیاري سئ» وضعیت به نيسی او د جمع نظام د تعليمنامي سره سم د تاګل شوي مسافي په مراجاتولو سره به د درنښت دود اجراء کوي.

د درنښت دود په ترسره کولو کې دغه لاندي تکي په پام کې نېټول کيريو.

- د درنښت دود په ژوره توګه د اساس وضعیت د قاعدو په مراجاتولو سره په ډپر کره او خیرتیا سره باید اجراء شي.

- بنې لاس په چتىکي سره د لنډي لارې د خولی د پیک خنډي (ژي) ته پورته کيريو.

- د بنې لاس د منځني گوتې څوکه د خولی د پیک د لاندى خنډي سره (پیک ته نړدي) تماس ورکول کيريو.

- د بنې لاس گوتې باید سره نښتي وي.

- د بنې لاس مت سیخ او د اوري سره باید موازي وي.

- د بنې لاس خنګل د اوري په لوړوالي او حدا وي.

- کين لاس به په خپل عادي حالت داسي خونندوي چې منځني گوته د پطلون د درز يا ليکي سره لبر نښتي وي نېټول کيريو.

په تفريح خایونو کې د درنښت دود اجرا کول:

که په ګن میشتو خونو (سالونونو) کې، آمران، يا لاس باندي مخي ته راتلل یواخي په لومړنۍ مخامخ کېدو کې د درنښت دود، اجراء کيريو او که بیا وروسته په هم هغه خای کې هم هغه آمران يا لاس باندي مخي ته راتلل، نو د درنښت دود، نه اجرا کيريو. یواخي بشکل (منظمه) د درنښت وضعیت نېټول کيريو.

په ګن میشتو د کنفرانسونو په لویو لویو خونو يا سالونونو، کتابتونونو، لوست خونو، خونځایونو او په

له خوابدرګه کيريو.

د درنښت د دود د ترسره کولو په وخت کې هر عسکري منسوب چې په هر ئای کې سره مخامخ کيريو، خپل وضعیت او قیافه پرته د نمیگرتیا خخه ساتي، لاس لاندي مکلف دي چې د لاس باندي خخه مخکې د درنښت دود ترسره کيريو. او هغه کسان چې رتبې سره برابري وي او د رتبو توپیر یې کېدای نشي له خنده پرته باید یوبل نه درناوی وکړي. د درنښت دود د جمع نظام د تعليمنامي د قاعدو خلاف په بې پروايي سره حرکت کول د بنې لاس ورو پورته کول، په کین لاس د درنښت دود کول، د درنښت دود د ترسره کولو په وخت کې سراو ستړګی بل لوري ته نېټول اجازه نلري درنښت دود ترسره کول په هر وخت اوهر وضعیت کې ترسره کيريو نه ېبدل عذر کېدای نه شي.

د درنښت په دود کې ېبدل باید ژوندي، خوره او په مينه وي او خنګلې په نورمال ډول نېټول کيريو، او هغو کسانو ته چې د درنښت دود ترسره کيريو، يعني لاس باندي هم لاس لاندي ته په جدي وضعیت ګوري او د درنښت دود اخېستل باید بشپړ ومنې. هغه کس ته چې د تګ او ولاړ وضعیت خخه د درنښت دود ترسره کيريو سر د هغې خواته ګرئي په ولاړ حال کې اساس وضعیت نېټول کيريو او د تګ په وخت کې د لاسونو حرکت قطع کيريو.

که عسکري منسوبين په ولاړ او یا د تګ د حالت خخه کله چې خولی یې په سرنه وي خپلو آمرانو، لاس باندو ته د درنښت دود ترسره کوي نو خان او سر به مخي ته، نه بشکته کوي او که عسکري منسوبين لوڅ سر خپلو آمرانو يا لاس باندو ته ورځي (۶-۵) خطوو په مسافه د لاس باندي په ورځي د «تیار - سئ» په حالت دريريري او بیا د درنښت دود اجراء کوي.



مقرری د (۱۸) مادی د (۶) فقری له مخی عسکري منسوبین په قطعو او جزو تامونو کې د افغانستان اسلامي جمهوري دولت د ملي سرود او د قطعې د مبارک علم او بیرق د پورته کېدو په وخت کې دريری جبهه گرځوی او د درنښت دود به اجرا کوي.

هغه عسکري منسوبین چې د درنښت دود په کولو اړ (مکلف) نه دي:

- ساتونکي يا محافظين، بندیان او توقيف شوي کسان.
- د سفر په حال کې پېره (پهره) لرونکي، ګزمه، خارونکي چې جګړه ايزه دنده يې اخښتې وي.
- هغه کسان چې د جنازې د دود په سمون ګمارل شوي وي.

- هغه جزو تامونه او قطعې چې د عسکري مهماتو په لېردولو لګيا وي د دوى خخه یواحی بولندوي د درنښت دود اجرا کولای شي.

- د موټرو او يا نورو واسطو د چلولو په حال کې - که په ملکي دريشي کې د دندي په موخه په خانګري توګه خوک ګمارل شوي وي.

- د ډېري زياتي ناروغې په وخت کې اخښتنې:

- د جمع نظام تعليم نامه.
- د داخله خدمتونواصولنامه.

- د عسکري انضباط او دسپلين د سرغونکو د تادیب مقرره.

سرچیني:

د جمع نظام تعليماتنامه

د داخله خدمتونواصولنامه

د عسکري انضباط او دسپلين د سرغونکو د تادیب مضرره.

دغه خبر، نورو ځایونو کې کله چې عسکري منسوبین سرلوخې ننوځي نو د عمومي پلاوې په وړاندې به له څنليه پرته د درنښت دود اجرا کوي او کله چې هغوي بيرته له دغه ځایونو خخه وځي هم ورته په عين اصولو د درنښت دود تر سره کوي.

که چيري عسکري منسوبین د آمرانو (لاس باندو) په وړاندې په هغه ګن ميشتو ځایونو کې چې پورته ووبل شول تېریدل او یا کېښناستل نو خپلې خولی به په هغه څای کې ږدي چې ورته تاکل شوی دي، که تاکل شوی څای شتون ولناري نوخولي به داسي په کین لاس کې نيسې چه پیکونه يې بهر او د نه خوا يې د خانه لوری ته وي او په دې وخت کې به آمرانو يا لاس باندو ته د جمع نظام د تعليمنامي سره سم د درنښت دود ترسره کوي.

په هر څای کې لاس لاندې د لاس باندې لپاره د لاري په ورکولو کې آسانیاوې برابروي باید هڅه وکړي او تر وسه پوري یو مناسب څای د هغوي د تېریدو لپاره پرېردي په کم سورو لارو کې لکه زښې، کېږلچونو کې لاس لاندې کسان باید، یوې خواته ودرېږي او خپلې آمرانو او لاس باندو ته د درنښت دود په کړنې سره لاره پرېردي.

هغه عسکري منسوبین چې عسکري یونیفورم يې آغوستي وي، د مخامنځ کېدو په صورت کې به هغه آمرانو او لاس باندو ته چې عسکري کالي اغوستي نه وي د درنښت دود ترسره کوي.

هغه لاس لاندې چې په یوه لاس کې يې خه شى نبولي وي هغه به کین لاس ته لېردو او په بنې لاس به د درنښت دود کوي او که په دواړو لاسونو کې يې شيان شتون ولري نو د جمع نظام د تعليمنامي سره به سم د درنښت دود اجرا کوي.

د عسکري انضباط او دسپلين د سرغونو د تادیب د



حکومت داری خوب



دارد. این واژه زمانی مصدق عینی و واقعی پیدا می‌کند که ما یک اداره هدفمند و توسعه طلب که متعهد به ارتقاء سطح کیفی مردم باشد، داشته باشیم. این امر ارتباط میگیرد به اینکه اداره تا چه حد میتواند قدرت حکومت را غیر متمرکز ساخته و منابع را به مفیدیت تبدیل کند تا به چالش‌های جامعه به نحو احسن رسیدگی کرده بتواند. امری که قاعده‌تاً با سپردن امور اداره عامله به اهله میزان مشروعيت نظام را بالا برده میتواند فاصله را بین مردم و حکومت کم ساخته و به حکومت استحکام بیشتر بدهد.

حکومت داری خوب زمانی محقق است که در داخل نظام، اداره مبتنی بر اصولی که منافع عامله را تامین نماید، زندگی مرffe را به مردم هدیه داده و میزان مشارکت مردم را در امور عامله افزایش دهد، داشته باشیم. بنک جهانی در رهنمودش معیارهای ذیل را برای یک حکومت

داری خوب پیشنهاد می‌کند: - موجودیت آزادی

- حساب دهی سیاسی

- اطاعت قانون

- حسابدهی دیوان سalarی

- موجودیت معلومات موثق به شکل شفاف

- فعال و موثر بودن همکاری و هماهنگی بین حکومت و جامعه.

حکومت خوب در قرایین حکومت بد مفهوم پیدا می‌کند، کسانی اهمیت حکومت خوب را درک میکنند که حکومت داری بد را عملاً تجربه کرده باشند. حکومت داری که در آن نقض قانون، کم کاری،

اداره عامله عبارت از بخش عملیاتی و یا سیستم عامل حکومت است. از آدرس اداره عامله حکومت پالیسی های خویش را توزیع کرده و اهدافش را تحقق میبخشد. اداره عامله در تحقق اهداف حکومت نقش تعیین کننده دارد. در واقع موقیت حکومت در موقیت اداره عامله نهفته است. اداره عامله پا به پای حکومت مدرن رشد نموده و در فراهم نمودن زمینه توسعه در ابعاد مختلف نقش مؤثری را ایفا نموده است. اصطلاح اداره عامله در اواسط سال 1970 جایش را (متناسب با مقتضیات زمان) به واژه مدیریت و مدیریت عامله داد (هرچند مدیریت در ماهیت از اداره عامله متفاوت است).

در سال 1990 واژه حکومت داری جایگزین اداره عامله گردید. به نظر میرسد که واژه حکومت داری قرایت بهتری با پدیده دولت داشته ازین و میتواند بیشتر مورد توجه و اقبال عامله قرار گیرد.

فرهنگ لغت، حکومت داری را به عنوان سبک یا سیستم حکومت یا مدیریت تعریف نموده است . واژه حکومت داری عبارت از اصطلاح کیفی ، مفهوم حقیقی حکومت بوده ضمن اینکه متفاوت از واژه حکومت است. حکومت داری یک مفهوم کیفی بوده در حالیکه حکومت میتواند یک پدیده کمی باشد به این دلیل است که معمولاً تاکید میشود که در یک کشور باید حکومت کمتر و حکمت داری بیشتر باشد.

مفهوم و معنی :

حکومت داری خوب یک اصطلاح عینی بوده و تاکید بر اداره مؤثر و کارا در داخل نظام مردم سalar

جلب نموده است، حکومت داری خوب امروز عبارت از یک روند، اقدامات عملی، اصول و پرنسپی های مشخص برای نیل به این هدف است. این امر بخاطری از اهمیت برخوردار است که بدون آن توسعه پایدار تحقق یافته نیست.

مفهوم حکومت داری برای بار اول در اسناد بانک جهانی در سال 1989 درج گردید. حکومت داری خوب در آن زمان عبارت از مدیریت خوب توسعه بود، چهار بعدی که در این زمینه مشخص گردید عبارت بود از: (۱) مدیریت بخش عامه، (۲) حساب دهی، (۳) وجود چهارچوب قانونی برای توسعه، (۴) معلومات و شفافیت. اسناد بانک جهانی در مورد حکومت داری و توسعه چنین صراحة دارد، حکومت داری عبارت از اسلوبی است که در آن قدرت در امتداد مدیریت اقتصاد و منابع کشور برای توسعه استفاده شود. بر مبنای این تجارب در بسیاری از کشور های در حال توسعه این امر محقق گردید که حکومت داری خوب عبارت از پدیده ایست که حول

محور آن توسعه پایدار و قوی در ابعاد مختلف میتواند شکل بگیرد و عامل مرکزی در ساختن پالیسی های موفق است. سه معیار عمده که در حکومت داری خوب مشخص گردیده عبارت اند از:

- I. شکل نظام سیاسی (دیکتاتوری یا دموکراتیک، ریاستی یا پارلمانی، تک ساخت یا فدرال)
- II. روندی که در امتداد آن صلاحیت در امتداد مدیریت اقتصاد و منابع بشری و طبیعی تعمیل گردد.
- III. ظرفیت حکومت برای شکل دادن، نظم و تعمیل پالیسی ها و بطور کل انجام وظایف حکومت.

وظیفه گریزی، و غیره از جمله مهمترین شاخص های آن باشد، در بسیاری از کشور ها این امر ثابت شده است که در نظام دموکراتیک منافع عامه قربانی منافع خصوصی رهبران منتخب و نظام دیوان سالاری شده است. سؤ استفاده از قدرت، فریب و نیزگ با مردم توسط رهبران حکومت و اتحادیه های شان، شکل سیستماتیک را در این کشور ها به خود گرفته است. حکومت داری بد خصوصاً در کشور های در حال رشد به یک معضل جدی تبدیل شده است. ازین رو پدیده بنام حکومت داری خوب به عنوان علاج این معضل مورد توجه عام قرار گرفته است.

حکومت داری خوب دارای چهار ستون اساسی است:

- انسانیت (خدمت به مردم و شهروندان)
- اخلاق (امنیت داری، صداقت و درست کاری)
- مساوات (برخورد همسان با تمام افراد جامعه و شفقت به افراد مستضعف)
- موثریت (عرضه خدمات موثر و بموقع بدون ضیاع وقت و امکانات)
- مفهوم کلی حکومت داری خوب :



حکومت داری خوب بعد از دهه 1990 از اهمیت زیادی برخوردار شد، زمانی سازمان های امداد رسان غیبت آن را به عنوان یک مانع در مقابل توسعه کشور های در حال رشد دیدند. این امر باعث شد که ضرورت توجه به این پدیده و ایجاد اصول و معیار های منظم که بر مبنای آن بتوان حکومت داری خوب را از حکومت داری بد تفکیک نمود.

اما حکومت داری خوب یکی از آرزوهای بشر در طول حیات در روی کره زمین بوده است. ولی امروز وجود این پدیده به حدی جدی پنداشته میشود که بیشتر از هر امر دیگری این پدیده توجهات را به خود



حال به شکل خلاصه :
I. شکل نظام سیاسی:

حکومت باید ظرفیت پالیسی سازی و عملی ساختن آن را داشته باشد. روند پالیسی سازی یکی از مهم ترین وظایف حکومت بشمار میرود. حکومت باید در عملی ساختن برنامه هایش جدی باشد. اگر حکومت در عملی ساختن برنامه هایش از خود جدیت نشان ندهد مطمئناً بهترین قوانین و پالیسی ها هم نمیتوانند برای ایجاد حکومت داری خوب ممدوح شوند.

بعضی از عواملی که در ایجاد حکومت داری خوب خصوصاً در کشور های در حال رشد میتوانند نقش مؤثری را ایفا نمایند عبارت اند از :

(a) حسابدهی سیاسی، مقبولیت سیستم سیاسی توسط مردم و انتخابات منظم برای مشروعيت بخشیدن به تعییل قدرت سیاسی،

(b) آزادی ایجاد تشکیلات و مشارکت گروه های مختلف اجتماعی، سیاسی، فکری و فرهنگی، اقتصادی و غیره در روند حکومت داری.

(c) ایجاد چهارچوب قضایی که بر مبنای حکومت قانون و استقلالیت قوه قضائیه برای حفاظت از حقوق شهروندی، عدالت اجتماعی و حفاظت شهروندان از استعمار و سوء استفاده قدرت، شکل گرفته باشد.

(d) حسابدهی دیوان سالاری برای تامین یک سیستم کنترول کننده و ناظر به عمل کرد ادارات حکومتی و مامورین در ارتباط به کیفیت خدمات، سوء استفاده و عدم استفاده موثر از قدرت، بازبودن و شفافیت در اداره از جمله عوامل تعیین کننده است.

(e) آزادی معلومات مورد نیاز برای ساختن پالیسی عامه، اتخاذ تصمیم، نظارت و ارزیابی عملکرد حکومت،

(f) سیستم اداری سالم که امور اداره را به سمت کارایی و موثر رهبری کند. این امر به نوبه خود به معنی موثریت پول و هزینه ها نیز است.

(g) همکاری بین حکومت و نهاد های جامعه مدنی.

II. روند توزیع صلاحیت ها

یکی دیگر از عوامل ایجاد حکومت داری خوب عبارت از توزیع درست و عادلانه قدرت و صلاحیت ها است. اگر صلاحیت ها به شکل درست توزیع نگردد، مدیریت قدرت، منابع انسانی و طبیعی بشکل درست صورت نخواهد گرفت. برای توزیع بهتر صلاحیت ها اولاً باید صلاحیت ها متمرکز نبوده و بشکل درست توزیع گردد، ثانیاً صلاحیت باید مناسب به ظرفیت افراد به ایشان تفویض گردد، چون اگر در توزیع صلاحیت ها ظرفیت ها به شکل درست در نظر گرفته نشود، مدیریت قدرت به شکل درست انجام نیافته و منابع به هدر خواهند رفت.

د (4G) انترنېتى شبکى لىنە پېزندنە

سرىزه کلمە د (binary digit) خىخە اخىستىل شوي دى

او هغە كېنلارە دە چې يو الکترونىكى توكى (موبایيل ، تبلىيت، كمپیوتەر....) د هغى پەپەست مالومات زىرمە (ذخیرە) او يا ليبردۇي. ھەدارنگە د انترنېت خىخە د مالوماتو اخىستىل (دانلود) محاسبە د بایت (Byte) پە واحد تىرسە كېرىي. چە يو

بایت (Byte) مساواي

كېرىي د اتو ٨ بىتونو (bit) سره.

b د بىت (bit) مخفف تورى b

او د بایت (Byte) مخفف

تورى B دى. يانى د b

كۆچنى تورى د بىت (bit)

او د B غىتە تورى د بایت



Byte) خىخىنى دى.

ھەدارنگە د خىركو موبایلونو، تبلىيتونو، اوپ تاب كمپیوتەرنو كاروونكى چې د انترنېت خىخە كار اخلى د خىپلى دىستگاه د شبکى سىسەت پە تاڭلۇ او غورە كولۇ كې بە يى هەرو مەرو د 3G او يا 4G د تاڭلۇ وراندىزىزونو تە پام شوئى وي.

پە دې لىكىنە كې هەخە شوي تىر خو د دى وراندىز شويو شبکو (3G او يا 4G) د تاڭلۇ او خانگەر تىاواو

دا يو منل شوي اوخرگىند حقيقىت دى چې نوى تکنالوژىي ورخ تىر بلى پە دېرىھ چەتكى سەرە پە مەخ روانە دە. اوسىنى عصر دايرىكىو اوارتىباطا تو دعصر پە نوم نومول شوي دى، دەمدى تکنالوژىي پە چوپىر كې ۋەگرۇتە بى سارى آسانتىياوې برابرى شوي چې دەھفو پە مرستە وکولاي شى خېلى ورخنى دىنى پەرتە د كومى ستۇنزا، نىمكىرىتىا او خىنە خىخە پە دېرىھ چەتكى ، خىر ، آسانە او بشپەرە توگە تىر سەرە كېرىي. ھەمدى مۇخى تە د

رسىدلى لپارە ورخ پە ورخ انترنېت تە لاسرسى او د هغى د آسانتىياوو خىخە د گەتكى اخستىلو اپتىا ھە مەخ پە دېرىدلى دە.

ھەر نوبىت يانى نوى پەدىدە خىنى خانگەري اصطلاح گانى لرى چې پوهاوى او پە كارول يى د كار كۈونكۈ لپارە اپىن بىلل كېرىي.

پە روان چول د انترنېت د چەتكى ، گەنديتىوب (سرعت) ارزۇنە د بىت (bit) پە واحد تىر سەرە كېرىي او د بىت



خخه کار و اخیست ، پدی سیستم کې د اوریدلو او خوندیتوب کچه د (1G) د سیستم په پرتله بنه وه او دا یوه ملاتر شوی (تفویه شده) شبکه وه چې وروسته بیا د (2/5G) په نوم ونومول شووه د دی سیستم د گړنديتوب (سرعت) کچه (144kb/sec) وو.

۳- د دریم نسل شبکه (3G work - 3 G) : دا نسل د دوهمن سل د پرمخ بیولو په پایله کې جوړ او په دی سیستم کې د لیردولو ورتیا خو برابره دیر والي مومی که چيرته یی د دوهمن سل سره انډول کړونو ويلاي شو چې د (2G) په پرتله د (3G) چټکی دوه برابره ده ، دا په دی مانا چې د (384Kb/sec) سیستم کولای شي د (200Kb/sec) خخه تر / sec) چټک والي (سرعت) ولري او د غږیزو (صوتی) مکالماتو او لیکلوا پیغامونو سربیره د موسیقی او ویدیوګانو د لیدو او اوریدو ورتیا هم لري.

۴- د خلورم نسل شبکه (4G work - 4 G) : داهم د مالوماتو د لیرد رالیرد د شبکو خلورم او پرمخ تللی سیستم دی چه دیری په ګرځنده خیرکو موبایلونو، تبلیتونو او نورو پرمخ تللوا الکترونیکی توکو کې د کارولو ورتیا لري. د شبکی د دی نسل کارول په بیسیمی شبکو کې یو بدلون شمیرل کېږي، د مالوماتو د لیردولو د چټکی ورتیا یی د (54Mb/sec) خخه تر (100Mb/sec) پوری رسیری، په دی سیستم کې مالومات یو پر بل پسی نه بلکی یو دبل سره یو خای استول کېږي. دېلګۍ په توګه که چيرته په یوه لویه لاره د یوی لیکی یا کړښی پرڅای دوه، درې، یاخلور

په هکله دیر لنډ مالومات درنو او قدمنو لوستونکو ته وړاندې شي.

په دی مطلب کې د G د توری خخه موخه او هدف (Generation) یا د نسل خخه دئ چې په پنځو برخو یا کټه ګوريو ويشنل شوئ.

۱- د لومړي نسل شبکه (First Generation Net- (work - 1 G

۲- د دوهمن نسل شبکه (Second Generation Net- (work - 2 G

۳- د دریم نسل شبکه (Third Generation Net- (work - 3 G

۴- د خلورم نسل شبکه (Fourth Generation Net- (work - 4 G

۵- د پنځم نسل شبکه (Fifths Generation Net- (work - 5 G

۱- د لومړي نسل شبکه (First Generation Net- (work - 1 G : په (1980) لسيزی کې د مخباراتي شبکو لومړني سیستم وو چې یوازی د غږیزو(صوتی) مکالماتو او لیکلوا پیغامونو د لیردولو ورتیا یی درلودله خود خوندیتوب او ګړنديتوب کچه یی دیره تیته وه.

۲- د دوهمن نسل شبکه (Second Generation Net- (work - 2 G : په (1990) لسيزه کې لاندنی مخباراتي شرکتونو (GSM_CDMA/D-AMPS) دلومړي خل لپاره په خپلوا مخباراتي اړیکو کې د (2G) سیستم خخه کار (GPRS_CDMA_2000_1X) وروسته بیاد مخباراتي شرکتونو دلومړي خل لپاره د (5G) سیستم

(نامه‌ئی) بهه لکه د الکتریسته تکنولوژی، په هر خای کې شتون ولري، او هر خوک وکلاي شی پرته د کوم خنله او خنله خخه هغې ته لاسرسی ولري، دا تکنالوژی د الکترونيکی توکو د جوړونکو سره مرسته کوي تر خود انترنت خخه د ګټۍ اخیستلو یا استفاده لپاره دایمی توکي تولید کړي. د (5G) شبکې په هکله د ورکړل شویو مالوماتو له مخې تاکل شوی چې دغه سیستم به په (۲۰۲۰) کال کې وړاندی شي او تر (او یا لېر وروسته به د هغې د تولیزه کیدلو شاهدان و اوسو.

خرنگه چې په اوسيني عصر کې د ورځنۍ ژوند د بهه او اغیزمن پرمختګ لپاره د پرمخ تللى تکنالوژی پوهاوی او د هغې

د آسانیاوو خخه ګټه اخیستنه یوه اړتیا ده، نو په دی بنیست د (4G) شبکې په تکنالوژی پوهیدل او د هغې د کارولو لپاره پورتنۍ لیکنه قدرمنو لوستونکو د پوهاوی او مالوماتو د لوړتیا لپاره وړاندې شوه هیله مند یم چې اغیز منه به وي.

اخیستنې:

- مدارهای الکترونیک دوهم توک
- تجارت الکترونیکی او انترنت



ليکې شتون ولري د دې پرڅای چې موټر یو پر بل پسې په یوه ليکه یا کربنه حرکت وکړي په خلورو ليکو یو د بل سره یو خای حرکت کوي. د (4G) په سیستم کې هم د مالوماتو لېږدلو وړتیا هم د همدې بېلګې سره سمون لري.

د کار پوهانو په آند دا سیستم یو منل شوئ او ستندر سیستم دئ چې د نېړۍ پرمخ تللى هیوادونه ورڅخه په پراخه کچه ګټه اخلي.

5- د پنځم نسل شبکه (Fifth Generation Net-) work - 5G اوس مهالد انترنټي شبکو راتلونکی نسل ته ويل کېږي، او په پام کې ده چه د (4G) شبکې خخه وروسته وړاندی کړل شي. دې شبکې د نښلیدو چټکې (سرعت) د نه منلو وړ

ده او د (4G) په پرتله د لورو او اوچتو فريکانسونو خخه کار اخلي (په هره کچه چې فريکانس اوچت یا دير شي د موج او ردوالې یا طول په هماغه کچه لنډېږي) له همدې کبله په پراخه توګه نشي کولاي چې خبور شي، د همدې لامل په پام کې لرلو سره د (5G) شبکې د پلي کولو لپاره د لاسرسی سيمو (Access point) نقاط دسترسی) ته په نېړۍ واټن کې اړتیاده. د دې شبکې د جوړونکې پروفيسور اندی ساتن (Andy Sutton) له نظره د (5G) د شبکې موخه دا ده چې په نه لیدونکې

اهداف و ابجاد تربیت شهروندی

هموطنان خود احساس تعهد نماییم. شهروندی ملی موجب نوعی تمایز ملیتی بین یک ملت و ملیت های دیگر میشود.

-شهروندی جهانی: به آنانی اطلاق میشود که جهان و دنیای معاصر آگاهی کافی دارند، با نقش خود به عنوان یک شهروند اشنا بوده و ضمن احترام به ارزشها و تنوع، در تمامی امور، از سطح محلی گرفته تا سطح جهانی،

مشارکت فعال دارد. ضمناً شهروند منطقه بی، شهروندی متحرک، شهروند دموکراتیک، شهروند الکترونیک، شهروند دینی و شهروندی اقلیت ها نیز از موارد دیگر انواع شهروندی است.

اهداف تربیت شهروند: تربیت شهروندی در هر جامعه تاحد زیادی تابع فرهنگ، تاریخ،

حکومت و شیوه اداره آن کشور و بطورکلی فضای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه است . مقوله تربیت شهروندی با آموزش ارزشها به شدت گره خورده است. رموز و پیچیدگی های موجود در ارزش های حاکم بر هر جامعه ای تصویر متفاوت به شهروندان و صلاحیت های ضروری آنان را بازتاب میدهد.

در واقع آموزش نقش بسیار مهمی در ترویج جامعه سالم و آرام دارد یقیناً آموزش شهروندداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مشتی بصورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری

ابعاد تربیت شهروندی را میتوان در سه بعد شناختی یا دانشی، عاطفی یا ارزشی و رفتاری تقسیم کرد. در حوزه شناختی، تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن اطلاعاتی درباره ساختار حکومت، روابط حکومت و مردم و ساز و کارهای توزیع قدرت است. در واقع در حوزه شناختی دانش آموزان به آگاهی شهروندی دست می یابند.

در بعد عاطفی یا ارزشی فضیلت های شهروندی، مواردی همچون احترام و ارزش به شان و حرمت افراد، میهن پرستی، خود انصباطی، تساهل و همبستگی یا وحدت، احترام به حقوق دیگران و تمایل به نقادی می باشد. در حوزه رفتاری یا مشارکت، تربیت شهروندی مستلزم فراهم آوردن مهارت های لازم برای زیستن در جامعه شهروندی

است. توانایی انجام گفتگوی موثر با دیگران، شرکت در تصمیم گیری های گروهی و فعالیت های اجتماعی همچون رای دادن است. محورهای تربیت شهروندی مختصراً عبارتند از: (1، ارزش ها، 2، دانش و مهارت ها، 3، آگاهی و دانایی، 4، تعهد و مسؤولیت) میباشد.

انواع و گستره شهروندی را میتوان براساس معیار قلمرو در دامنه شهروندی به شکل های زیر تقسیم کرد:

- شهرond ملی: درون مایه اصل شهروند ملی، مفهوم ملت است، ملت بمتابه تاریخ، فرهنگ سیاسی و احساس سرنوشت مشترک، موجب میشود تا نسبت به





۱۳۹۷ سال مه سلطان

همه جانبه جامعه می شود برای زندگی شهروندان یک جامعه لازم است.

2 - برای اینکه آموزش های شهروندی با تمام ابعاد آن به عنوان یک واقعیت اجتناب ناپذیر در اذهان شهروندان از همان دوران کودکی تا بزرگسالی نهادینه گردد باید همواره از منابع "اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و ..." که پایه های قدرتمند ساختار فرهنگی را در بین شهروندان تقویت می کند مورد توجه برنامه ریزان و متخصصان اجرایی مدیریت سیاسی و شهری جامعه قرار گیرد.

3 - باید آموزش های متنوع شهروندی را برای تمام سطوح شهروندی متناسب با نیازهای "اجتماعی، روانی، اقتصادی، سیاسی، دینی و امنیتی" به صورت برنامه ریزی های "بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت" اجرا کرد.

4 - در بعد دانش حقوقی، سیاسی شهروندی: ضرورت باز آموزی تعالیم فرهنگی، اجتماعی، روانی و علوم انسانی از طریق برنامه ریزی های علمی و تخصصی در طی سال به صورت مستمر در قالب هم اندیشی ها، سیمینارها، ورکشاپهای آموزشی و عملی، انتشارات، برنامه های آگاه سازی ایجاد کرد.

5 - تلاش در جهت رهنماوهای تحقیقاتی در سطوح محلی، منطقه‌یی و حتی وسیع تر در سطح ملی برای شناخت سازوکارهای پارامتری آموزش شهروندی در قالب "تریتی، تعلیمی، اجتماعی، فرهنگی و روانی" تلاش برای ارائه رهنماوهای عملی و آموزش های نهادینه شده شهروندی امر ضروري برای جامعه است.

6 - باید در آموزش های شهروندی برای هر سطحی از شهروندان به نیاز سنجی هویتی شهروندان توجه شود.
7 - در آموزش های شهروندی باید ابعاد مختلف تربیت شهروندی به موازات هم در جهت تکامل بخشیدن به زندگی اجتماعی شهروندان تاکید شود.

8 - باید در برنامه ریزی های درسی وغیردرسی که از سوی مراجع آموزشی و مکاتب آموزشی در حوزه شهروندی شکل میگیرد به مولفه های درونی و بیرونی فرهنگ و اخلاق شهروندی توجه گردد، تا از این طریق پایه های فرهنگ شهروندی را تقویت کرد.

از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بهره مند باشد. در واقع آموزش شهروندی و تربیت شهروندان در یک جامعه باعث این شده که سه عنصر اصلی شهروندی "حس عضویت ملی" و "حس تعلق ووابستگی اجتماعی" در وضعیت ارتباطات بین "چون "نظام حقوقی فرهنگی هر جامعه ای اثرگذار باشد، بر این اساس نقش ارتباطات آموزش و قانون که معطوف به تفاهم و تعامل بایکدیگر است از موثرترین پیوندهای اجتماعی برای کاهش مسائل و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی در شهر، جامعه و حتی جهان می تواند باشد.

بنای مهمنترین اهداف تربیت شهروندی عبارتند از:

- افزایش مسؤولیت پذیری شخصی.

- فراهم آوردن زمینه برای رشد روحی و روانی.

- ارتقای صلح .

- افزایش احترام وتساوی فرصت برای دختران وزنان.

- مبارزه با بدرفتاری بامحیط زیست.

- افزایش و تقویت غرور وافتخار درسطح جامعه محلی.

- ایجاد هویت ملی.

- حل تضادهای ناشی ازحقوق، وظایف وارزش های مختلف .

- تقویت روحیه مشارکت در عرصه های فرهنگی، سیاسی واجتماعی جامعه .

- بالا بردن قدرت تحمل وبردبازی.

پیشنهاد درمورد تربیت شهروندی درافغانستان:

تربیت شهروندی از وظایف اصلی دولت است، باید شهروندان را به آموزش مهارت‌های زندگی شهروندان در یک جامعه دموکراسی تشویق و ترغیب نماید، زیرا آموزش تربیت شهروندی نقش مهمی در ترویج جامعه سالم و آرام دارد و این آموزش باعث میشود تا اعضا جامعه از حس شهروندی مثبت ملی برخوردار شوند بنابردو لمداران لازم است:

1 - با توجه به اینکه تمدن جدید قرن بیست و بیست و یکم توانسته تمام ساختار زندگی انسان را از نظر رفاه مادی تحت تاثیر قرار دهد اما ضرورت ایجاد یک دیدگاه اخلاقی و فرهنگی همه جانبه در آموزش های رسمی و غیر رسمی شهروندان در تمام سطوح که منجر به توسعه



- ادب و مهربانی بعد دیگری از رفتارهای شهروند مدارانه نسبت به یکدیگر است، این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد، در واقع نفس و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیار مؤثر است.

- وظیفه شناسی: بخش دیگری از رفتارهای شهروند مداری است که باید در قالب برنامه های درسی و غیر درسی به دانش آموزان و دانشجویان و سایر افراد جامعه آموزش داد که این بعد دینی تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری، همکاری و توسعه همه جانبه خود در وجود افراد پدید آورند.

- حفاظت محیط زیست:
آموزش در مورد حفظ
محیط زیست، بحران آب،
حفظ جنگلات و امثالهم از
موارد ضروری برای تربیت
شهروندی است.

با توجه به اینکه آموزش شهروندی پدیده ای پویاست، پس لازم است در جهت شهروندی فعال در تمام زمینه های اخلاق شهروندی تمام دستگاه های اجرایی بر پایه آرمان های ایدئولوژی اسلامی، ملی و جهانی فعالیت و سرمایه گذاری کنند. آموزش های شهروندی باید در راستای خلاقیت ها، ابتکارها و خودشکوفایی شهروندان و رفع نیازهای پایدار و همه جانبه شهروندی صورت گیرد.



منابع:

- مهر محمدی، محمود. (1391). بررسی سازواری مدعای نظریه های رقیب برنامه درسی برای تربیت شهروند دموکراتیک.
- نریمانی، محمد. (1389) بررسی میزان رعایت مبانی، اصول و مولفه های تربیت شهروندی.

9 - با توجه به اینکه جامعه افغانستان از تنوع فرهنگی، قومی، زیانی و حتی مذهبی در زندگی اجتماعی و فرهنگی برخوردار است، باید آموزش های شهروندی فرهنگی و اجتماعی را طوری در نظر گرفت که متناسب با مطالبات ارزشی، بومی، هویتی و محلی شهروندی باشد.

10 - با توجه به تحولات تکنولوژیکی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی که جامعه رو برو است باید آموزش های شهروندی را پدیده ای پویا و دگرگون مناسب با شرایط جهانی دانست و دائمًا به باز تولید فرهنگی و اجتماعی این مولفه توجه و اهتمام خاص داشت.

11 - باید در برنامه ریزی های آموزش شهروندی ابعاد حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی شهروندان برای رسیدن به یک تعریف جامع و کامل از شهروندی مدنظر قرار گیرد.

12 - در آموزش شهروندی از سوی نهادهای آموزشی رسمی و غیر رسمی سر فصل های فرهنگ شهروندی چون مساوات طلبی، آزادی، وحدت ملی، وطن دوستی، فرد گرایی، مردم سالاری، مسئولیت پذیری مدنی، همکاری اجتماعی، مشارکت همه جانبه، اشتراک در انتخابات و استفاده از حق رای و ... مورد حمایت و تعلیم از سوی دولتمردان قرار گیرد.

- ضمناً دولت مداران باید :

- نوع دوستی که شامل رفتارهای یاری دهنده و کاملاً

داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان می باشد.

- جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می کنند که خرده جویی ها و خردگیری ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند.

- خوش رویی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است، که باید به صورت مشارکت فعالانه و مسئولانه بین شهروندان توسعه یابد.

التهاب سينوس ها (sinusitis)



- 2:- التهاب سينوس جبهى (frontal sinusitis)
- 3:- التهاب سينوس وتدى (sphe- (sinusitis noid sinusitis
- 4:- التهاب سينوس غربالى (eth- (moidal sinusitis
- 5:- التهاب نصف سينوس ها

- 5-التهاب نصف سينوس ها
((hemi sinusitis))
- 6-التهاب همه سينوس ها
((pan sinusitis))

الف:-اسباب تحریک کننده :

- 1:- انتانات انفی(بینی):- از اینکه غشای مخاطی سینوس ها در امتداد غشای مخاطی انف قرار دارد بنآ انتان به

شکل مستقیم به امتداد غشای مخاطی بینی وبا از طریق تحت مخاطی لمفاتیک به غشای مخاطی سینوس انتشار مینماید.
2- آب بازی کردن در آبهای کثیف:- آب بازی کردن در آبهای کثیف سبب داخل شدن آب از طریق فوچه سینوس ها میگردد.
در حوض های آب بازی به یمانه



2:- سینوزیت تحت الحاد sub acute sinusitis ماه ایک سے

3- سینوزیت مزمن chronic sinusitis از سه ماه بیشتر مدت زمان را

از لحاظ ناحیوی (توپوگرافیک) به انواع ذیل تقسیم بندی شده است.

سینوزیت یا sinusitis عبارت از التهاب غشای مخاطی جدارهای سینوس ها را گویند . و سینوس های که بیشتر مصاب میگردد maxillary sinu- سینوس مکزیلار ses و با الترتیب سینوس های frontal ethmoid فراتل ایتمویید وسفینویید sphenoid مصاب میگردد . و در اطفال سینوس های ایتمویید بیشتر مصاب میگردد .

بعض آبر علاوه یک سینوس به چندین سینوس مصاب multisinus- میگردد که بنام tis یاد میگردد و در صورتی که تمام سینوس هامصاب pan sinus- مرض گردد بنام tis باد میگردد.

اگر فوچه ostium سینوس منتن باز باشد در این حالت جریان افزایات سینوس صورت گرفته و باعث اعراض شدید نمیگردد. و در صورتی که فوچه سینوس بسته باشد افزایات اضافی سینوس تخلیه نگردیده و سبب اعراض شدید سینوس میگردد. که نوع اول آن



میگردد.

4: افزایات بینی:

5: افزایات خلف بلعوم یا-

: sal discharge

trans illumination: تشخیص

sinu-, test اجرای رادیو گرافی

CT scan, gram, sinuscopy

در تشخیص مرض رول مهم دارد.

تداوی:

در تداوی مرض انتی بیوتیک anti

microbial drugs مانند امپیسلین

و اموگزیسلین موثریت خوب دارد

کوتريموكسازول دوکسی سیکلین

وایرترومایسین به عین سویه موثر

است. ادویه های کلاس سفالو

سپورین و ماکرولید های نیز موثر میبا

شد.

REFERENCES

Salim Iqbal butta. Text book of E.N.T diseases

Mohammad Maqbool .Su--:2
hail maqbool Textbook of Ear.

Nose and Throat diseases

Scott-Brown's Otolaryngology--:3
gy.fifth ed 1997

Eric reshwin M,MD and--:4
Gary A

Incaudo, M D

Diseases of the Sinuses

Humana press. Totowa, New
York,1996

شود.

الف: انسداد obstruction

ب: cystic fibrosis ج: بزرگ شدن

ادینویید: اتریزی شوان.

3:- حملات قبلی سینوزیت: در

این حالت از اثر تخریب سیستم

دافاعی موضعی سینوس های انتان

وارد سینوس ها میگردد.

اسباب عمومی: در اقلیم سرد و

مرطوب سینوزیت بسیار عمومیت

دارد. گرد و غبار، کشیدن سگرت،

و ازدحام میتواند زمینه را برای

سینوزیت فراهم سازد.

4:- خراب بودن صحت عمومی:

امراض مانند سرخکان، آب چیچک

سیاه سرفه، فقدان غذایی و دیابت

سبب سینوزیت شده میتواند

انتانات که سبب سینوزیت میگردد

قرار ذیل میباشند.

Streptococcus pneumoniae, H.

influenza, morexella catarrhalis

, streptococcus pyogenes

, staphylococcus، و انتانات ایروب.

اعراض:

1: تب و احساس ضعیفی عضویت.

2: سردی: سردی معمولآ در

قسمت fore head (پیشانی)

محدود بوده بعضاً با سینوزیت

فرانتل مغالطه میگردد ولی نظر

به مصابیت سینوس ها موقعیت

سردی فرق مینماید.

3: حساسیت با فشار وارد کردن

بالای جدار سینوس ها درد بیشتر

زیاد موجودیت گازکلورین سبب

التهاب کیمیاوی chemical infla-

mation گردیده میتواند.

3: ضربه (trauma) های

مرکب سینوس ها و یا هم جروحات

نافذه باعث انتقال انتان میگردد.

به همین ترتیب انتان میتواند به

تعقیب وارد Baro trauma سینوس

ها میگردد.

4:- انتان دندان dental infecti-

(on): در التهاب سینوس های فکی

رول مهم دارد. انتان دندانهای molar

و premolar که به تعقیب کشیدن

این دندانها به سینوسهای فکی

انتشار مینماید و سبب سینوزیت

حداد میگردد.

ب: فکتور های مساعد

(predisposing) کننده

موضعی:

1: بندش در تهویه و تخلیه سینوس

ها.

فکتورهای ذیل باعث بندش فوخر

سینوس ها میگردد.

1: تمپان نمودن بینی 2: انحراف

حجاب انف 2: هایپر تروفی یا

ضیخمه قرینات 4: الرژی یا vaso-

motor rhinitis که سبب اذیما

فوخر سینوس میگردد 5: پولیپ

انف 6: تومور های سلیم و خبیث

انف.

2:- رکودت افزایات در جوف انف :-

افزایات نورمال انف در حالات ذیل

به طرف بلعوم تخلیه نگردد و متن



د شیانو په ساتنه کې د پولیسو دندو

۴- د قانون د حکمنو د تعاملولو
په منظور.

(۲) پولیس د دی مادی په (۱) فقره
کې د درج شوو شیانو د ساتنه په
هکله د لاندې مراتبوا په پام کې
نیولو باندې مکلف دي:

۱- مالک یا متصرف ته د شیانو د
ساتلو د علت ابلاغول، خو دا چې
د خینې (تحقيق) بهير د هغه له
امله زیانمن شي. په دې صورت
کې د ساتل شوو شیانو مصدق
نقل د هغو مالک یا متصرف ته
سپارل کیري.

۲- د تلف کېدو له خطر خخه د
ساتل شوو شیانو ساتنه.

(۳) که چیرې ساتل شوي شیان
سریع الفساد وي او ساتل یې د
شي د فساد (خرابیدو) یا له منځه
تلو سبب شي، په دې هکله د
منظور.

شي د شیانو په ساتنه لاس پوري
کړي.

د پولیسو قانون نولسمه ماده داسې
حکم کوي:
(۱) - پولیس د لاندې مقصدونو
لپاره د شیانو په ساتنه لاس پوري
کوي:

۱- د نېردي پیښیدونکي خطر د
دفع په منظور چې عامه نظم او
امن وګوابنوي.

۲- د عامه نظم او امن د گډودونکو
اعمالو د مخنيوي په منظور، په
دې شرط چې د دغه شان اعمالو
مخنيوي په بله لار ممکن نه وي.

۳- د هغه شخص شیان چې د دې
قانون د پنځلسې مادې د حکم
مطابق تر خارنې لاندې نیول
شوي وي، د حقیقت د کشفولو په
منظور.

سریزه:
0 خرنګه چې پوهېرو خینې
وختونه د جرمي واقعاتو د صحني
څخه او یاهم د جرمي واقعاتو په
اړه خینې آلات، افزار او شیان د
پولیسو لاس ته رائحي چې بنایې
د جرمي آثار او مدرک په حيث
د اهمیت وړ وي، نو د جرمي
موضوع د تحقیقاتو تر بشپړې دو او
یاد محکمې د وروستی پریکړۍ
تر صادرې دو پوري باید د مؤظفو
پولیسو له خوا په مسلکي توګه
وساتل شي ترڅو چې د هغوي
په کیفیت او کمیت کې بدلون
رانشی، یا خراب نشي او یا له
منځه لار نشي. نو لازم مې وګړل
چې په دې هکله بحث وکړم.
د پولیسو قانون د (۱۹) مادې د
حکم پر بنسټ، پولیس کولای



شارژور او مرمي په غور وايستل شي او د هغې د خانګړتیا په پام کې نیولو سره سجل شي. هرکله که د ګوتې نښه، وينه او نوري جرمي نښې پکې ولیدل شي نو په مسلکي او تخنيکي ډول باید وساتل شي.

۸- د شکمنو او چاودیدونکو توکو د ساتنې په هکله د پوهه کسانو اند واخیستل شي او د هغود لارښونو سره سم د هغوي د ساتنې په هکله ګام پورته شي. د بوتلونو، تيزابي، زهرجنو او دي ته ورته لوښو په مخ، په روښانه ډول د «پاملرنه! گواښونکي دي. » جملې ولیکل شي.

۹- خاروی او هغه خیزونه چې د پوليسو له خوا د ساتنې لاندي راخېي باید د هغوي د ساتنې د آسانټاواو د نه شتون لکه د خاي، لګښتونو او خبتن يا دولت ته د زیان په وخت کې د ئایي آمر (د محل آمر) د خبرتیا او هوکړي سره سم د خارنوالي له لاري محکمې ته وړاندېز وشي. د یو ګډ پلاوې په شتونکي ليام او

شي.

۳- د ساتونکي پوليس نوم، رتبه، دنده او لاسليک.
۴- ساعت، نитеه او د شيانو د ساتلو خای.

۵- د ساتل شويو شيانو ليست د دقیقو روښانیاوو سره په مفصل ډول د پوليسو په اړوندې دفتر کې درج یا ثبت شي او د ساتل شويو شيانو یو نقل، تصدیق شوي



ليست خبتن يا متصرف ته ورکړل شي. د نوموري ليست نقل د دوسېي سره ضميمه او یادونه دي تري وشي.
۶- د شيانو د محتوياتو تشریح د یوه کاغذ پرمخ ولیکل شي او په ساتل شويو شيانو باندي ونبسلوں شي.

۷- د ساتل شوي وسلې خخه

اړوند قانون د حکمونو مطابق اجرآت کېږي.

د جزاېي اجرآتو قانون د (۱۳۲) مادي د ضبط شو شيانو په هکله دasic حکم کوي:

«خارنوال ضبط شوي پانې او شيان د مظنون یا تورن هغه شخص په حضور کې چې ورڅخه تراسه شوي، ګوري (ملاحظه کوي) او په هغه صورت کې چې د نومورو شيانو وړاندې کول د محاكمي بهير ته اړين او اغيزمن او یا د مصادري وړ وي، په ساتنې او یا یې له دوسېي سره په انضمام او پرته له دي مالک يا مرسل نه د هغو په اعادې امر صادروي.»

پوليس د شيانو په ساتنه کې باید دغه لاندې تکي په پام کې ونيسي:

۱- د شيانو د ساتنې لامل باید خبتن يا تصرف کوونکي ته روښانه کري، پرته له هغه حالاتو چې د خېړنې بهير تري اغيزمن شي.

۲- د شيانو د خبتن پېژندنه، د ګوتې نښه او یا لاسليک واخیستل



بانک ته د امانت په دول وسپارل شي.

د د تshireح د لیست یو نقل د
بانک رسید سره د دوسیې ضم شی او د تصدیق شوې لیست یو نقل
تورن کس ته ورکړل شي.

۱۴ - تر خپلې وسې پورې باید پولیس ساتل شوې توکې د له منځه تلو له ګواښ او زیانمن کیدو خخه خوندي وساتي او په هغه وخت کې چې نوموري توکې ژر خوسا کېدونکې وي او یا د ساتلو په وخت کې خوسا شي، د پولیسو د سیمې د آمر په اجازه د خارنوالی له لاري محکمې ته وپاندېز وشي او د محکمې په اجازه لیلام او پلورل شي او پیسې یې د محکمې تر وروستي پریکړې پورې په بانک کې امانت وساتل شي.

سرچیني:

- د پولیسو قانون (۱۳۸۸).
- د جزاې اجراتو قانون (۱۳۹۳).
- د پولیسو د تکتیک کتاب (د پوهنواں ناصری لیکنه).

د دوسیې ضم شی.

۱۲ - تریاک، چرس، بنګ، معجون او الکولی خبناک د تاکل شوې پلاوې (هیأت) له خوا باید داسې روښانه او په نښه شی چې په شمير، دول او جنسیت کې یې کوم بدلون راشی. نوموري توکې د محکمې د پریکړې خخه وروسته د خارنوالی د استازی په شتون کې د یو ګمارل شوې پلاوې په مرسته له منځه یوږل شي.

۱۳ - هرکله چې پولیس کورنۍ او بهرنۍ پیسې، ارزښتناکه زر او ارزښتناکه ډبرې ساتي، لاندې تکې باید په پام کې ونیسي:
الف- د پیسو اندازه، د اسعارو ډول، د زرو او د ارزښتناکو ډبرو اندازه او ډول تثبیت او روښانه شي.

ب- په ترتیب شوې لیست او روښانه شوې (تshireح) پاڼه کې ګمارل شوې پلاوې او د خارنوالی استازی لاسلیک وکړي. د تورن کس او د هغه د قانوني وکړل لاسلیک او د ګوتې نښه واخیستل شي.

ج- نوموري پیسې او زر د ګمارل شوې پلاوې په مرسته یو دولتي

ترلاسه شوې پیسې دې په بانک د امانت په توګه وساتل شي، تر خرڅلوا پورې د خارویو د ساتني لګښت د محکمې او خایسي آمر د هوکړي سره سمه د لیلام د پیسو خخه باید محاسبه او وګرڅول شي.
۱۰ - د نشه یې توکو لکه تریاک، چرس، مورفین، هیروئین، الکولی خبناک، ... د ساتلو په وخت کې پولیس باید لاندې تکې په پام کې ونیسي:

الف - د نشه یې توکو ډول، د هغې اندازه، د ترلو ډول، نوري خانګړتیاوې او وزن یې تثبیت شي.
ب - د نشه یې توکو د لیرد توکې او خیزونه باید روښانه شي.
ج - د نشه یې توکو د لیرد وسیله سجل او روښانه شي.

د - د نشه یې توکو د سامان او وزن د ثبیت نه وروسته د لیرد اپونده وسیله د ګمارل شوې پلاوې په وسیله د خارنوالی د استازی په شتون کې سیمه ایز ګمرک ته وسپارل شي او اصولي رسید ترې واخیستل شي.

۱۱ - د نوموري شیانو د تshireح یوه پاڼه د ګمرک د رسید سره د موضوع



پوھنیار سمعونیار ذرمهینه "مهمند"

نقش نهاد های تحصیلی در تقویة صلح

وفراملی دارد. صلح درونی پیش شرط صلح بیرونی است. شاخصه های صلح هم دیگر پذیری، روابط های درست و مثبت بین کنله های مختلف، مساوات و عدالت همه جانب، احترام به قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر بوده می تواند.

نکته قابل توجه این است که در اغلب مطالعات مربوط به صلح نقش دولتها، احزاب سیاسی، نهاد های مدنی و سازمانهای منطقه یی وجهانی مورد بررسی قرار گرفته است، اما به نقش پوھنونها و

مراکز اکادمیک دران کمتر توجه شده است. دیپارتمنت مطالعات صلح تلاش نمود با بررسی این موضوع، فهم عالمانه تر و روشنتر از قابلیتهای موجود پوھنونها را در تحقق صلح ایجاد نماید و پیشنهاد های عملی و مناسب در این مورد ارائه دهد. هدف اصلی این تحقیق دستیابی به شناخت علمی نقش پوھنونها در اعمار

نقش پوھنونها در اعمار صلح از جمله تحقیقاتی بود که توسط دیپارتمنت مطالعات صلح و منازعه در زیمه دوم سال ۱۳۹۱ در ولایت کابل انجام پذیرفت. از انجاییکه جنگ و منازعه در طول تاریخ و در تمام جوامع بشری وجود داشته است و از طرفی تمام ابعاد زندگی انسانها

را قویا تحت تاثیر قرار داده است، بررسی علل و عوامل و پیامدهای آن از اولویتهای مهم تحقیقاتی به حساب می اید. گستردگی این پدیده به حدی است که فیلسوفی مانند هایزمی گوید: انسان گرگ انسان

است. افغانستان نیز در عصر استعمار کهنه و نواماج جنگهای گسترده بوده است. هیچ گروه انسانی و هیچ منطقه یی در قلمرو افغانستان دور از تاثیرات مخرب جنگهای بوده اند. عوامل این جنگها را می توان در سطح ملی، منطقه یی وجهانی مورد ارزیابی قرار داد. صلح و جنگ جنبه های محلی، سمتی، ملی، حوزه یی





مربوط به صلح و شاخصهای آن و نقش پوهنتونها در اعمار صلح می باشد. در تعریف هایی مربوط به صلح و شاخصهای آن مهمترین نکات از این قرارند، که صلح را نمی توان به معنای هماهنگی و توافق کامل میان نیروهای مختلف اجتماعی در نظر گرفت. هماهنگی کامل نه ممکن است و نه مطلوب. تعریفهای مربوط به توازن نظم وقدرت نیز بیشتر در جوامع سیاسی کاربرد دارند و در جامعه افغانی جوابگو نمیباشد. در جوامعی که دارای خشونت های ساختاری می باشند، تعریف مبتنی بر عدالت مناسبتر است. این تعریف در شرایط جامعه افغانی تعریف خوبی است، اما تعریف کاملتر از آن مربوط به مدیریت منازعه می باشد. صلح شرایطی است که در آن جامعه از طریق غیر خشونت آمیز بتواند منازعاتش را مدیریت نماید. صلح از جمله مفاهیم انتزاعی است که رسیدن به توافق در تعریف آن بسیار دشوار می باشد. اما برای ارائه یک تعریف کاربردی تر باید چهار نکته مهم را در نظر داشته باشیم: یکی پیچیده گی سطوح تحلیل صلح است؛ یعنی در سطح ملی، منطقی و جهانی . این سه سطح هم در رابطه پیچیده با هم به سر می برند و هم در درون هر سطح با وضعیت های پیچیده مواجه می باشیم . نکته دوم اینکه ما در جوامع مختلف بستر های تاریخی متفاوت داریم . از این رو باید شرایط تاریخی جامعه افغانی را دقیقاً مورد بررسی عالمانه و نقادانه قرار دهیم . سوم ، اینکه صلح یک مفهوم بین رشته یی می باشد و بعد پیچیده و متنوع آن را باید مورد توجه قرار دهیم . چهارم، اینکه براساس یک نوع نگاه انسان شناختی فلسفی وقتی توازن لازم میان نیروها و ابعاد وجود انسان برقرار نباشد،

صلح وارائه راهکارهای مناسب و عملی در این زمینه بود. پرسشهای اساسی تحقیق شامل موارد زیر بودند:

- پوهنتونها چگونه می توانند در اعمار صلح موثر باشند؟
- کدام زمینه های مثبت و منفی در پوهنتونها نقش انها را در اعمار صلح تحت تاثیر قرار می دهد؟
- چه راهکارهای عملی را می توان برای بالا بردن نقش پوهنتونها در اعمار صلح پیشنهاد نمود؟

با این ترتیب با تأکید بر نقش پوهنتونها در اعمار صلح چارچوب نظری این تحقیق بر نکاتی که در پی می ایند متوجه گردیده است:

پوهنتونها می توانند در رابطه با مسایل جنگ و صلح از تعهدات علمی و عقلانی به مردم گردند. پوهنتونها باید صلح را به یک شیوه زندگی در میان مخاطبان خود تبدیل نمایند. مراکز تحصیلات عالی دارای این قابلیت می باشند که با استفاده از روش های تدریس، طرح موضوعات مربوط به صلح، اجرای برنامه های آموزشی، برگزاری سمینارها و کنفرانسها، نقد عملکرد پوهنتونها در گذشته و حال انجام تحقیقات علمی، ایجاد رابطه با سایر نهادهای موثر در جامعه مانند خانواده رسانه ها، نهادهای مدنی، دولت و مجامع بین المللی پوهنتونها را به میدانهای مناسب برای تحقق منشهای صلح جو و سرمایه های انسانی مناسب تبدیل نمایند. پوهنتونها می توانند بستر مناسب برای تقویت عقلانیت ارتباطی و مفاهیمه ای و نهادینه سازی ارزش های تساهل و تسامح در جامعه باشند. پوهنتونها می توانند با تحقیق و تتبع مسایل حاد جامعه را به بررسی گیرند و برای رسیدگی موثر به آنها سیاست گذاری ها را متاثر سازند.

آنچه از تحلیلهای کیفی قبل اشاره است، تعریفهای



درجامعه افغانی صلح را می توان به معنای از بین بردن نفرت و به وجود آمدن سازش دانست. این نوع صلح چند ویره‌گی یا شاخصه دارد:

- باید شرافتمدانه باشد.
- ریشه دار باشد.

همه جانبه باشد و این ویره‌گی ها نیز محصول احترام به کرامت انسانی است.

درمورد نقش پوهنتونها در اعمار صلح تاکید نخبگان در بحث گروهی شامل موارد زیر بوده است: دریکی از تحلیلها چهارروش دایفای نقش پوهنتونها در اعمار صلح پیشنهاد شده است:

- تغییر مرزبندیهای قومی، نژادی، زبانی و مذهبی با ایجاد فعالیتها و روابطهای جدیدی که زمینه هویتی وسیعتر را تحقق بخشد.
- توجه به فرضیه تماس با وضع قوانین، مقررات و هنگارهای که محصلان اقوام و مناطق مختلف را در تماس نزدیک باهم قرار دهد.

- آموزش تنفر نداشت: زدودن احساس تنفر و عدم انتقال تنفر از استادان به محصلان و خارج از فضاهای پوهنتونها - آموزش مهارت‌های زندگی: محصلان باید یادگیرند که وقتی هویت خود را تعریف می کنند به نژاد و زبان و مذهب به عنوان یک ویره‌گی و نه یک برتری نگاه کنند. آنها باید به این ویرگیها دراشکال متفاوت آن در دیگران احترام بگذارند.

نکته دیگر این است که منازعات در افغانستان تنها مشکل قومی نیست. یک خصوصیت مشترک در میان تمام افغانها وجود محرومیت است: محرومیت فکری،

با مولفه های بنیادین وجود انسان در ابعاد عینی و باطنی آن در هماهنگی بسر نبرند، درجهان اصغر (وجود انسان) از خود بیگانگی و درنتیجه منازعه رخ می دهد و این منازعه درجهان بیرون در روابط با دیگران نیز به منازعه منجر می شود. با این ترتیب، صلح وضعیت و فرایندی است که در آن قوای وجودی انسان در یک نظام متعادل سیرکمال خویش را می پیماید و عوامل ایجاد آشتگی ها، بی نظمی ها و خشونت ها با نیروی خودآگاهی ویره انسانی مهار و کنترول می شود.

در شرایط جامعه افغانی توجه جدی به رعایت قانون اساسی، اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر کنوانسیونهای حقوقی بسیار مهم است. در شرایط جامعه افغانی چند شاخص مهم برقراری صلح عبارتند از: حکمرانی شایسته، برابری، تفاهم، رفاه، رفع ونبود خشونت و نهایتاً دموکراسی و رعایت حق حاکمیت مردم. از جمله نکات مهمی که در تحلیلهای کیفی مربوط به صلح به آن اشاره شد، در نظر داشت صلح به معنی حداقلی وحداکثری است. در معنای حداقلی صلح به معنای برخورداری از یک زندگی آرام است، یعنی زندگی بدون خشونت عربان و برهنه. اما در تعریف حداقلی باید شاخصهای متفاوت آن را در حوزه های متفاوت زندگی، مثل در روستا و شهر، در جامعه سنتی و در جامعه مدرن و در عین حال در سطوح مختلف خورده، متوسط و کلان و در رابطه میان عاملیت و ساختار در نظر داشته باشیم. در افغانستان سطح ساختاری تعیین کننده تر است. این نکته نیز باید مورد توجه نخبگان افغان قرار بگیرد که با توجه به وجود مخاصمه و گسترهای اجتماعی متنوع



طور کلی توجه بیشتر به دیدگاه‌های محرومیت در جامعه می‌توانند نقش موثر در اعمار صلح داشته باشند. ایجاد دیپارتمان‌ت صلح که به شکل تخصصی در زمینه آموزش ارزش‌های صلح و راه‌های تحقق آن در تمام رشته‌ها و پوهنهای فعالیت داشته باشد ضروری به نظر می‌رسد.

درنگاه دیگر می‌توان گفت، بین پوهنتون، اندیشه و تمدن رابطه تنگاتنگ وجود دارد. فلسفه ایجاد پوهنتونها شکل گیری یک فضای ازاد برای گفتگوی اندیشه‌ها و تعامل و تلاقی آراء و فکار مختلف می‌باشد که ممکن است به داشش مشترک وجهانی منجر گردد. منظور از تلاش برای رسیدن به دانش مشترک یا دارای مقبولیت عام این است که انحصارگرایی‌ها و محدودنگری‌های غیر عالمانه را باید به کنار بگذاریم و اهمیت گستره همگانی را بیشتر مورد توجه قرار دهیم. از این جهت پوهنتونها محل ترویج ازاد آندیشه و احترام به کثرت گرایی به حساب می‌آیند. پوهنتونها لزوماً باید پرورش دهنده اندیشه‌های روشنفکرانه، انتقادگرا و عقلانیت ارتباطی باشند. در این صورت است که تحقق دموکراسی مشورتی و غلبه بر تحریم ارتباطی عملی خواهد شد.

چند پیشنهاد عملی درمورد نقش پوهنتونها:

- تجدید نظر در نصاب تحصیلی و اضافه نمودن مضامین مرتبط به صلح.
- بازخوانی انتقادی تاریخ پوهنتونهای افغانستان به منظور بالابردن کارآیی آنان در حل مسایل جامعه.
- گسترش فضای گفتگویی، فعالیتهای تیمی و محوریت دو طرفه استاد-محصل.

فرهنگی و محرومیت اقتصادی. مهمترین نقش پوهنتونها از میان برداشتن این محرومیت‌ها است و با وجود این محرومیتها امکان رفع انواع دیگر منازعات وجود ندارند. نقشهای اساسی پوهنتونها در اعمار صلح عبارتنداز:

- درعرصه آموزش: ایجاد تفکر و باور جدید و کمک به تقویت ارزش‌های صلح، معرفی الگوهای جدید بر مبنای ترویج نظم و قانونگرایی، رفتار برایرانه و نه براساس انواع مرزبندیها، رفتار براساس شایستگی، لیاقت و فضیلت.
- نهادینه سازی الگوهای احترام آمیز، نسبی گرایی: دیدگاه‌های علمی مارا از جزم گرایی رها می‌سازد. نقش پالیسی سازی پوهنتونها باید پلانهای کاری علمی و عملی را به سایر نهادها و سازمانها معرفی کنند. اضافه کردن موضوعات و مطالب در مفردات درسی یا مضامین جدید مربوط به صلح در نصاب تحصیلی.
- تحلیل رفاه محصلان در پوهنتونها و تقویت جهات صلح پرور و مثبت آنها. ایجاد رقابت‌های علمی و هنری صلح پرور، آموزش میانجی گری و ایجاد مرکز میانجیگری در پوهنتونها. برگزاری سمینارها و کنفرانسهای مربوط به صلح و حل منازعه، انجام تحقیقات و پژوهش‌های مستمر و جدی درمورد صلح و پیدا کردن مدل‌های مناسب و منحصر به فرد برای جامعه افغانی.

- انتقال علم و تخصص به جامعه. انتقال علم رهایی بخش، یعنی تقویت گفتمانهای مفاهمه‌یی، رشد عقلانیت ارتباطی و انتقال ارزش‌های انسانی و صلح. روش‌های تدریس صلح جویانه، برقراری روابط موثر با سایر ارگانها و سازمانها و نشان دادن خط مشی‌های موثر به آنان. ایجاد فرصت‌های بیشتر به زنان در پوهنتونها و به



مناسب ترین راه کار آموزش دانش اموزان است بررسی تطبیقی جوامع نشان میدهد جوامعی که موضوع تربیت شهروندی را با هدف تغییر الگوهای زندگی در راس برنامه های اموزشی خود قرارداده اند می توانند زمینه های لازم را برای بروز رفت ازانواع معضلات فردی و اجتماعی فراهم نموده و سبک زندگی مناسبی را طراحی کنند ازسوی دیگر یکی از کارکردهای مهم نهاد اموزش و پرورش جامعه پذیری است که یکی از مولفه های مهم آن با تربیت مدنی یا شهروندی توأم است که از طریق آن میتوان الگوهای مشخصی از سبک زندگی را از طریق شیوه های مناسب به دانش اموزان تعلیم داد. تا زمانی که آموزش و پرورش از حالت غیر پویا و بی جان بیرون نشود و مهارتهای از قبیل ارتباط برقرار کردن بایکدیگر، تماس گرفتن، تنفس نداشتن، زندگی به صورت جمعی، عدالت خواهی و ترویج عدالت، مسئولیت پذیری، تحمل و بردباری، احترام به انسان و قوانین در نصباب درسی مکاتب و تحصیلات عالی در نظر گرفته نشود اهداف تربیت شهروندی و مدنی تحقق پیدا نخواهد کرد بنابرآ نقش تحصیلات عالی در این زمینه انکارنکردنی است.

منابع :

- کتاب نقش پوهنتونها و مراکز تحصیلات عالی در اعمار صلح، چاپ مرکز ملی تحقیقات پالیسی پوهنتون کابل
- کتاب تربیت شهروندی ترجمه محمد تقی دلفروز

- افزایش پوهنتونهای دولتی و خصوصی در تمام ولایات .
- بودجه گذاری بیشتر در عرصه تحصیلات عالی و معارف.
- اصالت دادن به ضوابط به جای روابط در جذب کادر علمی.

- ایجاد تناسب میان نیازهای استادان و سطح معاشات آنها، ترویج فرهنگ صلح از طریق محتویات درسی صلح محور، شبکه سازی برای صلح خواهی در میان محصلان واستادان .

- ایفای نقش پژوهشی و تحقیقی مناسب در رابطه با صلح ، ارائه تفاسیر متقادع کننده از پیشینه های معرفتی و فرهنگی به خاطر حل عقلانی موقعیتهای مسئله برانگیز.

- تدویر جلسات مداوم و مستمر در مورد صلح در داخل پوهنتونها و در رابطه مستمر با سایر ارگانها و سازمانها.

- انعکاس مباحث مربوط به صلح از طریق رسانه ها در میان افشار مختلف جامعه.

نقش پوهنتونها در تربیت شهروندی و مدنی:

در مطالعات اجتماعی سبک زندگی همه حوزه های رفتاری و وضعیت های اجتماعی مانند حوزه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به معنای خاص آن را شامل می گردد ازسوی دیگر نهاد تعلیم و تربیت در هر جامعه به مثابه بستر ایجاد آمادگی ها مثال زدنی برای هر جامعه تحول طلب است به همین دلیل جامعه شناسان را عقیده براین است که برای گذر از شرایط شکننده زندگی و طراحی و تغییر سبک زندگی



سال ۱۳۹۷ مه سلطان

پوینتار سمنونوال وحیدالله "شیرزاد"

روحیه وطن دوستی

آن شریک بوده در حمایت، دفاع، آبادی و نفع گرفتن از آن دارای حقوق مساوی هستند. حس ملی: آن حس را گویند که افراد یک جامعه را برای فدائکاری و برای حصول منافع عالی مردم، حفظ آزادی و استقلال آماده می سازد. زیرا همان افت و محبتی را که یک خانواده و عایل به مسکن و خانه‌ی خود دارد به وطن و خاک خود نیز داشته می باشد.

یکی از علمای علم سیاست ملت را چنین تعریف نموده است: «ملت افراد ملت یکسان به

گرفته اند و به مدافعت آن در مقابل دشمنان نسل به نسل کمر همت بسته اند. اجداد ما برای حمایت و حفظ استقلال خون



وطن جائی را گویند که در آن ما، پدران ما، اجداد ما همه و همه نسل به نسل تولد گردیده، به آغوش آن پرورش

یافته و دوره حیات خود را در آن گذشتانده اند. اولین سخنان کودکانه را در آن جا گفته و نخستین قدمهای لرزان خود را برآن نهاده اند، در زیر آفتاب آن بزرگ شده اند و از کوه پایه‌ها، دره

ریختانده اند، زندگی و دارائی شخصی را در مقابل دین، خاک و ناموس فدا نموده اند.

ها و آبشارهای آن احساسات مردانگی عواطف و جوان مردی حاصل کرده اند و از خوراکه‌ها و میوه‌های لذیذش لذت برده و گوشت، پوست و استخوان



خود گفتند پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم آن پیامبر گفت اگر جنگیدن بر شما مقرر گردد چه بسا پیکار نکنید گفتند چرا در راه خدا نجگیم با آنکه ما از دیارمان و از نزد فرزندانمان بیرون رانده شده‌ایم پس هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد جز شماری اندک از آنان همگی پشت کردند و خداوند به حال ستمکاران دانست.

این تعبیر نشان می‌دهد که انگیزه آنها برای جهاد، علاوه بر حفظ آئین الهی، نجات وطن نیز بوده است و پیامبر آنان بر این سخن اعتراض نکرد؛ و عملًا آن را تأثید نمود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) هنگامی که خواست از مکه هجرت نماید سخت ناراحت و منقلب بود. درست است که مکه ارزش معنوی و الهی فوق العاده ای داشت، ولی به نظرمی رسد که علاقه

کسانی که در کار دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند باز نمیدارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز میدارد که در کار دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه هایتان بیرون رانده و در بیرون راندن تان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان هم ستمگرانند.

در این دو آیه مسئله اخراج از خانه و وطن در برابر مقاتله در دین قرارداده شده که نشان می‌دهد هر کدام دارای ارزش جدا گانه‌اند.

در آیه 246 سوره بقره نیز این سخن از زبان گروهی از بنی اسرائیل نقل شده است: ترجمه: آیا از حال سران بنی اسرائیل پس از موسی خبر نیافتنی آنگاه که به پیامبری از

الفت و همدردی، نسبت به وطن را می‌گویند، که افراد یک جامعه را در محور منافع مشترک شان صرف نظر از هرنوع اختلاف و تبعیض با صمیمیت و محبت تمام به یکدیگر مرتبط و ملحق می‌سازد.»

از تعبیر فوق معلوم می‌شود که تجارب مشترک تاریخی، عنعنوی، فرهنگی و دینی بزرگ ترین و مهم ترین اساسات ملت شدن و وحدت است؛ مردمی که گرمی و سردی روزگار را چشیده و از مصائب زمان یکجا متاثر شوند و از نعمت‌های آن یکجا مستفید شده باعلایق و رشته‌های دوستی و محبت متصل و جمع گردند، هر گز این روابط از بین نخواهد رفت. از نظر اسلام وطن ذاتاً یک ارزش محسوب می‌شود؛ از جمله آیاتی که این معنی را بیان می‌کند آیه 8 و 9 سوره ممتحنه است که می‌فرماید: ترجمه: اما خداوند شما را از

را برای اقاماتگاه خویش انتخاب نکرد و به مدینه بازگشت نمود چراکه مدینه جایگاهی مناسب تری برای مرکزیت اسلام بود. این نکته نیز قابل توجه است که اگر وطن مادی و جسمانی توأم باوطن معنوی و روحانی گردد و عنوان دارالاسلام به خود بگیرد، علاقه و احترام به آن به مراتب افزون تر می گردد و در اینجا است که انگیزه های معنوی و مادی دست به دست هم میدهند و انسان را برای دفاع از آن تا آخرین نفس آماده می سازد.

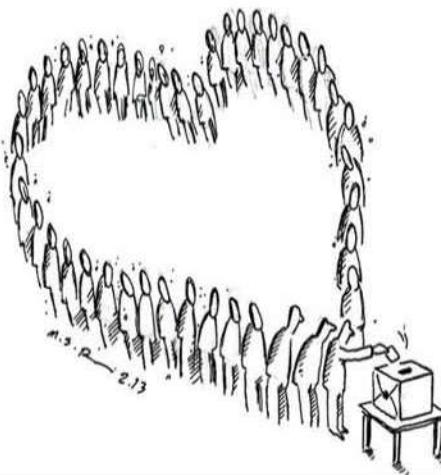
مادی و معنوی هجرت از وطن ضرورت پیدا کند متعصبانه از وطن جدا نشود، هرچند که به قیمت ماندگی و درماندگی او تمام شود.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وسلم) با هجرت خود از مکه که علاوه به تمام مزایای معنوی

پیامبر بر آن شهر جهات متعددی داشت؛ که از جمله علاقه او به زادگاهش بود.

خداوند (جل جلاله) با این جمله او را دلداری داد: (آنکس که قرآن را برتو فرض کرد، تو را به جایگاهت باز می گرداند) . اساساً انسان رابطه مادی و

معنوی فراوانی با زادگاه خود دارد و تاریخ زندگی اش به آن پیوند ناگسستنی پیدا کرده است. همین پیوند سبب علاقه او به وطن می شود و همین علاقه، انگیزه، حفظ دفاع و آبادی آن می گردد. آنچه گفته شد میتوان



- ۱- منابع و مأخذ قرآنکریم.
- ۲- احادیث نبوی.
- ۳- عظیمی، محمد اختر، (1395) رهبری و قوماندانیت در اسلام، انتشارات میوند، کابل افغانستان.

آن به مدینه که محیط بازتری برای نشر و پیشرفت اسلام محسوب میشد؛ ثابت کرد که ماندن در وطن همیشه مطلوب نیست و استثنائاتی دارد که باید آن را پذیرفت. جالب اینکه پس از فتح مکه، باز پیامبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) آن جا

نیجه گرفت که عشق و علاقه به وطن و زادگاه ریشه های در قرآنکریم دارد وهم در احادیث و روایات و هم در منطق عقل بدان معنی نیست که انسان نسبت به وطن و زادگاهش عشق کورکرانه داشته باشد. اگر فرضًا برای تکامل علمی،



د جرم د انگلکیزو او د مخنیوی لاری چاری

په دی مقاله کې غواړم درنو لوستونکو په دی اړه

لنډ معلومات وړاندی کړم.

جنائي ارواح پوهنه مجرم ته د ناروغ حکم کوي او وايي چې مجرم د زیروونکی بدنه، روانی، چاپریال او ټولنیزو عواملو تر اغیز لاندې له ناچاری د جرم په ارتکاب لاس پورې کړې دی له دې اړخه درمنې، اصلاح او ارشاد ته اړتیا لري که د درمنې وړ نه وي نو هغو خایونو کې لکه: روغتون، اردوګانو، دارتاديیونو او زندان کې دې له ټولنې لري وساتل شي چې ټولنې ته پرله

پسي نور زیان پیښ نه کړي.

د لرغونې یونان فیلسوف افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ م) په دی اړه وايي (قانون جوړونکی) باید جنایتکاران د هغو ناروغانو په خیر وګهی چې درمنې ته اړتیا لري او دوي ته ورزده کړي چې د جرم له ارتکاب



لکه خنګه چې او سنې وخت د پوهې وخت دی او د ناپوهې په د دوران سره ډیر توپیر لري يعني د نړۍ د هرې ټولنې زیاتره خلک په دینې او دنیوی

پوهو سمبال او هر کار د هغې د بشی او اغیزمنې پایلې په پام کې نیولو سره تر سره کوي او هرې پریکړه د هغې د پایلې او اغیزی په سنجونه ترسره کوي. له نیکه مرغه د جرم کوونکو د بیارغونې او ټولنې ته د عادی او فعال وګړي په خير بیتره د ستنيدو لپاره پوهانو رغنده ګامونه پورته کړي او د نړۍ د هېوادونو قانون

جوړونکو د عدالت د غوره ټینګښت ، انساني

کرامت په خوندي کولو او د ناپوهې د دوران په مجرمانو د ظالمانه او غج اخیستونکې جزاګانو پلي کیدو ته غبرګ په قوانینو کې د عادلانه جزا او د جرم کوونکو بیا رغونې ته ډیره پاملنې کړي ده



شي او داسي شرایط ورته برابر کړل شي چې هغوي په خپلو تیرو جرمي کړنو پښيمانه شي او تولني ته لار پیدا کړي په بله وينا له مجرمينو سره بايد غچ اخیستونکي چلنډ ونه شي بلکې په اصلاح او ارشاد کې يې بايد کوښښن وشي.

د تولني له نظره د جرم کوونکو د ستونزو حل او ددوی اصلاح:

دا چې جنایي کړنې د تولني امنیت ثبات له منځه ويږي ، تولنه حق لري چې د بپلا بپلووسایلوا په واسطه د جرمونو د ریښو په ويستو جنایات له منځه یوسې او مجرم مجازات کړي .

هغه خه چې بايد مخکې له مخکې په پام کې ونيول شي د مجرم په نسبت د جرم د علل او انګیزې موندل(کشف) او د عادلانه مجازاتو پلي کول دي. له مجازاتو بايد موخه د هغه وګړي چې تولنيز ارزښتونه يې ناليدلى ګنډلي اصلاح، تهدیب او روزل وي.

تولنيزو او ګلتوري غوښتو ته په کتو سره تولنه کې د جرمونو د کچې د راتیتولو او د مجرم د اصلاح کولو په موخه بايد تأميني اقدامونه په پام کې ونيول شي خکه چې د تأميني اقدامونو موخه د جرمونو د بیا خلې کیدو خخه مخيوي، د مجرمانو تولنيزتوب، اصلاح او روزنه ده.

تأميني اقدامونه د مجازاتو سره برابر چې ديره روزنيزه ، ملاتروونکې او مرستندويه لوری لري بايد د مجرمانو د تهدیب لپاره علمي، بنوونیز، روزنيز او اصلاحی روشنونو هم وړاندی او پلي

خخه خنګه ډډه وکړي .

په جنائي ارواح پوهنه کې ددي مبارزي یو روش د جرمي انګیزې او علل پېژندنه ده له همدي اړخه د جنائي ارواح پوهنه هڅه داده چې مجرم د یو ناروغ په بنه وګني خکه له ناروغانو سره د مبارزي لپاره لوړۍ ګام کې بايد دوى وپېژندل شي چې په دې وسیله هم د ناروغ اړینه درملنه وکړي شي او هم دهغه د شخصيت خېرنې او پېژندنې ته په کتو د جرمي سرغړونو لپاره د سمو مجازاتو د تطبيق ګام پورته شي او تدریجی مجازات له انفرادي زندان خخه تر نیمه مشروطې آزادی په گوته کړل شي .

د جرم له پېښیدو مخيوي او د مجرمانو نوي روزنه: د ډله ایز ژوندانه د بنه والي لپاره ی بايد د جنایت د علل او انګیزې پېژندنې په بنسټ د مخيوي ګام پورته کړل شي .

خکه مخيوي يا لوړني تدبیرونه هر وخت تر درملنې ساده او کم لګښته دي يا په بل عبارت مخيوي يا وقايه له درملنې خخه غوره دی مجرم د تولني د نورو وګړو په خیر شخص دی چې د ګنډ او بپلا بپلو عواملو له امله د جرم مرتكب شوی دی په دې خاطر نوي روزنې او دهغه درملنې ته له مناسب روشنونو او کړنو بايد ګتيه واخیستل شي د ارواح پوهنه د خېرنو پر بنسټ هر مجرم وګړي د اصلاح وړ دی او بايد بیا خل تولني ته د بيرته راتلو زmine برابره کړل شي .

جرائم کوونکو ته بايد د دېمن په سترګه ونه کتل



کې خېل آندونه له هر ډول ویرې او تپلو (تحميل)
څخه خوندي وړاندی کړي او د مجرمينو رواني
شخصيت ته په کتو پر هغوي خېلله عادلانه پريکړه
صادره کړي. او سنی زمانه دا غوبښته کوي چې
قضائي ماموران لکه د نورو وګرو د مجرمانو د
برخه ليک په تاکلو کې رول لري د ارواح پوهني
له علمونو (پوهو) څخه پوره پوهه ولري او خېل
عادلانه قضاوټ چې د ټولني د نظم بنست پري
تینګ او ولاړ دي ورسه مرستندویه وي.

پایله: د پورته معلوماتو
په پام کې نیولو سره د
ټولني عدلي او قضائي
ارگانونه د عدالت
د تأمین، د انساني
کرامت د خونديتوب
د مجرم سره د قانون د
حکمونو سره سم چلنډ
وکړي او په مجرم د جزا
د پلي کولو څخه يې

موخه د عدالت تاميول، د مجرم اصلاح او ټولني ته د
عادي فرد په توګه ستول وي نه غچ اخيستل.

اخيستنۍ:

- د محترم پوهنیار محمدیحیی «محزون» د کریمینولوژی کتاب.
- انټرنیټ او شخصی معلومات.



کړل شي.
د اچې د مجرم د کشف او خېرنې پروسه د پوليسو،
څارنوالي او قضائي ارگانونو پوري تراو لري باید
دغه موخي ته پام وشي چې د مجرم د شخصيت
پېژندنه د جرم د علتونو سب نه شي.

نو د خېرنې کرنه په هغه وګرو او اشخاصو لکه:
شکمن، تورن، زیانمن، شاهدان، مدافع وکیلان،
پولیس، څارنوال او قضائي خرخیري؛ نوځکه جنایي
ارواح پوهنه د یادو وګرو کرنې او غږګونونه له

رواني نظره تر پام
لاندي نيسی.

هیره دې نه وي چې
یواخې د قاضې
تحصص بسننه نه کوي
او قضائي نشي کولای
د مجرم له پېژندنې
وروسته عادلانه
پريکړه وکړي مګردا
چې دوه نور عنصرونه

دهغه تایید کوونکې وي:

- 1- جزائي نظام او قوانین باید د ټولنیزو بدلونونو
مقصد پیدا کړي چې قاضې دې ته اړ نه وي چې د
جزا د قانون وچې مادې دې د غچ اخيستو په بنه
پلي کړي.

جزائي ارگانونه باید د قاضيانو د واک او آزادی
لمن پراخه کړي او دوي ته دی ډاډمن امنیت برابر
کړي چې وکړي شي په ډاډمنه او خپلواکه فضا



شەوادىش شەوادىش

سادىل (بىوال)

زەۋەقە

پۇھۇال تابش

كاراوان زەندگى

زەندگىسى هەمچو آب مى گىزىدە

چىيون زمان باشتاب مى گىزىدە
مە خۇرىشىد و آسمان و زەمىن
باد و بىرف و سەھاب مى گىزىدە

زەندگى لەحظەسى رەياسى
بى خېر هەمچو خەواب مى گىزىدە
پېر وېرنا روند ھەمە در خاڭ

عابىد و شىخ و شەباب مى گىزىدە
شام ئىلمىت اگىر بىرآرد سر

زىن جەھان آفتىاب مى گىزىدە
ھەمۇطن دل مېنىد بە اين دىنا
ھەرقە خوب و خراب مى گىزىدە

گەركى ئىلم و وحشت و آزار
يا كە خىر و شەواب مى گىزىدە
سېيم وزىر تا بىسىد نەمى ماند

چىيون كف روی آب مى گىزىدە
آرزو ھەسا بە دل ھەمى ماند
عاقىت چىيون حباب مى گىزىدە

لطف حق با تۈگىر بود دايىم
ھەمە رىج و عەذاب مى گىزىدە

تا توانى بە ھەر كى نىكى كىن
چىيون زەمان شباب مى گىزىدە

آرزوھەسای خفتە ي «تابش»
بنگر چىيون سراب مى گىزىدە

سولە غوارو

ربە جىڭ نە يۇرۇستىرى سولە غوارو
لە غۇرۇشكى نە يۇرۇستىرى سولە غوارو

چىي مو هە سېرى پە هەرە نامە و ئىنى
لە دى نىڭ نە يۇرۇستىرى سولە غوارو

ھەروين دى كە تۈراكى دى كە پۇدر دى
ربە بنگى نە يۇرۇستىرى سولە غوارو

دەھچا پە خولە لە ھەسكە غۇرۇشا شو
بىس گۈنگى نە يۇرۇستىرى سولە غوارو

د (ويارىمن) دزە پالۇنكىيە لوى خېنىتتە
كە پە خولە كې دنهنگ وى سولە غوارو

اصغر (عبدى)

اي مىھەن

اي مىھەن من، عشق من وجان وجها نام
مەھرتىسو بۇد درىگ وەھم روح وروانام
درخاڭاك تو زادە شىدە پەرورشىم شاد
تاخاڭاك شوم بەھر تو تەصمىم برا آنم
اين استرس وختىگى، اين تحفە ئى غرب را
آغوش خوشت دور كىندا ازتن وجانام
نصيب گۈرام آب وەھوا ي توشۇد باز
با اين ھەمە سالخوردەگى يابىند جوانام
اي مىھەن عزىزىمن ونسازىزىن وطن
چون نام حق، نام توھم ورد زىبانام
در كۈچە ئى تىنگ تو بىس دلى فراخ
د رىشەرىس گىشادە، دلى تىنگ و خزانام
د رىشەرىت بادلى پىر دەد وپرا مىيد
وطن وطن گفتە، سىرۇد توبخوانام

نەجىب اللہ (ويارىمن) دەپلىسو
اکادىمىي مەھىل



میثہ ناک

پخلا شو

چې خومره زرسره پخلا شو لا ناوخته نه دی
 سره جرگه او په سلاشو لا ناوخته نه دی
 دشهيد کوندي ، يتيمان زموږ نه هيلې لري
 راحي چې ژوند ته يې رينا شو لاناوخته نه دی
 ترڅو به جنګ وي دا شخې د افغان وړنه
 که ستر ګې پرانيزو بینا شو لا ناوخته نه دی
 چې په اخلاق ايمانداري یو د بل ملا وټرو
 نفرت ته شاه وفا وفا شو لا ناوخته نه دی
 خپلو ملي ګنيو ته مخ کړو خاني ګتني پريردو
 د (ميئنه ناک) پدې وينا شو لاناوخته نه دې

اندوه شر بار عزیزه عناوین

شبی دیلم میان کلبهء تار
نشسته مادری افسرده وزار
غمش درد نهان و چشم پراشک
درون سینه اندوه شر بر بار
مکرر داشت بر لب نام فرزند
که ای دلبند محبوب و مددگار
فروغ دیدهء مادر تو بودی
زاداغت دائم است قلب من افگار
بخون خویش پروردم وجودت
به تحصیلت کشیدم رنج بسیار
تو بودی مایهء امید هایم
تو بودی حاصل چشم گهربار
شدی تو کشتهء دست ستم گر
که بودت در جهان امید بسیار

امشب شب ما تا به کجا حادثه خیز است
هر سونگری حال و هوا حادثه خیز است
وحشت زده تنها نبود کوچه و بازار
میخانه جدا خانه جدا حادثه خیز است
یکسو غم تنهایی و یکسو غم هجران
یکسو خطر دست قضا حادثه خیراست
راه سفرما زدل این شب سنگین
تا وسعت یک دشت خدا حادثه خیز است
افسانه هر خطبه سرمنبر تزویر
در قالب نیرنگ و ریا حادثه خیز است
خشکیده صدا در گلکوی توده خاموش
زنگ خطر ازیام و فضا حادثه خیز است
از هرچه که دیدیم گذشتم و نگفتیم
در رخاک من و تو که چهادثه خیز است
در رهگذر داره دزدان مهاجرم
تا چند خدایا شب ما حادثه خیز است

عجیبہ میں

گوری د شاتونه خوره مینه ده
د گران وطن خومره پخه مینه ده
پکی دا توري کربنے پی چا ويستلي
د کتاب هر یوه صفحه مینه ده
خوک چې کالو سره جنت ته درومي
دغه په تولو کې بنایسته مینه ده
هر بې غیرته دې خوبونه کوي
دن سره هرې شیبه مینه ده
خوک چې مسجد کې هم چاودنه کوي
افسوس چې دیره عجیبه مینه ده
دا چې ولس په تول جهان خرخوی
خلکو دا خنګه مسخره مینه ده ؟!
خوک چې په غم کې د وطن زلمې شي
دغه په تولو کې پوره مینه ده

تدایر جلوگیری جرایم از دیدگاه جرم‌شناسی

میبیند و در خواهد یافت که چرا این امر در گذشته تحمیل میشد و چرا امروزه لازم است که آن را پشت سر گذشت. البته این پیشینه با توجه به منابع در دسترس، بیشتر مربوط به تدایر پیشگیری وضعی در خارج از افغانستان است. تنوع تدایر پیشگیری در جامعه گذشته و کنونی دهکده‌ها و ارزیابی کارآمد آن، خود میتواند موضوع یک تحقیق جداگانه باشد.

مفاهیم عمومی: جرم‌شناسی تدایری یعنی مطالعه وسائل و امکانات علمی تدایری از وقوع جرم، سومين و آخرین شاخه جرم‌شناسی کار بردن است. این رشته به دنبال مؤثرترین شیوه‌های پیشگیری از جرم از لحاظ علمی که ممکن است در سطح یک کشور، شهر یا محل



به اجرا درآید. در این جرم‌شناسی مابه منظور تعقیم و متوقف کردن جرم، در آستانه ارتکاب و یا در شرف ارتکاب، اقدام میکنیم. بنا براین پیشگیری و ارعاب ناشی از اجرای مجازات و استفاده از نظام جرمی مد نظر نیست. در این جرم‌شناسی، پیشگیری در کنار نظام

مقدمه: مردم عادی در طول روز بدون آنکه بدانند، پیشگیری وضعی انجام میدهند، مثلا هنگام خروج از منزل درب و پنجره‌ها را قفل میکنند، از رفت و آمد به محل‌های پر خطر و بد نام پرهیز میکنند، سیستم‌های هشدار در منزل و محل کار نصب میکنند، جواهرات خود را در اماکن عمومی به نمایش نمی‌گذارند و اینکه در

نهایت همه این احتیاط‌ها و دور اندیشی‌ها سعی خود را از هدف کاهش احتمال از شدت جرم انجام میدهند. بدین ترتیب اقدامات پیشگیرانه از نوع اقدامات وضعی، منحصر به عصر حاضر نیست. اقوام و گروه‌های مختلف در اکثر نقاط دنیا، بر حسب نوع شرایط، به

شیوه‌های مختلفی آن را اجرا میکردند. هر چند آن دسته از تدایری که توسط حاکمان با این هدف به کار گرفته میشد، بعض اعوارضی به دنبال داشت که بر منافع آن، فزونی میافت. خواننده با مطالعه این مبحث خود را مقابل نوع و مشکل شدیدی از پیشگیری وضعی



کاهش احتمال جرم، کاهش و خامت جرم پیرامون علل جرایم اتخاذ میشود. در این تعریف اقدام پیشگیرانه قهرآمیز نیست که بر عوامل جرم زا اعمال میگردد. بر اساس این تعریف، چنانچه مجرم در محاسبه خود میزان سود احتمالی را در مقایسه به تلاش و زحمت و نیز خطرات موجود ضعیف بداند. از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد. البته تعریف پیشگیری موضوع چندان آسان نیست. اگر بخواهیم از متونی که بدنبال نقد و بررسی این موضوع بوده اند استفاده کنیم کار دشوارتر خواهد شد، زیرا این متون عموماً تعریف بسیار متفاوتی از موضوع ارایه میدهند. هر چند که این یک مساله قراردادی است. لذا در اینجا، ابتدأ بینش های مختلف مربوط به پیشگیری در ادبیات جرم شناسی را ارایه و در نهایت به تحلیل انقادی آن میپردازیم.

انواع جرم شناسی تدابیری: جرم شناسی تدابیری به انواع مختلف دسته بندی می شود که در این مبحث به این تقسیم بندی می پردازیم

تدابیر اجتماعی: جرم شناسی در حال حاضر انسان مجرم را از دو دیدگاه مطالعه میکند. دیدگاه اول، انسان فطرتاً خوب است ولی در جریان اجتماعی شدن در بستر محیط و جامعه تغییر میکند. جرم شناسان طرفدار این دیدگاه، انسان را محصول تعامل خصوصیات ذاتی و اجتماعی فرد میدانند. بنا بر این مجرم شخصی است که در دوران رشد جسمی و روانی خود در بسترها خانواده، مدرسه، اشتغال، و اوقات فراغت قربانی یک سلسله بی توجهی ها، کمبودی ها و محرومیت های مادی، معنوی و عاطفی شده است. در واقع مجرم محصول علل فردی بیماری های ژنتیکی، روانی،

جزایی وجود دارد و هدف آن کمک به پیشگیری جزایی است. زیرا حقوق جزا و تهدید به مجازات، علی الرغم شداد و غلاظ خود نتوانسته است جلو موج جرمی و وقوع آن را بگیرد. بررسی تاریخی مفهوم تدابیری که ابتدادر حوزه پزشکی ظاهر شد، یعنی از خاستگاه تحولات اخیر، کار دشواری است. تاریخ امور اجتماعی به خوبی شاهد انتقال مقاهیم بهداشت و سلامت حوزه های امور اجتماعی میباشد. بنا براین مفهوم تدابیری بر اساس یک دیدگاه از مدل سلامت عمومی نهادهای صحی جهانی یعنی تدابیر نخستین (مانع از ظهور و بروز بیماری) دومین (شناخت و شناسایی اولین نشانه ها و مبارزه با آن) و سومین (مراقبت بر عاقبت) الهام گرفته است. آثار این تقسیم بندی را در قوانین می توان یافت. البته در اغلب زمان ها، تدابیر مبنای ایدیولوژی داشته و قبل از هر چیز، ابعاد اقتصادی و نظامی آن مد نظر بوده است. مفهوم تدابیر پس از آن در قرن نوزدهم جهت رسیدن به یک طرح انسانی و مبتنی بر رفاء اجتماعی، بعد و جنبه اجتماعی رنگ و بوی اخلاقی به خود گرفت. حال باید علاوه بر تحلیل امکان پیشگیری، فایده مترتب بر آن و محدودیت های پیش رو را مورد بررسی قرار داد.

تعريف اقدامات تدابیری: نحوه اجرا و توسعه تدابیر از یک کشور تا کشور دیگر فرق میکند. برخی آن را نوعی مداخله از طریق اتخاذ تدابیر برای جلوگیری یا کاهش خطرات ارتکاب یا کاهش نتایج احتمالی میدانند. موریس کوسن جرم شناس کانادایی تدابیر یا پیشگیری را چنین تعریف میکند: مجموعه ای اقدامات و عمل غیر قهرآمیز است که هدف آن مهار جرمی،



کلی به عوامل بزه کاری توجهی ندارند، بلکه بیشتر بدنبال تغییر وضعیت به منظور تاثیرگذاری در تصمیم بزهکاران بالقوه است. این شکل از پیشگیری، از نظریه های جرم شناسی مبتنی بر عقلاتیت گذر از اندیشه به فعل الهام گرفته است. بر این اساس، بزهکار با محاسبه سود و ضرر اقدام میکند. این رویکرد سه هدف را دنبال میکند: افزایش خطرات دستگیری، افزایش دشواری ها و کاهش منافع. این نوع از پیشگیری، بر مبنای یک افق کوتاه مدت، کارایی و فایده مندی بی درنگ و زود هنگام تدبیر پیشگیری مبتنی است. تکنیک های پیشگیری وضعی نیز متعدد میباشد. این تکنیک ها در ابتدا مورد استقبال بازار امنیت خصوصی و شرکت های بیمه قرار گرفت و پس از آن مقامات دولتی از آن استقبال کردند، لذا اکنون کمتر مکان خصوصی آزاد برای ورود عموم است که از مراقبت و نظارت انسانی یا مراقبت از طریق فناوری بهره نبرد. هر چند همگان بر کارایی و اثر بخشی آن متفق القول نیستند. البته آثار فناوری های مربوط به پیشگیری محدود میباشد. این فناوری برای پیشگیری از جرایم علیه اموال در اماکن بسته و نسبت به مجرمان اتفاقی مؤثر است. نصب دوربین های مراقبت در یک پارکینگ اثر بخش است، ولی تاثیر افزایش روشنایی و اطلاع رسانی به عموم از مراقبت ویدیویی موثرer است. لذا این فناوری در خارج از محیط بسته و نسبت به مجرمان غیر اتفاقی کمتر مؤثر میباشد. تدبیر مذکور در محلات بزرگ و فضای باز نیز نتایج موردن انتظار را به بار نمیاورد و نسبت به افرادی که رفتارهای خشونت آمیز و غیر عقلاتی دارند کارایی ندارد. از

جسمانی و علل اجتماعی (طلاق، فقر، بیماری وغیره) است. لذا کافی است مبارزه با چنین علی و رفع آنها از ارتکاب جرم به عنوان معلول، پیشگیری کرد. در اجرای چنین رویکرد است که راهبرد پیشگیری اجتماعی مشروعیت علمی کاربرد خود را پیدا میکند. این گونه پیشگیری "آموزش و پرورش" محور است. بر پایه این دیدگاه مجرم با غیر مجرم متفاوت است. در مجرمیت خود سهم زیادی ندارد و بیشتر قربانی محیط های شخصی (مانند خانواده، مدرسه، دوستان، رسانه ها، اقتصاد و ...) و محیط های اجتماعی عمومی مانند سیاست های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میباشد. بدین ترتیب پیشگیری اجتماعی به فرایند تربیت و رشد انسان بر می گردد و راهبرد نسبتاً زمانی برای پیشگیری از جرم ترسیم میکند. بنابر این سوء عملکرد هر یک از عوامل فوق میتواند این جریان رشد را دچار اختلال کرده و از نظر جرم شناسی، فرد را غیر اجتماعی و حتی ضد اجتماعی بار یاورد که از منظر جرم شناسی، به نوعی پیشگیری اولیه از جرم محسوب میشود.

تدبیر وضعی از جرم: تدبیر وضعی یعنی تغییر اوضاع و احوال و شرایط خاص که احتمال ارتکاب جرم در آن زیاد است. به منظور دشوار نمودن، پر خطر کردن یا جاذبه زدایی ارتکاب جرم. این نوع پیشگیری، از لحاظ مبانی و شیوه ها، کاملاً با دیگر گونه های پیشگیری متفاوت است. پیشگیری وضعی و نیز پیشگیری جزایی که امروزه مقامات دولتی به فواید و آثار مفروض آن امیدوار شده اند، تحت تاثیر فضا و آثار پیشگیری اجتماعی، به مشکلات اجتماعی، اقتصادی، و به طور



اصلاح مجرم و امحای عوامل وانگیزه های آن میباشد. درحقیقت پیشگیری اختصاصی مسکن برای تسکین درد و جلوگیری از آن میباشد. وعمدتاً درکوتاه مدت مفید میباشد. این نوع پیشگیری میتواند شامل مبارزه با اعتیاد والکلیسم وجمع آوری اطفال بی سرپرست، وامکان اصلاح آنها در مؤسسات تربیتی و کار آموزی، خارج کردن فرزندان از خانواده های که والدین آنها به دلیل فساد اخلاقی، یا عدم توانایی قادر به تربیت صحیح فرزندان خود نمیباشند، ونگهداری آنها در مراکز فوق الذکر، طرد افراد که در حالت قبل از ارتکاب جرم میباشند وبا اصطلاح جرم شناسی (درحال خطرناک) بسر میبرند ونگهداری آنها در مراکز که امکانات بازسازی وسازگار نمودن افراد و زمینه های آموزشی، تربیتی وحرفه یی را دارد. بستن مراکزی اشاعه ی فساد و تقویت و تعالی باورهای مذهبی و اخلاقی افراد، حقوق جزاً با توسل به اصل آزادی فردی که اصل مقدس وقابل احترامی است با اجرای برخی از اقدامات فوق به دلیل امکان تضییع حقوق شخصی افراد مخالفت میورزد ولی در عمل بخصوص درسال های اخیر در این زمینه حقوق جزاً انعطاف قابل توجه، از خود نشان داده است. که مثلاً منع رانندگی درحال مستی، جمع آوری بی بندوباران و بستن اماکن فحشا و فساد از آن جمله است. واژین جhet به جرم شناسی بیش از پیش نزدیک ترمیگردد.

منابع و مأخذ

- 1- محسنی، داکتر مرتضی، کلیات حقوق جزاً تهران، انتشارات دانشگاه ملی سال 1354
- 2- سرور عبدالبصیر، همان اثر ص 43-42

سویی مجرمان حرفه ای سریع به دنبال نقاط ضعف و قوت و ارتکاب جرم در محلات مجاور و در زوایای پنهان خواهند رفت. به عبارت دیگر نصب تجهیزات فناوری پیشگیرانه در برخی مناطق به ضرر محله های فاقد تجهیزات تمام میشود. بنا براین غیر از بزهکاران خرد که مرتکب سرقت میشوند و کمتر به متضرر تعرض میکنند. مجرمان حرفه یی از تلاش خود برای دسترسی به منافع مورد نظر دست بر نمیدارند. بنا براین، پیشگیری وضعی نسبت به پیشگیری اجتماعی ارزش اضافی ندارد. همچنان که هزینه آن نیز کمتر از هزینه برنامه های پیشگیری اجتماعی نمیباشد. لذا تصور اینکه پیشگیری اجتماعی به محدودیت رسیده یا ناکار آمد است، ناپاخته و ناسنجیده است. نتیجه تحقیقات مربوط به پیشگیری نشان داده است که راهبردهای تلفیقی که به عوامل اقتصادی، اجتماعی، محیطی، روانشناسی، تربیتی یا حتی خانوادگی توجه دارد موثر و کارآمدتر است ولی مقامات دولتی به این استدلال ها توجه نکرده و از ترس اینکه به تساهل متهم شوند، از پیشگیری وضعی برای حمایت از متضرر بالقوه استفاده میکنند. این راهبرد پیشگیرانه به آنان اجازه میدهد تا به مردم نشان دهند، میتوانند در کوتاه مدت، به نا امنی پاسخ دهند.

نتیجه:

درجوار پیشگیری عمومی میتوان از پیشگیر اختصاصی یا خاص نام برد. این پیشگیری مبتنی بر انجام اقداماتی است که قبل یا بعد از ارتکاب ناسازگاری و جرم صورت گرفته و هدف آن مبارزه با انگیزه ها و علل مجرمیت،

نقش پولیس در مبارزه با جرایم

نهادهای جامعه مدنی در پیشگیری از جرم را به رسمیت بشناسند؛ انجمن‌های محلی پیشگیری از جرم، مرکب از نهادهای ذیربط و جامعه مدنی، بطور فزاینده‌ای به دنبال یافتن راه حل‌های قابل قبول از طریق دیدگاه‌ها و پاسخ‌های نو هستند. این امر منجر به ارزیابی مجدد نقش پولیس در چهارچوب مشارکت‌های محلی و خوب اداره کردن شهرها شده است و مبنایی را برای مشارکت نزدیک تر بین پولیس و مردم فراهم می‌کند و می‌تواند احساس پاسخگو بودن پولیس در برای مردم را تسهیل کند. همچنین، دیدگاه‌های نو می‌توانند موجب بهبود وضعیت کلی مشکلات امنیتی فراروی ساکنین شهر مانند جرایم خورد و حمایت از محله‌ها یا گروه‌های در معرض خطر شوند.

مشارکت بین پولیس و انجمن‌های محلی پیشگیری از جرم از اهمیت فوق العاده برخوردار بوده، فله‌های به نظر می‌رسد که تأمین امنیت فقط در حیطه مسؤولیت پولیس نیست،

بلکه تأمین امنیت وظیفه جمعی تمام هموطنان زیر نظر مقامات محلی است. به هر حال ادارات پولیس به دلیل تخصص و اختیارات شان یک قطب اصلی در مسایل امنیتی به شمار می‌روند.

دیدگاه‌های جدید که در راستایی مبارزه با جرم مطرح است، به عنوان مثال، ایلوتیه‌های فرانسوی یا کوبان‌های جاپانی نمونه‌هایی از اشکالی است که جایگزین پولیس در جامعه یا محله‌ها هستند. اما این تجربه‌ها، تغییر در نگرش و فرهنگ درون پولیس و مقامات ملی و محلی را مفروض می‌دانند. چنین

مقاله حاضر چالش‌های مربوط به نامنی را که پولیس و مدیران شهری با آن روبرو هستند نمایان و پاسخ‌های پولیس به این چالش‌ها را بر اساس تجربیات نو در کشورهای مختلف ارایه و مورد تحلیل قرار داده است. امروز دنیا به این نتیجه رسیده است که جامعه عاری از جرم وجود ندارد و تدبیر پولیس به هیچ وجه برای مبارزه با جنایات کافی نیست. به همین دلیل دیگر مبارزه با جنایات تنها وظیفه و مکلفیت دستگاه‌های استخباراتی، کشفی، پولیس و خارنوالی نمی‌باشد بلکه وظیفه مهم و اساسی، حکومتها، سازمانهای اداری، جامعه جهانی و سازمان ملل متعدد است.

در سال‌های اخیر شهرها به افزایش ملموس جرم و جنایت مواجه شده‌اند و این امر احساس نامنی و بی‌اعتمادی مردم به پولیس را دامن زده است. بحران بی‌اعتمادی به پولیس با رشد و افزایش شرکت‌های خصوصی امنیتی موضوعات امنیتی و کاهش نقش دولت تشدید

می‌گردد. در مناطق شهری، آشکارترین بی‌نظمی‌های بیان شده توسط مردم؛ ناتوانی پولیس در تأمین امنیت در نقاط خاصی از شهر و به ویژه در محله‌های فقیر نشین است. ناراحتی عمومی دیگر در مورد تمرکز پولیس بر جرایم بزرگ است که این تمرکز افراطی منجر به غفلت پولیس از جنایات روزمره و عصیان‌گری می‌شود. فساد و سوءاستفاده از قدرت نیز چهره پولیس را مغشوش می‌کند.

دولت و مقامات محلی به این نتیجه رسیده‌اند که هم نیاز به تمرکز زدایی دارند و هم باید نقش





یافته از تطابق خود با بسترهای اجتماعی ناتوان بوده است.

سیاست جنائی اکثیریت کشورها امروزه تأکید بر وقایه پیشگیری از جرم دارد آنها عقیده دارند که اگر پولیس توانایی و تخصص لازم را در جهت پیشگیری از جرم داشته باشد و بتواند جرم را قبل از وقوع آن کشف و خشی نماید، کمکی بزرگی به عمران، رفاه و آسایش جامعه نموده است.

زیرا اکنون بخش بزرگی از بودجه دولت در راستایی مبارزه با جرم، کشف جرم، تحقیق جرایم، محکمه مجرمین و مجازات آنها به مصرف میرسد اگر بودجه پولیس در امر پیشگیری از جرم مصروف شود، دولت قادر میگردد تا مرتبط با جرم و مجرم در جهت اعمار بند برق، معارف، تحصیلات عالی وغیره به مصرف برساند.

اما لازم به یاد آوری است که سیاست پیشگیری از جرم و رمز موفقیت آن وابسته به داشتن پولیس مسلکی و متخصص و شهروندان آگاه و مسؤول است، تا هرکدام در قلمرو کاری خویش احساس مسئولیت نموده و با حمایت همدیگر، بتوانند سیاست پیشگیری از جرم را با موفقیت بسپرانند.

با توجه به مراتب فوق نتیجه میگیریم که مردمان روستا نشین، شهروندان، مقامات محلی، پولیس و دولت برای دست یابی به امنیت عمومی باید دست به دست هم بدهند و این نظر که مبارزه با جرم و مهار آن تنها از وظایف و مکلفیت های پولیس نیست بلکه به همکاری مردم چه در شهرها باشد چه در محلات و قریه های نیاز مبرم محسوس است.

ماخذ:

- Police : a public service for good governances 1,1
- Police and cities : mechanisms for effective 1,2
- partnership
- .Practices. EFUS, Paris
- Modern police reforms 2,1

مسایل مستلزم زمان، سرمایه گذاری، آموزش، حسن مشارکت، ارزیابی و چهار چوب کارآمد سازمانی است. در گذشته فاصله بین پولیس و جامعه عامل اصلی تغییر شکل پولیس در امریکای شمالی بود. حرکت به سوی حرفه گرائی (با شروع در دهه 1930) در واکنش به فساد مامورین پولیس که در مقابل تاثیرات سیاسی بسیار آسیب پذیر بودند آغاز شد. در اثر این موج حرفه گرایی یک دور ثبتیت آغاز شد که با ادغام و منطقه ئی کردن نیروهای پولیس منجر به تخصصی شدن ماموریت های پولیس گردید. این موج بیشتر تحت تاثیر عملکرد سه مدیر پولیس آمریکا (ویلسون، ولمر و پارکر) بوده است. برای مقابله با فساد این اصلاح گران پولیس توصیه به نظامی کردن ساختار و مدیریت پولیس تاکید بر ضرورت آموزش کامل ارتقای مهارت های تخصصی و ابداع میکانیزم های کنترولی در امور پولیس که در آن زمان در اعمال قاطع قانونی و مبارزه با جرم وارد شده بود داشتند. بعد از پیروزی معیاری برای سنجش اثربخشی اقدامات پولیس ضروری پنداشته شد.

پولیس حرفه ئی، الگوی بسیار شایع در دموکراسی های غربی است و بسیاری از کشورهای افریقایی، آسیایی و آمریکای لاتین نیز این الگو را اختیار یا از آن اقتباس کرده اند. یکی از پی آمدهای حرفه گرایی برقراری قواعد و روش های کنترول برای پیشگیری از فساد و خشونت پولیس بوده که نتایج مثبت آن تعیین مزه های اختیاری عمل مامورین و کاهش موارد استفاده از قدرت و سلاح گرم بوده است.

پولیس با وجود دارا بودن گزمه های روزمره، سرعت در پاسخگویی و تحقیقات تخصصی توانایی اندکی برای پیشگیری یا کاهش جرم از خود نشان داده است و افراد پولیس به ندرت جنایت کاران را در حین ارتکاب جرم دستگیر میکنند. نیروهای پولیس با جدایی از هموطنان و در نتیجه با اطلاع رسانی ضعیف در باره حوزه محافظتی خود فقط میتوانند در مورد جرم و ناامنی بدون حمله به منابع این مشکلات عکس العمل نشان دهند. پولیس برای حل مشکلات و کشمکش های جامعه در حال پیشرفت با تأکید بر جرایم اصلی سازمان



په کورنيو کې د تاوتریخوالي لاملونه

موضوع په عام ډول سره په کورنيو کې موجوده ده، چې د یوې طایفې، ډلي، قوم یا خاصې سیمې پورې اړه نه لري، بلکه په بېلا بېلو ډلونو سره په ډېر و کورنيو کې خرګندېږي. د تاوتریخوالي ډول وېش هم آسانه کارنه دی، څکه د ډول، ډول زور زیاتي او تاوتریخوالي سره مخامنځ ګېرو چې پراخې څېښې او تحلیل ته اړتیا لري.

د هغه څېښو په اساس چې د اړونده واک لرونکو مراجعيو له خوا ترسه شوي دي، کولاي شو په افغانی کورنيو کې مروج تاوتریخوالي چې د کورني او ټولنيسي د زیان او بدمرغیو لامل کېږي، په اوو ډلونو ووېشو.

د دی ډول رايچ تاوتریخوالي د ډېرى روښانیا لپاره د بېلګۍ په راوړلو سره په

لاندي توګه تشریح او توضیح کېږي:

1- فزیکي تاوتریخوالي:

په څېړه وهل، چېچل، په غابن کول، په لغته وهل، په دیوال وهل، داغ لګول، سوڅول، د سر د پښتنو ويستله، د یو شي په واسطه ويشتله، د لرګي، کمرېند او تېږي په واسطه وهل، د کور د سامانونو او کالیو خرابول، له کور څخه ويستله، په کور کې بندی کول، شاقه او سختو

نچوره: زمونږ د هېواد په څینو برخوکې ټولنیزې او کورني اړیکې دومره کمزورې دي چې د مخالف شخص د خبرو آور پدلو ته اصلًا وخت نه ورکوي. ټولنیز او کورني چلنډ مو تل په آمانه شکل وي، اکثراً وروستي پربکړي، د کور مشر یا قوي غړي (پلار) کوي او د سرغرونو په صورت کې ستونزې ډېرېږي، چې دا حالت نه یوځۍ داچې د کورنيو د حساسیتونو لامل کېږي، بلکه پېڅله هم د یو ډول تاوتریخوالي بنکارندوينه کوي او هغه

څه چې د تشويش او ډېرې سبب دي، هغه دا دی چې د دغه خطروناکه پدیدې ناوړه ټولنیزې پایلې ډېرې خرابې دي، څکه د ټولنيسي او د ټګرو سلامتیا له جدي ګواښ سره مخامنځ کوي، چې د دغه ناوړه پدیدې د اغیزو د کمولو په موخه پکاره چې د دولت او نورو ټولنیزو سازمانونو له خوا تدبیرونه ونیول شي.

سریزه:

په هغه راپورونو چې د بنځو او ماشومانو له حقوقنو څخه تېږي خرګندوی او د بنځو او ماشومانو څخه د دفاع د سازمانونو لاس ته رسبدلی دی یو څغلنده نظر دا خرګندوی چې، په افغانستان کې د تاوتریخوالي





خخه منع کول، د مذهبی مناسکو د ترسره کولو خخه منع کول، د مذهب او عقیدې په بدلولو او د مذهبی نوو عقايدو په منلو اړیستل.

۵- اقتصادي تاوتریخوالی:

د کور د رئیس له خوا د کورنۍ د تولو عایداتسو او شتمنیو (پیسې، خوارکي توکي او کالي) کنترول، په زور د کورنۍ له غړو خخه د پیسو اخیستل، د نفقې يا د ژوند د نورو ضرورتونو په نه ورکولو سره ګوابنسل، د مالکیت او شتمنی سلب يا کنترولول، په اجباري او شاقه کارونو گمارل.

پایله:

په لنډه توګه ویلی شو چه تاوتریخوالی په ټولنه کې د یو ناسمي بکارندې په توګه، له کورنۍ خخه ټولنې ته له بشري حقوقنو خخه د سرغهونې لاره هواروي. کورنۍ تاوتریخوالی پر ټولنیز جوړست، چې د بشري حقوقنو پر بنسته جوړ شوی بده اغیزه کوي.

په دی اساس د کورنۍ تاوتریخوالی د کچۍ د راتیتولو په موځه، د عامو ګرو تر منځ د نورو مدنۍ ټولنو لکه، رسنیزو، علمي او دولتي مسؤولینو سره په همغږي کې ګټور پروګرامونه او د هغې حل لارې مطرح، او له هغوي سره په مرسته او همباوری کې لازمى خپرونې وکړو.

منابع:

- ۱- اسلام او کورنۍ د افغان د افغانو د کورنۍ د لارښوونی ټولنه
- ۲- مراقبت از اطفال در اسلام د الازهر پوهنتون استادانو کاري ګروپ
- ۳- مبانی تربیت و اخلاق اسلام د کتر علی فایضی، محسن اشتیانی اشارات روحانی قم ۱۳۸۵

او له توان او قدرت خخه پورته کارونو باندي گمارل او دasicي نور.

۲- راوني تاوتریخوالی:

هغه تاوتریخوالی ته ویل کېږي، چې د قرباني شوي کس د سپکاوی، کرکې او وېږي سبب کېږي. په دغه ډول تاوتریخوالی کې د فرد پرتله له نورو سره شامله ده، چې د انسان باور پېڅل نفس باندي له منځه وړي او د فرد ذاتي ارزښت او اراده کمزوری کوي. د روانی تاوتریخوالی ځینې دولونه عبارت دي له: په مرګ سره ګوابنسل، په طلاق سره ګوابنسل، له کوره په ایستلو سره ګوابنسل، په بل واده کولو سره ګوابنسل، د شخصیت سپکاوی، حسادت، په بد نظر کتل، چیغې وهل، له خبرو خخه منع کول او دasicي نور.

۳- ټولنیز تاوتریخوالی:

له کورنۍ او دوستانو سره د لیدلو او اړیکو ممانعت، له ټیلفونی اړیکو او یا قلمي اړیکو خخه منع کول، د خاصې ژبې له زده کړې خخه منع کول، چې د اړیکو په پراختیا او ټینګښت کې اغیزه لري، د تعلیم، درملنې او نورو سمو، موخو لپاره له نورو کسانو سره له لیدلو خخه منع کول، په کورنیو چارو کې د پربکړې کولو د حق خخه بې برخې کول او یا لېر حق لرل له کار خخه بې برخې کول، اجباري واده او یا له قانوني سن خخه مخکې واده کول، له فرد یا خاصو افرادو سره په اړیکو او تپونونو مجبورول.

۴- معنوی تاوتریخوالی:

د فرد یا کورنۍ د فرهنگي، انساني او یا معنوی حقوقو او اړتیاوو په پای که دنه نیولو لپاره له فزيکي یا مالي قدرت خخه ګټه اخیستل د معنوی تاوتریخوالی په ډله کې شامل دي، چې ځینې یې په لاندې توګه دي: له معنوی او ديني ارزښتونو خخه ناوړه ګټه اخیستنه، د ګرو فرهنگي، عقیدتي او ديني سابقې ته سپکاوی، په معنوی، فرهنگي او ديني مراسمو کې له ګډون کول



مبارزه با جرایم از دیدگاه دین اسلام

کافی است وهیچ نیازی به مذهب نیست و اصلاً مذهب تواناثی انجام آن را ندارد.

ب: برخی که اکثریت را تشکیل میدهند اگرچه برای عقل و دست آوردهای علمی و وجودان اخلاقی، احترام قابل اند و به ارزش آنها در قلمرو جلوگیری از جرم معترف اند. به عقیده طرف داران این نظریه، مبانی اعتقادی، احکام تکلیفی فقهی و اصول اخلاقی دینی بهترین عامل بازدارنده از انحراف، گناه کاری و تباہی است.

جرائم شناسان در باره عواملی که از پیش در تشکیل شخصیت تاثیر داده عوامل پس از مطالعات و تحقیقات گستردۀ نهایتاً به تاثیر دو دسته عوامل فردی درونی و عوامل محیطی یا بیرونی اعتقاد دارند. در عوامل فردی ذاتی عوامل و رائشی و روانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اسلام هم به عنوان دین مترقی و آخرین دین آسمانی به نقش و راشت و اهمیت آن در شکل گیری ساختار شخصیتی افراد به دور از اعتقاد به اصالت و یا عدم تاثیرگذاری آن توجه داشته و آن را زمینه بسیاری از سعادت‌ها و شقاوت‌ها معرفی کرده است. در روزگارانی که بشر اطلاعات چندانی از زیست‌شناسی، علم رئیتیک، توارث، چگونگی پیدایش جنین و انتقال خصوصیات والدین به نسل جدید را نداشت معارف و حیانی و رویوی اسلام بالسان آیات و روایات و تعبیر بسیار ساده و روان، اذهان دانشمندان را به سوی موضوعات مهمی در این باره رهنمون ساخت.

مذهب که ریشه در فطرت انسان دارد با توجه به تمام تقسیمات عوامل محیطی، رهمنودهایی ارائه داده است، که اولاً جنبه پیشگیری دارد و ثانیاً اگر کسی به هر دلیل، از وقوع

مقدمه: همه ادیان و مذاهب الهی، انسان‌ها را به درستی، راستی و فلاح و راستکاری دنیوی و اخروی فرا خوانده اند.

به تعبیری شاید بتوان گفت که علت انتخاب پیامبران الهی و نزول وحی و نیز دستورات دینی، نجات انسانها از رذایل اخلاقی و منع آنها از کارهای زشت و نامناسب و تشویق مردم به ایمان و نیکوکاری بوده است. تحقیقات انجام شده در جوامع مذهبی نیز این مطلب را ثابت کرده است که در ایام خاص نظیر ماه مبارک رمضان میزان جرم و جنایت کاهش قابل توجهی دارد که این امر نظریه فوق را مُهر صحه می‌گذارد.

- اسلام عبارت از نظام عام و قانون کامل و شاملی است که تمام زندگی و برنامه‌های سلوکی و عملکرد انسان را دربرداشته و آنرا حضرت محمد(ص) از سوی پروردگارش آورده و مأمور به تبلیغ آن به مردم بوده است و به پیروی ویما مخالفت از آن شواب و عقاب مرتب می‌گردد.

الله (ج) میفرماید: ترجمه: کسیکه غیر از اسلام دین دیگری می‌طلبد هرگز از او قبول نمی‌شود و او در اخرت از زیان کاران است "پس درین آیت شریف، دین متضمن تمام معانی و مفاهیمی است که قبل از کرگردید و مجموع آنها همان اسلام است که حضرت محمد(ص) از سوی پروردگارجهان آورده است. در مورد نقش دین اسلام، تاثیر آن در جلوگیری از جرائم در بین جرم شناسان و غیره حدائق دو دیدگاه وجود دارد:

الف: برخی براین پندارند که عناصر سه گانه عقل، دست آوردهای علمی و وجودان اخلاقی، برای ایجاد نظام عمومی و تعیین حدود و اختیارات افراد و نحو مناسبات آنها و کاهش جرم



او نیست، بلکه با نیل به لذت‌ها و نعمت‌های مادی و دست یافتن به شروت‌ها و مقامات دنیوی که بعضًا عاقب سوء به دنبال دارد و ری آکلوده به گناه می‌کند. سیر و دل زده میشود و همچنان به جستجوی بی‌نهایت می‌رسد تا خواهش نامحدود دخویش را اقناع نماید و به ضمیر نازار خود تسکین بخشد این هدف عالی جز باید الله (ج) که کامل مطلق و واحد تمام کمال است دست یافتنی نیست. در یک جمله جوابگوی مطلق خواهش‌های بشر فقط الله (ج) است.

ب: ایمان به قیامت:

مفهوم از ایمان به عالم آخرت در ادیان خصوصاً اسلام، این نیست که ما فقط به بقای روح بعد از مرگ معتقد باشیم و نظریه فلسفه مادی را که نفی روح مجرد اند نادرست بدانیم، بلکه مقصود باور داشتن روز قیامت و ایمان به شواب و عقاب الهی است باور داشتن روزی که مردم به فرمان حق زنده می‌شنوند و در محکمه عدل الهی حضور بهم میرسانند باور داشتن روزی که پرونده عمل هر کس پیش رویش گشوده می‌شود و مشاهده می‌کند تمام کارهای روا و ناروا و کلیه اعمال کوچک و بزرگی که در طول عمر دنیا بخود انجام داده در آن ثبت شده است مومنی که به روز جزا اعتقاد دارد. در مهار کردن غرایز، اندازه‌گیری تمایلات و اجتناب از جرایم و گناهان از غیر مومن به قیامت به مراتب موفق تر است چرا که وقتی کسی به علم آخرت یقین داشت و خود را در پیشگاه الهی مواخذه و مسئول دید همواره مراقب اعمال خویشتن است و نیازی به مراقبت پولیس و ترس از قوانین جزایی ندارد. پنهان و آشکارش یکسان است همیشه و همه جا حقوق و حدود مردم را برای الله (ج) رعایت می‌کند، پیرامون معصیت نیکردد و به انگیزه دینی، کوشش دارد که از مزr حق و عدالت قدمی فراتر نگذارد.

۲- راهکارهای عبادی:

در برابر اصول دین، فروعاتی قرار دارند که حکم فرضه برآنها جاری است این فروعات اگرچه در برابر اصول اند اما از اهمیتی بالا برخوردار اند به طوری که از ضروریات دین هم شمرده شده اند. فرایضی چون نماز، روزه، زکات، حج، جهاد و امر بالمعروف و نهی از منکر و در نگاه گستردۀ تر، سیر و سلوک و تفکر و تعقل و علم آموزی و فراخونی به علوم، فنون (صنایع دست کم به نحو واجب کفایی) و تشویق روش‌های تجربی،

جرائم جلوگیری نکرد باید به روش‌های درمانی دین اسلام پناه ببرد. مثلاً در بُعد پیشگیری چون خانواده نقش فوق العاده ای در شکل‌گیری شخصیت مجرمانه ایفا می‌کند به گونه‌ای که تحقیقات متعدد ثابت کرده است وقتی فسادی موجب بروز اختلال در عمل طبیعی خانواده نسبت به طفل شود پس از مدتی شاهد بروز جرم خواهیم بود. قابل ذکر است که عامل مزبور می‌توان به دو صورت مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌گیری شخصیت کودک مجرم، تاثیر بگذارد اما در بیشتر موارد نفوذ جرم رائی خانواده به نحوی غیرمستقیم بر کودک اعمال می‌شود، از این رو اسلام نقش خانواده را در به وجود آمدن یا نیامدن انحراف در حالات و مراحل متفاوت بسیار مؤثر دانسته و توصیه‌های پیشگیرانه متعدد و ارزشمندی را به پیروان خود و سایر افراد پیشیت برای بهتر سازی نسل بیان کرده است. چنانکه قبل از هر چیز در باره انتخاب همسر و ویژه‌گی های او و چگونگی تشکیل خانواده سخن گفته است و انسان‌ها را از ارتباط مشروع ولی نامناسب و چه بسا جرم آفرین چه رسد به آمیزش نامشروع و بدون قید و بند، به دلیل مفاسدی که در آن نهفته است. برحذر داشته و در مقابل، آنان را به سنت ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده، تشویق و ترغیب مینماید.

۱- راهکارهای اعتقادی

الف: ایمان به الله (ج)

ب: ایمان به قیامت

الف: ایمان به الله (ج):

مفهوم از ایمان به خدا این نیست که فقط به صورت یک نظریه علمی، همانند فلاسفه الهی، جهانی را مخلوق آفریده گار دان و با اراده بدانیم و به گروه الهیون بپیوندیم و تیوری فلاسفه مادی را باطل و مردود بشناسیم بلکه مقصود باور داشتن به الله (ج) است که مالک واقعی انسانها و جهان است و یگانه معبود شایسته پرستش، الله (ج) که سمیع و بصیر است. گفته های مردم را می‌شنود، کارهای آنها را می‌بیند و به تمام آنچه برآنان می‌گذرد بینا و آگاه است. الله (ج) که برهمه انسانها احاطه کامل دارد و در تمام لحظات، مراقب حرکات و سکنات آنان است و بر کلیه واقعیت‌های آشکار و پنهان شان واقف است. بشر از آن جهت که در اندیشه کمال مطلق است و خواسته‌های بی‌نهایت دارد، مادیات محدود نه تنها پاسخگوی تمنیات نامحدود



گوشت خوک و مشروبات الکولی تحریم شده و استفاده از غذاهایی را که به طور موردنی برای افراد ضرر دارند هر چند مباح باشند ممنوع هستند و از طرف دیگر به پاکی ظاهری و نظافت و طهارت نفسانی چون دوری از گناه و توبه از گناهان دستور داده اند. مجموع این احکام و قوانین بدون تردید در کاهش جرم و جنایات موثر اند.

-۳- راهکارهای اجتماعی:

الف: قوانین تکامل اجتماعی:

در اسلام قوانینی وضع شده که با رعایت آن، زمینه های جرم از بین میروند چنانکه مثلاً در رفع نیازهای مادی قوانینی مربوط به مستمندان، فقر، مساکین و وظیفه متمکنان نسبت به آنان، بیماران، نابیان، از پا افتادگان، زمین گیران، آوارگان، در راه ماندگان، اسیران، مسافران، مهمنان، ایتمام، بچه های سرراحتی، سال خورددگان، مقروضان، خسارة دیده ها، دیه مقتولانی که قاتلان آنها شناخته نشده اند و یا توan پرداخت دیه ندارند، همسایه گان، والدین، اقربا و افراد واجب النفقة از جمله افراد و گروه هایی هستند که قوانین دینی برای هر کدام رهنمود خاصی دارد که اجرای آنها طبعاً در روایتی دیگر از فلسفه روزه سوال شد.

پیشگیری بسیاری از جرم ها نقش اساسی دارد. که در اخیر به این نتیجه میرسیم که اسلام به عنوان دین برترجهت اعتلای بشریت و جلوگیری از آفات و سایرآسیب پذیری های اجتماعی که در کلام پاک بیان شده است. رهنمایی ها، نیکی ها، صلح، محبت.... تسجیل یافته.

و بر عکس دوری از بدی ها و زشتی ها مانند قتل، سرقت، دور غ گویی، زنا، ارتداد، قذف... مسلمانان و غیر مسلمانان را مرتفع میکند و در عین حال از ابانت شروع پیشگیری کرده از جهات فراوان زمینه های جرم را از بین میبرد.

منابع:

۱- قرآن عظیم الشان

۲- داکتر زمان دانش جرم چیست مجرم کیست تهران 1390

۳- داکتر توانانجفی جرم شناسی تهران 1380

۴- پوهنیار محزون محمدی حبی کریم‌نژادی استاد اکادمی پولیس 1389

۵- اینترنت

ایجاد فرهنگ کار و تولید و بینش دادن در مورد رابطه مادیت و معنویت، در کنار معرفی جایگاه انسانی و زیور یافتن انسان ها به کرامت انسانی و شرافت و عزت و قدرت و مقولاتی از این قبیل، طوری در دین جایگزین شده اند که مونم متفقی با انجام این دستورات، عنصری از درون پاک و از بیرون مفید و سازنده و مولبد برای اجتماع بار خواهد آمد، باور و عمل به این آموزه ها نقشی مهم در کاهش جرم و مجرمین دارد. نمونه های زیر پرتوی از این آموزه هاست.

«قم الصلوه ان الصلوه تنهى عن الفحشا و المنكر» (سوره عنکبوت ۴۵)

ترجمه: نماز را بپا دار، به درستی که نماز انسان را از فحشاء و بدی ها باز میدارد.

شخصی به پیامبر (ص) عرض کرد فلاحت روزها نماز میخواند و شب ها به دزدی میرود. (بخاری النوار ج ۸۲ ص ۱۹۸)

حضرت محمد (ص) فرمودند: همان نماز او را از دزدی باز میدارد.

در روایتی دیگر از فلسفه روزه سوال شد.

امام صادق (ع) فرمودند: تا انسان درد تشنگی و گرسنگی را احساس کند و در روزه گرفتن انکسار شهوت است. (میزان الحكمه ج ۵ ص ۴۶۵) میدانیم که دین اسلام کار را به منزله جهاد در راه الله (ج) تلقی کرده و آن را عبادت میداند. آنچا که فرمود: کسی که برای رفع نیازمندی خانساده اش تلاش میکند همانند مجاهد در راه الله (ج) است و بیکاری و تن پروری را شدیداً مورد نکوهش قرار میدهد و می فرماید کسی که باز زندگی اش را بر دوش دیگران می گذارد مورد لعنت قرار میگیرد. تامین نیازهای مختلف کارگران را بر کارفرمایان واجب نموده است.

پیامبر (ص) فرمود: "هر کس که کاری از ما بر عهده دارد و خانه مسکونی ندارد باید برای او خانه تهیه شود و یا اگر زن ندارد باید برای وی زن گرفته شود و یا اگر مرکب ندارد باید برای او مرکب تهیه شود". (جامعه توحیدی ص ۱۳۰) هر مونمی میداند که انجام واجبات و ترک محramات روی مصالحی انجام شده است که کم ترین سود آن دوری از جرایم و آکلودگی هاست. چرا که بعض احکامی هستند که عنوان بهداشت جسم و روح در ماهیت آنها قطعی است مأکولات و مشروبات مضر و بیماری زا ز قبیل



پوهیالی سمونمل عبدالولی ناصری

سه اصل زرین پولیس

یا وظایف عملیاتی بزرگ و فوق العاده) قاعدة «سنجهش مشروعیت اقدام» یعنی قانونی بودن، متناسب بودن و ضروری بودن را جداً رعایت نماید، تا دستاورد آن مفید و مثبت باشد.

در مورد هریک از این اصول به طور مختصر روشنی انداخته می‌شود:

الف-قانونی بودن:

آنچه که بیشتر از هر امر دیگر برای پولیس لازمی و حتمی است، فهم و آگاهی از احکام قوانین است. بناءً هر پولیس باید از قوانین نافذة کشور بخصوص آن عده قوانینی که به وظایف پولیس ارتباط مستقیم داشته باشد، آگاهی کامل داشته و احکام آنها را

محترم شمارد، زیرا که در ماده (۵۶) قانون اساسی کشور حکم شده است که:

«پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه و جیبیّه تمام مردم افغانستان است. بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی‌شود.»

بنابراین منسوبین پولیس تلاش نمایند تا تمامی اقدامات و اجرآت‌شان در چوکات قوانین نافذة کشور بوده و از رفتارهای غیرقانونی که مسؤولیت در مقابل داشته و باعث بدنامی خود شخص و مسلک مقدس پولیس می‌گردد،



مقدمه:

برای اینکه پولیس وظایف محوله اش را به وجه احسن انجام دهد و اهداف وظیفوی آن برآورده شده و در نتیجه مسؤول شناخته نشود، باید به اجرآت و اقداماتی بپردازد که شرعاً و قانوناً مجاز و روابوده و شامل صلاحیت‌ها و مکلفیت‌های وظیفوی اش باشد؛ در غیرآن مشروعیت نخواهد داشت. چنانچه در این رابطه در ماده دوم قانون

پولیس آمده است که:

«اقدام پولیس به منظور تأمین نظم و امن عامه در احوالی مشروع پنداشته می‌شود که شرایط آتی در آن تکمیل شده باشد:

- ۱- قانونی باشد.
- ۲- متناسب به حالت خطر باشد.
- ۳- ضروری باشد.»

سه اصل مذکوره برای پولیس بی نهایت مهم بوده که به نام «سه اصل زرین پولیس» و یا «سه ستاره پولیس» معروف است که میتوان آنها را «چراغ هدایت و راهنمای پولیس» نیز نامید. زیرا که پولیس اجرآت خود را در پرتو این اصول عیار نموده و به پیش می‌برد.

متن:
لازمی و ضروری پنداشته می‌شود تا پولیس در تمامی اقدامات و اجرآتش (چه وظایف عادی و روزمره باشد،



کرده است، باید از آن بطور متناسب، معقول، مؤثر و غیر جانبدارانه استفاده نماید تا از یکطرف اهداف وظیفی بذست آید و از طرف دیگر مسؤول و ملامت قرار نگیرد. منسوین پولیس تصامیم و قرار خویش را با درنظرداشت اصل «عدالت»، پس از محاکمه وضعیت و مد نظر داشتن کلیه احوال ضروری اتخاذ می نماید. باید به خاطر داشت که در بس امور و در حالات معین، سخن به جا و اقدام معقول، بیشتر از اقدامات مجرمانه مناسب خواهد بود و مؤثر تمام خواهد شد. یعنی با وجود اینکه منسوب پولیس صلاحیت قانونی و وظیفی یک اقدام را دارد، اما از این صلاحیت هیچگاه استفاده غیرمعقول و نامناسب خواهد کرد. طور مثال کسی از مجبوریت دست به سرقت چند پاکت دوا می زند، با وجود اینکه منسوب پولیس میتواند او را دستگیر کرده و به تعقیب عدی بسپارد، اما نظر به اساس مشاهده وضعیت اقتصادی یا مجبوریت شخص، از دستگیری وی اباء ورزیده و به او نصیحت می کند که: «من مشکلات ترا درک می کنم، ولی در آینده نباید به سرقت دست بزنی». این کلمات ممکن سبب شود که او در آینده هرگز به سرقت دست نزند.

موضوع دیگری که ارتباط می گیرد به «استفاده مناسب از صلاحیت» این است که پولیس نمی تواند برعلاوه وظیفة اصلی و رسمی اش به شغل و اموری بپردازد که کسب مفاد شخصی اش مطرح بوده، اما باعث مانع وظیفة رسمی اش گردیده وبا به حیثیت و وقار مسلک مقدسش صدمه وارد کند. اما میتواند که بعد از ختم اوقات رسمی به انجام امور علمی، تحقیقی، هنری، فرهنگی و ادبی بپردازد.

همین طور یک پولیس نباید از صلاحیت وظیفی در اجرای امور شخصی استفاده نماید و یا اینکه از اسلحه، تجهیزات، وسائل و وسایط دولتی که جهت اجرای وظایف و امور رسمی داده شده اند، استفاده سوء و ناجایز نماید. چنانچه ماده سی و یکم قانون پولیس نافذ سال (1388) چنین حکم شده است:

جداً اجتناب نمایند.

ب- متناسب بودن:

پولیس در حین اقدامات و اجرآت قانونی اش باید مسئله مناسب معقول را مد نظر داشته باشد. به طور مثال: اگر طفلی به علت گرسنگی یک قرص نان را از نانوایی سرقت نموده و فرار نماید، تناسب نخواهد داشت که پولیس او را تعقیب نموده و بعد از گرفتاری تحت ناظارت قرار داده و به تعقیب عدی بسپارد و یا بالایش ذریعه سلاح ناریه فیر نموده، او را شدیداً مجروح کرده و یا به قتل برساند. بلکه متناسب این خواهد بود که علت سرقت نان را از او پرسیده، مشکلش را در نظر گرفته، او را نصیحت کند تا در آینده سرقت نکند و نیز درصورت امکان در قسمت رفع مشکل اقتصادی اش او را کمک و راهنمائی نماید.

یا اینکه اگر گروهی از سارقان وارد بانک شده و پول هنگفتی را سرقت کنند، متناسب نخواهد بود که پهله داران و محافظین بانک از خود عکس العمل نشان نداده و از اسلحه دست داشته شان به منظور جلوگیری از سرقت پول های بانک و گرفتاری سارقین استفاده لازم و مؤثر ننمایند.

هکذا در سایر وظایف، مخصوصاً در وظایف عملیاتی حین استخدام قوه ابتداء آمر عملیاتی پولیس، همه جانبه محاکمه وضعیت نموده و متناسب با اوضاع جوی، اراضی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی منطقه مورد نظر، تعداد، ترکیب، اسلحه، تجهیزات، کرکتر، مورال و سایر خصوصیات اخلاق لگران، قواه عملیاتی، اسلحه، تجهیزات، وسایط و سایر ضروریات خود را تثیت، اكمال و آماده نموده و در زمان مناسب غرض بدست آوردن هدف معین به کار بیندازد. در غیر آن هرگاه متناسب در اجرآت، اقدامات و عملکرد های وظیفی پولیس در نظر گرفته نشود، در حصول اهداف مورد نظر مؤقتی به دست نیامده، بلکه نتیجه آن منفي و به ضرر پولیس خواهد بود.

۱- استفاده مناسب از صلاحیت:

صلاحیت قانونی را که پولیس جهت انجام وظیفه کسب



نیرو داده شود. وسایل محافظه‌ی باید در دسترس باشد تا ضرورت استفاده از نیرو را محدود سازد و حتی الامکان از استفاده آن جلوگیری گردد؛ که این کار آسیب رسیدن به افرادی را که دخیل مسأله نیستند، تقلیل می‌بخشد. جهت پرآگنده ساختن ازدحام استفاده از اسلحه مناسب تلقی نمی‌گردد و تحت هیچ شرایطی یک منسوب پولیس نباید در برابر یک ازدحام (اجتماعات، اعتراضات و مظاهرات) از اسلحه ناریه و مواد منفجره استفاده نماید.

ج - ضروری بودن:

پولیس باید به اقداماتی پردازد که جداً به آن ضرورت احساس گردد. در غیرآن نباید وقت گرانبهای خود و دیگران را بی موجب ضایع نماید. به طور مثال یک عملیات پولیسی به منظور به دست آوردن یک هدف معین و مشخص سازماندهی و راه اندازی گردیده است. عملیات مذکور تا وقتی ادامه می‌یابد که هدف مورد نظر به دست بیاید. وقتی که هدف به دست آمد و مقصد برآورده شد، عملیات ختم گردیده و ضرورت به ادامه آن نخواهد بود.

یا اینکه انسداد یک جاده از نظر امنیتی و انحراف یک مسیر از نظر ترافیکی وقتی صورت گیرد که بنابر موضوع و علتی ضرورت باشد، در غیر آن نباید بی موجب به این کار اقدام نمود و باعث سرگردانی و تکلیف مردم شد.

ماخذ:

- قانون اساسی (۱۳۸۲).

- قانون پولیس (۱۳۸۸).

- کتاب حقوق بشر و جندر، پوهنده‌ی فضل الرحمن (ایوبی).

- کتاب تکنیک پولیس، پوهنوال عبدالغنى ناصری.

- اصول استفاده از نیرو و اسلحه.

(۱) پولیس نمی‌تواند حین تصدی وظیفه به شغل دیگری که مانع وظیفه اش گردد، مبادرت ورزد.

(۲) پولیس نمی‌تواند از صلاحیت وظیفوی در اجرای امور شخصی استفاده نماید.

(۳) پولیس نمی‌تواند از وسایل، وسایط و تجهیزات غیر از امور رسمی وظیفوی استفاده نماید.

۲- استفاده مناسب از نیرو:

منسوبيین پولیس صلاحیت دارند که از نیرو جهت اجرای وظایف و رسیدن به هدف قانونی خویش استفاده نمایند. در قسمت استفاده از اسلحه باید احکام قانون را در نظر گرفته و از معیارهای عالی دسپلین و مسلکی اطاعت نمایند. استفاده از سلاح بر حقوق اساسی بشری چون حق زنده گی، حق آزادی و حق امنیت افراد تاثیر می‌کند (اعلامیه ملل

متعدد در مورد حقوق بشر،

ماده (۷) میثاق بین المللی در مورد حقوق مدنی و سیاسی).

منسوبيین پولیس باید مطابق به قانون از سلاح و نیرو استفاده نمایند. منسوبيین پولیس در موقعی که می‌توانند از زور و نیروی فزیکی کار بگیرند، باید از سلاح استفاده نمایند و تا جائی که امکان دارد سعی

نمایند که از زخمی کردن افراد جلوگیری نموده و هم توجه جدی شان را برای حفاظت افرادی که در درگیری ها دخیل نیستند، معطوف نمایند. در صورت استفاده از نیرو، منسوبيین پولیس باید کاملاً متوجه اعمال مسؤولانه خویش باشند. در صورتی که استفاده از زور و نیروی پولیس، منتج به مرگ یا زخمی شدن افراد می‌گردد، در مورد راپور تهیه نمایند. مسؤولیت استفاده غیرقانونی از نیرو را نه تنها افراد تحت اثر، بلکه آمرین مربوطه شان هم دارند. (اصول استفاده از نیرو و اسلحه - شماره ۲۴).

منسوبيین پولیس در استفاده از نیرو در محضر عام، باید اصول و قوانین را در نظر داشته باشند. اولویت باید به جلوگیری از خشونت و اجازه گفتگو قبل از استفاده از





۵ زلزلې په وړاندې ۵ کورنیو اړیشې ګډنې

مړه کېږي او هغه کور یې نړۍږي چې کلونه کلونه پکې او سیدلې وي. نو طبیعی خبره ده چې په دغسې حالتونو کې به د یو سخت روانی او ذهنی لاس گربواني سره مخ وی د داسې اشخاصو څینې نښی نښانی داسې وي: - بې حالی: په دې حالت کې زلزله خپلو کسانو ته زړه بدې، کانګې، نس ناستې، سردردي، بې هوبنې او داسې نوری ستونزې پیداکېږي.

- فکري ګډوډي: دا حالت اندیښنې، خپگان او د حافظې ګډوډي او اختلال له خانه سره لري.

- احساساتي کيدل: په دې حالت کې زلزله خپلي شخص ته غمنجني، بې حوصلګي، د زلزلې په وړاندې د حدنه زیات حساسیت، ویره او په وړه خبره زیاته غصه ورځي.

- په تولیز سلوک کې ګډوډي: له نورو سره د مرستې او همکاري روحيه له منځه خي. د پورتنیو نښونښانو او روانی غږګوننو یادونه، مور سره دا مرسته کوي خو پوه شو چې د سختې زلزلې نه وروسته، هم له خانه او هم له نورو خخه دا دول تمه کیدای شي که ستاسو د کورنې په کوم غږي کې دا دول نښې نښانې ویدل شي، خپل خپلوان، دوستان او ګاونډیان یې باید په بیوه مرستې ته وړ ودانګي. د لوړنیو مرستو ترڅنګ هفوی ته ډاډ ورکړي، صبر او زغم ته یې راوېولې، یواحیتوب ته یې مه پریږدې او تر یو حده هڅه وکړي چې هغه

سریزه: جیولوژیکې خیرنو بشودلی ده زموره هېواد د ځمکې د ملا هتی (کمرېند) په نامه یادېږي چې د پرتگال نه پیل کېږي او د مدیترانې له حوزې، تورې بحیرې، ترکې، ایران، افغانستان او هماليآ خخه تیرېږي او بالاخره تر اندونیزیا پورې رسیږي.
په دغه سیمو کې د تاریخ په اوږدو کې دیرې زیاتې زلزلې راغلي دی، چې د زرگونو انسانانو د مرګ او ژوبلې سبب شوی دی. څینې زلزلې وړې، خو څینې دیرې سختې او ویجاروونکي وي، چې په پایله کې د زرگونو انسانانو د مرینې سره سره، بې شمیره کورونه نړولې، د اوږو د نلونو، بریښنا، ګاز، د اورګاډو د پېتیلو شبکې ویجارې، سړکونه بند شوی، ترانسپورت په تپه درېدلې دی. د دغسې اضطراري حالتونو په وړاندې هره کورنې باید مخکې له مخکې څینې تیاری او چمتووالې ولري. هغه که د زده کړې په منظور د څینې فزیکي او عملی تمرینونه وي او که د خواراکې توکو او اوږو زیرمه کولوله پلوه وي. د زلزلو د خطرونو د را کمولو لپاره په نړيواله کچه، پوهانو یو لپه سپارښتې کړي، چې یادونه یې دلته اړیشه ګنو:

۱- ڏهني چمتووالې او چتک غږگون:

ویجار ونکې زلزله سخته غمیزه وي، زلزله خپلي شخص ګوري چې تر مخه یې خپل خپلوان او دوستان



غرو په گله ناسته او جلسه کي ترسره شي. كله چې تاسو په کورني جلسه کي کښيني او په اضطراري پیښو کي د خپلې کورني لپاره د خونديتوب کړنلاره جوروې، نو دا هم په پام کي ونيسي چې د زلزلې خخه وروسته کيدايم شي تاسوله لاندنسيو درپو حالتونو سره مخامنځ شي :

الف: کيدايم شي ستاسو د استوګني ودانۍ لږه خرابه شوي وي، یواخې خينې بشپړي ماتې وي یا یواخې د دیوالونو پلسترونې يې را لویدلې وي، خونوره د اوسيدنې وړ ده. په دې حالت کي به خه کوي؟ ب: ستاسو د استوګني ودانۍ کيدايم شي لږه خه پنګه شوې وي، خو په اوښې وخت کي د اوسيدو لپاره مناسبه نه ده، نو خه باید وشي؟ آيا په خپله باغچه يادکور په خواکي میداني کې خيمه ودرول شي یا د کوم خپل خپلوان کره لار شوي؟

ج: که ستاسو کور په بشپړه توګه پنګ شوي وي، بل

خای ته باید کله وکړي، نو چيرته باید لار شي؟ د کورني د تولو غرو په گله ناسته او جلسه کي، پورتنيو درپو وارو حالتونو لپاره باید مناسب څوابونه وموندل شي. د کورني هرغري پايد ډاډه کړاي شي چې د زلزلې په وخت کي وارخطا نه شي او د خپلې ورسپارل شوي دندې له مخي غږگون وښائي. په کار دي خپلو هغو اولادونو ته هم چې نوي څوانۍ ته رسیدلې وي، د پیښو په وړاندې د مبارزي لاري چاري په ګوته کړي. په زلزلې کي د کورني هرغري پايد خپله دنده وپیژني او په تولیزه توګه د کورني تول غري د یو تیم یا ګروپ

بوخت وساتي. دې دول ناروغانو ته زمور لارښونه د اده چې عادي حالت ته د راګرخیدو لپاره به بنه وي چې هره ورڅ فزيکي تمرینونه، ورزش، بنه خواره او پوره خوب وکړي.

د سختې زلزلې ته وروسته بله غټه ستونزه دا د چې خینې واړه ماشومان هم د سخت ناوړه روانې حالت سره مخامنځ کېږي. په دغسېي حالتونو کې کيدايم شي هغوي له تاسونه هردوول پونستې وکړي چې زلزله خه شي دې او یا ولې منځ ته رائحي؟ بنه به وي چې د هغوي هرې پونستې ته په ساده او مهربانه ژبه څواب ووایي او بې اړښته يې ونه ګڼي، که هغوي پوه شي چې زلزله خه شي ده او خنګه منځ ته رائحي، کيدايم شي ډير هغه پت او مرموز خیالونه چې تر او سه یې د هغوي ذهن نا آرامه کړي دي، له منځه لار شي. هغوي خپلې خوبنې ته پرېردې چې هرې خواته آزاد وګرځي او لوې وکړي. هغوي وهمخوي (تشویق کړي) چې د زلزلې

په وخت کي خپلې تجربې او احساسات تاسو ته په خپله ژبه ووایي. کيدايم شي چې د خپلې د هغوي سره ویره او دار له حدنه زیيات وي. هغوي یواخې مه پرېردې، بنه به وي د درملنې لپاره يې کوم روانې داکتر ته بوڅي.

۲ - کورني غونډه:

دلزلې په وړاندې د مبارزي او د خطرونو د کچې راتېټولو لپاره یوه بنه او بریالې لاره د کورني د غرو ترمنځ پوهاوی او د راتلونکو زلزلو لپاره د یوې ګډې کړنلارې جو پېښه دا کړنلاره باید د کورني د تولو





نمري هم د نقشى په خواكى ولىكى. د هغه خپل خپلوان يا دوستانو د تيلفونونو نمري هم د نقشى په خواكى ولىكى چى په بل بشار كى اوسييرى او ستاسود كورنى د غرو د ارييکو د تينگولو لپاره يوه وسيلي كيداي شي. بنه به وي د كورنى تول غوري د هغه شخص د تيلفون نمره په يادو هم زده كپرى.

د اپتىا ور توکو زيرمه كول: د سختى او ويجارونكى زلزلې نه وروسته د ژونديو كسانو د ژوندد دوام لپاره په لو مرپى پراو كى خوراكي توکو او اوبيو ته تر هر خە زياته اپتىا ليدل كپرى. نو بنه به وي چى داشيان مخكى له مخكى په كور كى زيرمه شي، خود دى شيانو ترخنگ يوشە نور شيان هم شته چى زيرمه كول يى اپين دي: يوم، كلند، اورلگىد، قلم، كاغذ، خيمه، كم له كمە شپير گزه پلاستيك، د خپل ماشومانو لپاره خۇ جورە جامي، ورە لاسي راديو، د بطيرو سره اپين سندونه او د خپلوانو د تيلفونو نمري، د خپل ماشومانو لپاره خۇ جورە جامي، او كاشوغى، چاره، لاسي خراغ، شمع، د اپتىا ور داروگان لكه: تينچر، الكول، سپين مالوج، د پانسمان (بنداز) توتە، كه په كور كى دزىره او شكرى ناروغان وي، د هنۇ لپاره دزىره او شكرى تابليتونه اپين دي. زيرمه شوي شيان كه په او سپينزو خادرى بكسونو كى كيسنودل شي، بنه به وي. بكسونه د كور په داسپى برخە كى كيسنودل شوي وي، كه خدادى مە كره كور مونپيرى، نو هغه يو خە خوندى وي او تاسو ورنە په آسانى گئە واحىستلى شي. د دى شيانو د خە بىلە كولو لپاره د خپل كور د حالتونو سره سە گام پورتە كپرى.

٣- ٥ خوراكي توکو زيرمه كول:

په ياد ولرى چى د خوراكي توکو د زيرمه كولو لپاره په كور كى تر تولو بنه خائى هغه دى چى وچ، يخ او تيا رە وي. په آپارتىمانى كورونو كى د دغسىپ يو خائى پيدا كول يوشە ناشونى وي، نو په كار دى لە خپل نوبت او ابتكار خە گتە واحىلى. تول زيرمه شوي توکى په يو

په خير عمل وکپرى. د كورنى د خوندىتوب د نقشى له مخى بايد وخت په وخت نظرى او عملى تمرینونه هم ترسره شي. خوتاكلى موخى په بشپەر توگه روبانه او په اضطراري حالتونو كى هر خوك خپلە دنده په عملى توگه وپىزنى.

د- د كورنى د خوندىتوب نقشه: د كورنى غوندپى په لومپنى ناسته كى كه تاسو پورتنيو پىپتو تە مناسب خوابونه موندلپى وي، نوبىا مو تصويب شوى كېنلارە داومنه ده. اوس كولاي شى د همدى كېنلارى لە مخى د كورنى د خوندىتوب نقشه هم جوپە كپرى او هغه بىا د كاغذ پر مخ رسم او په داسپى خائى كى سرېبن كپرى، چى په اضطراري حالتونو كى د كورنى تول غوري، گاوندپىان او ياد هغه خپل خپلوان چى ستاسو سره تگ راتگ لرى، په آسانى ورخخە گتە واحىلى.

د كورنى د خوندىتوب په نقشه كى لاندى تکو تە پاملنە وکپرى:

١- په نقشه كى بايد د كور خە د تىپتى او وتلو لارى پە غتى او روبانه كربنسو ياخشو بنسودل شوي وي.

٢- د بريسبنا گاز او د اوبيو د نلونو د بندولو خايونه پە روبانه رنگ پە نبە شوي وي. خود اپتىا پە وخت كى په آسانى پيدا كپرى شي.

٣- په اضطراري حالتونو كى د كور او كوتى خە د وتلو اصللى دروازى خە پرتە دويىمە او دريمە لارە هم بايد پە نبە شوي وي.

٤- په نقشه كى د خوراكي توکو، د اوبيو د زيرمو، د اور وزنى د بالونونو، د لومپنىو مرسىو خائى او موقعىت هم بايد بنسودل شوي وي.

٥- د زلزلې پە وخت كى د كور تر تولو خوندى موقعىت ياخائى په نقشه كى هم بايد پە گوتە كپرى وي.

٦- په خپل كور كى خطر لرونكى خائى هم په نقشه كى وبايى.

٧- د خپلى كورنى د غرو د كار او وظيفى، د تيلفونونو



ستاسې د ژوندي پاتې کيدو سره پوره مرسته کولاي شي. د کورني د یوتن لپاره په ورڅ کې کم له کمه (۲) لیتره او حد اکثر (۴) لیتره او به اړینې دي. البته دا اندازه ثابته نه ده، د هوا په اقلیم سره، انسانی جسامت او فزيکي فعالیت پوري هم اړه لري.

د اوبو چنیوں: که په بnar کي له زلزلې خخه وروسته او به ککړې وي او یا هم په تلونو کې هیڅ او به نه وي، تاسو کولاي شی په خپلو شا او خواکې د طبیعی روانو يا دنبله او بو خخه په بېړنیو وختونو کې کار واحلى، خو شرط يې دا دی چې هغه لوړۍ پنې پاکې کړي. خکه دېږي خطرناکې ناروغۍ له او بونه پیدا کړي. نو بنه به وي چې په دې اړه له پوره پام او خیرکې نه کار واحلى. که چېږي او به خړي وي، تاسو کولاي شی هغه د یوې پاکې ټوټې نه تیرې کړي، که چېږي ټوټه نری او نازکه وي، دا کار دوه، درې ځلې تکرار کړي، خو خړتیا يې د ټوټې پرمخ پاتې او او به رنې شي. بيا به هغه او به د لسو دقیقو لپاره جوش يا وختیو. که د سوند لرګيو ستونزه نه وي، تاسو کولاي

شی او به تل د لسو دقیقو لپاره جوش کړي، خو که دا ستونزنه وي او تاسو په داسې خای کې اوسييرې چې د سمندر له سطحي خخه يې مطلقه ارتفاع لوړه نه وي نو بيا کولاي شی او به د پنځو دقیقو لپاره جوش کړي. د دې ډول تیارو شوو او بو خخه کولاي شی یواحې دوه شې او ورڅې یعنی (۴۸) ساعتونو لپاره ګټه واحلى. وروسته بيا د اوبو په خوند او رنګ کې بدلون راخې.

سرچينه:

د زلزلې له خترونو به خنګه ساتو؟ د انځير مير زهير له پېلاپېلو یکل شوو آثارو او انټرنټي منابعو خخه.



خای کې مه کېردي، خکه کيدا شی د زلزلې نه د را پیدا شوي ويجاپيو وروسته بې لاس ته راپونه ناشونې وي. نو بنه به وي چې په دو هایونو کې کېښو دل شي. پام مو وي چې خینې خوراکې شیان که ډير سره نړدې یا ګډ کېښو دل شي، کېدا شی زهری شي، بنه به وي په یو مناسب واتن کې کېښو دل شي. که غواړی د زیارات وخت لپاره خوراکې توکې زیرمه کړي، نو لاندې لارښونو ته پاملزنه وکړي:

۱- د شونتیا په صورت کې بنه به وي د کنسرو په بنه خوراکې توکې زیرمه کړي. خوله بدنه مرغه زمور په هیواد کې دا شونتیا لړه ده.

۲- که وچ حبوبات لکه لوبيا، دال، نخود، ... زيرمه کوئ بنه به وي هغه لوړۍ پنه پاک و مینځي او د

وچیدو وروسته بې په داسې پلاستيکي کڅوډه کې خای په خای کړي چې خيرې او سورې نه وي. خوله يې کلکې وټري چې د هوانم د ور ننټو مخه يې ونیو شی، بيا همدا کڅوري د یوې اونې لپاره په یخچال کې د سانټګراد (۱۸) درجو لاندې کېردي. د یوې اونې وروسته بې راویاسي او په هغو خایونو کې يې زيرمه کړي چې تاسو ته مناسب بشکاري. که کڅوري سوري نه وي، کولاي شی هغه تر ډېره وخته پوري وساتې. زمور په هیواد کې زیارات خلک یخچال نلري، هڅه دې وکړي له خپلو ګلیوالې تجربو خخه ګټه واحلى.

۴- د اوبو زيرمه کول:

که په بnarونو کې اوسييرې، کيدا شی د زلزلې په وخت ستاسو د کوروونو نلونه او بمې ماتې شی او په کوم خای کې او به داسې ککړې شی چې بيا د خپلو وړ نه وي. له دې امله به بنه وي چې تل په خپل کور کې د اوبو زيرمه ولري او دا کار په سختو شیبو کې



مودوی بی اسٹراتئیزی پولیسی ملی کشور

پوهیالی سمونمل عبدالطیف (عارفی) نجوابی

در دوران زندگی اش کارایی داشت، امروز نیز با شرایط جهان قابل قبول و دارای معنی می باشد. به عباره دیگر استراتئی چنین تعریف شده است: استراتئی عبارت از مجموعه کلی سیاست و اهداف معین و مشخص یک دولت برای تحقق بخشیدن یک هدف مشخص می باشد به طور مثال:

۱. استراتئی انکشاف ملی افغانستان
استراتئی امنیت داخلی افغانستان
استراتئی پولیس ملی افغانستان
- استراتئی انکشاف ملی افغانستان عبارت از توسعه رشد انکشاف اقتصادی، فرهنگی، تحکیم روابط سیاسی و تجاری میباشد. در شد و انکشاف اقتصادی ما میتوانیم از چند نمونه نام بگیریم، مانند اکمال پروژه بند برق سلما، بند آب گردان شاه و عروس، اعمار بند کجکی، عرضه خدمات برق آبی یک کیلوواته در فرآن و محلات می باشند. همچنان نوسازی سرک ها در قراء و قصبات، اعمار پل و پلچک ها، حفرچاه ها و توزیع آب آشامیدنی، توزیع صندوق های زنبور عسل، ایجاد فارم های مرغ داری از طریق همبستگی ملی و یا میثاق شهروندی کار صورت گرفت. تطبیق پروژه تاپی و انتقال برق کاسا یک هزار میگاوات، همچنان ده ها کارهای عام المنفعه دیگر در دستور کار حکومت داری خوب در افغانستان می باشد، در رشد فرهنگی

مقدمه:

پولیس ملی افغانستان مراحل مختلف بازسازی و اصلاحات را در عرصه های انکشاف از لحاظ کمی و کیفی پیموده و با گذشت هر روز این پروسه سیر تکامل خود را مؤلفانه می پیماید و باورمندی مردم را در حال کسب نمودن است، تا بتواند مؤقتیت های هرچه بیشتر را با داشتن همکاری های مردم در اجرای وظایف امنیتی و تأمین امن و نظم عامه بدست بیاورد، که بدست آوردن این مؤقتیت ها وابسته به تطبیق پالیسی های تدوین شده می باشد. وزارت امور داخله پولیس را با روحیه عالی دفاع از وطن، تأمین امنیت، جلوگیری از جرایم، تنفيذ قانون و احترام به حقوق بشر تربیه نماید. باور مندی ما بر آنست که پولیس مردمی صادق، بیطرف، خدمتگار و مورد اعتماد مردم و جامعه خواهد بود.

تعريف استراتئی: استراتئی عبارت از برنامه جامع، واحد، کامل و سازگار است که مبنی آن نیل به اهداف تعیین میگردد. ریشه و اثر استراتئی از زبان یونانی بوده که معنی فرماندهی یا راهبرد تعییر شده است. اولین متفکر بزرگی که به اندیشه استراتئی شکل داد "سن تسو" بود که در سالهای (400 تا 320) قبل از میلاد مسیح بود که اولین رساله اش را تحت عنوان "هنر جنگ" به رشته تحریر در آورد. اکثر آیده های او که همان قدر



علیه سایر جرایم مربوط به استراتیژی وزارت امور داخله میباشد. برای تطبیق وظایف فوق قوماندانی عمومی آکادمی پولیس و مرکز تربیوی پولیس ایجاد شده که افسران، ساتنمنان و سربازان آموزش دیده را به جامعه تقديم مینماید. و تاکنون نتیجه خوبی بیارآورده چون از سرحدات و تمامیت ارضی قاطعانه دفاع مینمایند، سرمیدهند و سنگریه دشمن نمیدهند. تا رمق حیات دفاع مینمایند و به فریب و وعده های چرب دشمن تسلیم نشده اند، در تأمین امنیت شب و روز تلاش مینمایند، مج—رمین را گرفتار و به چنگال قانون می سپارند زیرا که تأمین امنیت وظیفه شان می باشد.

موضوعاتی کی در این مقاله به رشتہ تحریر آمده، راجع به استراتیژی بوده اما گروپ های کاریکه در تدوین استراتیژی پولیس ملی کار میکنند متشکل از سه گروپ کاری میباشد:

- گروپ کاری داخلی معینیت پالیسی و استراتیژی - گروپ کاری از معینیت ها و ریاست های مستقل وزارت امور داخله

- گروپ کاری همکاران جامعه جهانی دیدگاه ده ساله جدید وزارت امور داخله از سال ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۲ تدوین گردیده که شامل موضوعات ذیل میباشد:

از نمونه های نام میریم مانند رشد انکشاف مسلکی سازی خبرنگاران و ایجاد تلویزیون ها و رادیو های محلی که تمام ساحات افغانستان را تحت پوشش قرار داده و به اسرع وقت اوضاع خبری مملکت طور بصیری ویا سمعی به اطلاع مردم رسانده می شود. در تحکیم روابط سیاسی، پشتیبانی جامعه جهانی در راس ایالات متحده امریکا را با خود داریم، روابط تجاری و دیپلماتیک با کشورهای همسایه و سایر کشورها نیز برقرار است.

- استراتیژی امنیت داخلی افغانستان عبارت از حفظ سرحدات، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی، تامین امنیت میباشد. ازینکه افغانستان درگیر جنگ اعلام ناشه می باشد، که در داخل مملکت علیه ما

از جانب کشورهای ذیدخل تحمیل شده، که ما افغان ها عملأً به آن درگیر می باشیم که این پیامدهای شوم ناشی از بیسواندی مردم مان می باشد، که مورد استعمال اجنبی ها قرار گرفته اند که کشتار، نابودی، درد و رنج و عقب مانی را مالمی کنیم امالذت را ممالک ذیدخل و مافیای می برند.

- استراتیژی پولیس ملی عبارت از سندی است که اهداف دراز مدت را مشخص واولویت های استراتیژیک را معین می سازد. تأمین امنیت، حفظ امن و نظم عامه، تنفيذ قانون، جلوگیری جرایم، مبارزه





توانایی قدمه ها در تثیت نیازمندی ها در مطابقت به پلان اجرایی‌سی، نبودن گروپ های کاری در سطح مدیران برنامه ها، در خواست نیازمندی ها بدون اولویت بندی،.....

نتیجه گیری:

از شرح و چگونگی موضوع چنین بر می آید که استراتیژی قبل از اهداف نظامی مورد کار برداشته بود در اصطلاح اردو انتقال نیروها به عقب جبهه جنگ قبل از درگیر شدن با دشمن استراتیژی نامیده می شد. حینکه نیرو ها، درگیر جنگ می شدند این دیگر یک تکنیک بود. کارل فون کلان وینز یکی از استراتیژیست های جهان بود گفته است که امروز علاوه بر فرمانده هان نظامی و سیاستمداران، دست اندکاران امور تجارت، اقتصاد دانان، کارفرمایان، در عرصه صنعت نیز دارای استراتیژی هستند. حتی افراد عادی در زندگی روزانه خود از استراتیژی های مختلف همچو کاهش هزینه، کاهش وزن وغیره سخن میگویند.

مأخذ:

معینت استراتیژی و پالسی - دایرکتیف رهنمود برنامه سازی 1396-1396 ه.ش
جان ام کالینز- ترجمه کورش بایندر - کتاب استراتیژی بزرگ 1388 ه.ش
سازمان انکشافی بین المللی 1392-1392 ه.ش

تا ده سال آینده پولیس ملی افغانستان یک نهاد واحد، مدنی، مسلکی، توانمند، صادق، بیطرف، خدمتگار و مورد اعتماد مردم و جامعه خواهد بود در مطابقت به نیاز مندی های مردم افغانستان در صنوف مختلف ساختار تشکیلاتی ایفای وظیفه نموده و با استفاده از شیوه ها، پولیس مدنی خدمات مورد نیاز را به مردم افغانستان عرضه نموده و اعتماد آنها را کسب مینماید. وه گذا اهداف استراتیژی وزارت امور داخله عبارت از تقویت نظم و امن عامه و کاهش فعالیت سورشیان، تنفيذ حاکمیت قانون، کاهش جرایم مبارزه با مواد مخدوش و فساد اداری، تقویت سیستم مدیریت، انکشاف مسلکی سازی، عرضه خدمات با کیفیت امنیتی برای مردم و تقویت اعتماد مردم به پولیس، بهبود کیفیت و مؤثثیت زیربنای ها می باشد. بناءً وزارت امور داخله به یک سلسله چالش های خارجی برنامه سازی نیز مواجه می باشد. مانند: محدودیت منابع یعنی ضروریات وزارت امور داخله کاملاً به دسترس قرار ندارد به وقت و زمان در اختیار وزارت داخله قرار نمیگیرد. بناءً وزارت امور داخله نمیتواند که پلان های کاری خویش را به وقت و زمانش تطبیق کند، همچنان عدم هماهنگی پلان ها از جانب دونرها است، مشکلات در تعديل جدول حسابات در مطابقت با پلان مالی منظور شده، تاخیر در تصویب بودیجه از جانب پارلمان، عدم وصول به هنگام رسیدن بودیجه منظور شده از جانب وزارت مالیه به وزارت امور داخله می باشد، همان طوری که در بالا از چالش های خارجی نام بردهیم چالش ها و مشکلات در داخل وزارت امور داخله نیز می باشد. مانند: عدم



پوهیالی لمپری خارن محمد حامد "رامکی"

آثار ترس از جرم در حوزه های اجتماعی

علاوه بر این رشد و پرورش کودکان در محیطی که هر آن احتمال مرگ و یا هر گونه آسیبی در واقعات جنائی محتمل است، نحوه زندگی را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد. به هر حال ترس عاملی نیرومند است و زمانی که در محله ای فراگیر شود تمامی موضوعات اجتماعی نظری کسب و کار، نحوه معاشرت همسایه ها و تحرک جمعیتی را دست خوش تغییر قرار خواهد داد، برای مثال برخی به محله های امن تر نقل مکان میکنند و آنهایی که چنین توانی ندارند برای در امان ماندن کمتر در اماکن عمومی حاضر میشوند. در چنین شرایطی ترس فراگیر، درصد بالای جرم و افزایش احتمالی متضررین در پیوند با یکدیگر اساس روابط اجتماعی را دگرگون می کند.

یکی از جنبه های منحصر به فرد ترس از جرم در



جامعه محلی، گسترش پدیده ای به نام "محاصره روانی" است. بدین معنی که دنیای خارج از خانه، دشمن فرضی تصور میشود که می خواهد جامعه ای محلی را نابود کند. با پژوهشی که در محله های به اصطلاح آفریقایی - امریکایی انجام شد، چنین نتیجه به دست آمد که ساکنین این محله ها، بر این باور اند که یک نقشه پنهان برای ریشه کن کردن جمعیت شان در حال اجرا است و شاهد آن را عدم استخدام، برخورد خشن پولیس، دستگیری های بیش از اندازه، پخش مواد مخدر و شیوه بیماری ایدز را در بین خود می دانستند.

ترس از جرم به آسانی گسترش میباید، چرا که متضررین تجربه ای خود را با دیگران در میان میگذارند چه در مقام گزارش و چه در مقام تحلیل، بارها و بارها واقعات جنائی را نزد افکار عمومی بازگو می کنند. بنابرین، اینکه محله یا منطقه ای نا امن است و خطر وقوع جرم در آنجا متصور و روز به روز شدت می یابد. در نتیجه افراد در این گونه مناطق یا جاهای از این که شب هنگام خانه هایشان را ترک کنند ترس و بیم خواهند داشت و یا از معاشرت با دیگران تا حدودی کناره گیری میکنند.

در کنار این، افراد که به تازه گی قربانی جرم شده اند در مقایسه با سایرین نسبت به آینده و حوادث احتمالی ترس بیشتری دارند. همچنان کسانی که در محله های جرم خیز زندگی میکنند، تحت ترس از جرم ممکن است رفتار و شیوه زندگی خود

را تغییر دهند. در این مناطق به خصوص محلاتی که گراف قتل بسیار زیاد باشد، امید به زندگی و آینده چندان زیاد نیست، در چنین وضعیتی موضوع اصلی گفت و گوی همسایه ها در مورد خطرات و احساس نا امنی است که این امر خود دامن زدن به ترس از جرم و گسترش آن عاملی تاثیرگذار ارزیابی می شود. از سوی دیگر در این مناطق فقر فرهنگی، آمار تولد نوزادان و به تبع آن رشد جمعیت رو به زیاد شدن است، که این امر در رابطه به تمامی مشکلات می تواند در نزد جرم و خشونت تاثیرگذار باشد.



و از سوی دیگر عامل ایجاد و گسترش ترس در سایرین ارزیابی میشود.

باید توجه داشت زیاده روی در استفاده از تدبیر پیش گیرانه، جامعه ای محلی را همانند مرکز اجتماعی به تصویر خواهد کشید و در زیبائی و نظم شهری تاثیر نا مطلوب خواهد گذاشت. بخصوص اگر توجه داشته باشیم که امروزه فضاهای شهری صرفاً محل آمد و رفت شهروندان از محل سکونت به محل کار نبوده، بلکه فضای است برای حضور و تعامل اجتماعی. بنابرین فضاهای شهری باید به گونه طراحی شوند که باعث افزایش آسایش شهروندان و بهبود کیفیت تعامل میان آنها باشد.

حال آیا با وجود وسائل گوناگون که برای کاهش ترس از جرم مورد استفاده هستند میتوان انتظار داشت رهگذران و یا حتی ساکنین در فضای شهری احساس آرامش و امنیت داشته باشند.

در کنار این، گسترش استفاده از راه کارهای پیش گیری وضعی جهت مراقبت از اموال یا ناظرت بر عبور و مرور افراد با نصب انواع کمره های امنیتی پیدا و پنهان در ساختمانها، سالن ها، مراکز اداری و تجاری و یا حتی در گوش و کنار شهر بی گمان از حریم خصوصی شهروندان خواهد کاست.

به هر حال ترس از جرم و گسترش آن آثار ناگوار را در حوزه های اجتماعی به بار خواهد آورد؛ بی اعتمادی به پولیس، دستگاه های عدلي و قضائي و دیگر نهاد های حکومتی، عدم اطمینان به دیگران، دلالت به حریم خصوصی، برهم زدن نظم شهری، تحرک جغرافیا يی، رشد شایعات شهری، قوت گرفتن شایعات ذهنی در باره گروه های اجتماعی و تمایل شیطانی جلوه دادن دیگران از جمله ای این آثار میباشد.

منبع:- کتاب ترس از جرم؛ حمید نکوکار و بهاره همت

پور

آن اعتماد داشتند که مقامات سفید پوست و رهبران سیاسی، تمایلی به اجرای قانون در مناطق فقیر نشین ندارند. هدف اصلی مقامات نابودی محله ها و ساکنین آن می باشد. آنها احساس می کردند که پولیس علاقه چندان برای رسیدگی به جرایم سیاه پوستان علیه سیاه پوستان ندارند. محاصره روانی باعث بدینی اهالی به نهادهای حساس و حیاتی هم چون پولیس، محکمه و حتی مکاتب شده بود. از نظر این اهالی، مقام های حکومتی افراد خود بین و مغروم به نظر می رسیدند و حتی توجه مقامات به خود را با دیده منفی ارزیابی کرده و از آن نگران می شدند.

ترس از جرم میتواند سبب گستالت پیوند های اجتماعی که سرمایه مهم در راستای مبارزه با جرایم بشمار می آید، باشد. بدین معنی که افراد، به خصوص سال خورده‌گان، زنان و کودکان به علت ترس از حمله و تجاوز بیشتر ترجیح میدهند در خانه بمانند و از رفتن به خارج از منزل و مشارکت در فعالیت های اجتماعی خود داری کنند و به این ترتیب ترس آنها مانع رفتن و تحکیم پیوند روابط اجتماعی خواهد بود. علاوه بر این معمولاً تدبیر شخصی و یا عمومی که برای کاهش ترس از جرم یا مبارزه با جرایم اتخاذ می گردد خود میتواند در القای نا امنی و ترس با سایرین نقش ایفا کند.

استفاده از کتاره های حفاظتی، نصب کمرهای امنیتی در جاهای مختلف شهر و حضور پر رنگ پولیس که از جمله کسانی است که در تدبیر پیش گیرانه و مقابله با جرایم میباشد و هر رهگذرنی را به علت اتخاذ این تدبیر که همانا احساس نا امنی و ترس از جرم میباشد رهنمود خواهد کرد و به احتمال زیاد او نیز چهار ترس مشابهی خواهد شد، برای مثال تصور کنید وارد سرک شده اید که تقریباً تمامی و یا بیشتر منازل در آن دارای کتاره های حفاظتی است. آیا استفاده از این وسیله که برای کاهش ترس ساکنین میباشد، برای رهگذران پیام آور، این نیست که این جاده و یا سرک نا امن است به واقعیت این تمهد از سوی عامل کاهش ترس ساکنین



پوهه‌ای سمونیار سید رفیق "حکیمی"

د ماشوم د حقوقو په ساتنه کې د پولیسو دند

(طیعی او ذاتی) حق په نامه پیژندي دی، خوله بده مرغه چې دغه حقوقه په تیرو دوروکې په بېلابلو بنو او پلمو له ماشومانو څخه اخیستل شوي او د ټولنۍ دغه اړین غږي یې له څيلو مدنې او انساني حقوقونو څخه بې برخې کړي دي.

د موضوع بیان:

نن چې مونږ د دوه زره اتلسم میلادی کال په درسل کې یو، په نړۍ کې د حقوقو، سیاسی او ټولیزو علومو پوهان د هغو پرله پسی هڅو کتونکې یو چې د فرهنگ او د بشر د حقوقو د درنواوی په برخه کې سرته رسیری دا کوښښونه چې نړدی شه د پاسه نیمه پېړی او یا د ملګرو ملتونو د سازمان له جوړیدو



سره جوخت له یو نوی جوړښت څخه برخمن شوي د دېرو مليتونو ورځنۍ ژوند باندی ژوره اغیزه کړیده. بشکاره ده چې د نړۍ د بیلایلو ہیوادونو اساسی او عادی قوانین د بشر د حقوقو له اصولو او قاعدهو څخه الهام اخستی دي. اوس مهال چې مورهم نوي اساسی قانون لرو، دا باور پيداشوی چې قانون پوهان او د هېواد چارواکۍ و کولای شی د دغو قوانینو په وضع کولوسره، هغه انساني اصول په پام کې ونسی چې د

سریزه:
نننی ماشومان د سبا ورځی بنسټي او نارینه دی او په راتلونکي کې ستری ټولنیزی دندی پرغاهه لري. د اړو پوهنې دېر پوهان په دی اند دی چې د ماشومتوب دوره د ژوندانه نورو دورو په پرتله خورا مهمه او حساسه دوره ده، په طیعی ډول په دی دوره کې د انسان د شخصیت بنسټ جوړېږي. زیاتره پوهان په دی اند دی چې ماشومان د ټولنې هغه غږي دی چې په خپلواک ډول د ژوند اړتیاوو د پوره کولو توان تلري او خرنګه چې بشایی نشي کولای خپل طیعی او ذاتی واکونه او وړتیاوی و کاروی، نوله دی امله د ژوند په بهير کې د لویانو مرستي، لاس نیوی او لارښوونی ته زیاته اړتیا لري. ماشومان د ټولنې اړین، کمزوري او زیان منونکې پوره جوړوي او د ماشومتوب به دوره کې خانګړي خارني او پاملرنې ته اړتیا لري او د ټولنې د نورو وګرو په خير حق لري چې په سالمه او عادلانه توګه ژوند وکړي او له هر ډول سالمو شرایطو څخه چې د هغوی د جسمی، ذهنی، عاطفي او ټولیزو خواکونو د ودی له پاره اغیزمن او ګټیوروی، ګټه واحلي، دا هغه حق دي چې الهي اديان او پوهان، په تیره یا د ملګرو ملتونو سازمان هغه دماشوم

66



۱۳۹۷ سال مه سلطان

د نیولو او خارني پر مهال خپل، خانگري مکلفيتونه و پيژني او عمل پري وکړي. د هغو توپيرونو له مخي چې په دغه راز پيښو کې د لويانو مجرمينو د پيښو په پرتله، خيرني د هدف او جزايس تديبرونو د تجويز په برخه کې ليدل کيرۍ د نړۍ حقوقی جويښتونه دي ته اړ کړي دي چې دکشف او خارني لاري چاري او په ټولنيز دول د ماشومانو محکمي د لويانو له محکمو خڅه جلا جوړي کړي او هر اړگان چې له دغه خير مسلو سره مخامنځ کيرې، دي کار ته متوجه کړي چې باید په هر دول شرایطو کې د کوچنiano د بیا روزنې لپاره فکر وکړي او په پاي کې د هغوي د سمون او بیا روزنې په برخه کې خانګړو روزنیزو خایونو او مرکزنو خڅه استفاده وکړي. اوس په نړۍ کې جنایي ټولنپوهانو د جنایي ژوند پيژندونکو پر خلاف په دي باور دی چې د ماشوم ضمير د پاكۍ هيئداري په خير وي چې هر ډول بهنه او بد انځور پر خان مني او هره شيه متنلو ته يسي چمتو وي، نوله دی کبله زموږ د ګران هېواد امنیتی اړگانونه باید له هرڅه زيات د سرغروونکو ماشومانو ژوند لیک او ټولنیزی اړتیاوی او غوبښتني و پيژني او د ټولنی د امنیت په وړاندی له مسوولیت او د سرغروونکي ماشوم د کړو وړوله پایلو خڅه پوره معلومات او پوهه ولري. باید په پام کې ولرو چې دکشف او تحقیق بهير او بالاخره د ماشومانو د محکمۍ قوانين د لويانو د قوانينو سره توپير لري، نو لازم دي چې له ماشومانو او لويانو سره د چلنډ خنګوالی هم باید یو بل سره توپير ولري، دکشف او خيرني چارواکۍ باید د کوچنې د ژوند لیک راپور په مفصله توګه جور او خارنوالي ته وړاندۍ کړي او په دی باره کې د نظر د خاوندانو په لارښونه د ماشوم شخصيت په ذهنې، روحي، عاطفي او ټولنیز لحاظ تحلیل او د ماشوم د شخصيت له ژوري مطالعې وروسته دغه لړي د خارنوالي مقام ته وړاندۍ کړي نه د هغى جنایي دعوى په بهنه چې د قاعدي له مخي پر لويانو اقامه کيرې. البتہ محکمه د ماشوم د ژوندانه د راپور له اوريديو وروسته د ماشوم د بیلاریتوب د درملنۍ په باب چې د هغه له خانګړتیاواو او د ژوند له خانګړتیاواو سره انډول ولري پريکړه وکړي او وخت

بشر د حقوقو په تير بیا د ماشوم د حقوقو خونديتوب په محتوي که شامل دي او د هغو قوانينو له تصویب نه دده وکړي کوم چې د بشر د حقوقو او د ماشوم له حقوقه له موادو سره توپير لري. افغانستان دملګرو ملتونو دغري او د بشر د حقوقو د نړيوالی اعلامي او د مدنۍ اوسياسي حقوقو د نړيوالو ترووننو په تيره بیا د ماشوم د حقوقو د ټولنیزونکو د لاسليک کوونکي په توګه سميرل کيرې، نو خکه ټول دولتي اړگانونه، په تيره بیا د هېواد امنیتی اداري مکلفي دی چې د دغه ترووننو او کنوانسيونونو په لارښونه، عملي لاره غوره کړي او د ټولو اپوندو مراجعو چارواکۍ په تيره بیا پولیس د قانون د واکمني د پلي کولو او خوندي کولو په پام کې نیولو سره له سرغروونکو ماشومانو سره بهه چلنډ وکړي او د هغوي پيښيدونکي عمل خانګړي او ټولنیز زيانونه او منفي اړخونه ييان او توضیح کاندي او د سرغروونکي ماشومانو د ذهن په روښانه کولو کې دښونکي او روزونکي په بهنه خپله ونډه تر سره کړي او د بريالي او مهربانښونکي په ډول د سرغروونکي ماشومانو په بیا روزنه کې بنستیزه ونډه واخلي او له دغه شان کوچنiano سره د چلنډ پر مهال له هر راز زور زياتي او د ماشوم له جسمی وهلو او تکولو خڅه دي ډډه وکړي.

د بشر د حقوقو د نړيوالو ژمنو له مخي، په تيره بیا د ماشوم د حقوقو د کنوانسيون (۲) ماده دغه کنوانسيون به له ژمنو هېوادو خڅه غواړي چې د هېواد په ټولو قوانينو او مقرراتو کې باید د ماشوم حقوقه د رنګ، توکم، مذهب، سياسي عقيدي، ملي توپير او د ماشوم د وضعی، والدينو او د هغه د قانوني سرپرستاني پرته، محترم وګنل شي او د توپيري چلنډ په وړاندۍ د ماشومانو د ساتني لپاره لازم اقدامات په پام کې ونیول شي. لکه چې ليدل کيرې (ماشومانو درجایمو) موضوع له هغو سره د دغه راز پيښو د خيرني او محکمې په باب د دولتونو پام خانته راړولې او هڅه او هاند کيرې چې د جرم له پيښيدو خڅه ماشومان وژغوري. د پام وپه که چې رې دوي هغه مهال چې یو جرم ته لاس اچوي، له اغيزمنو لارو چارو خڅه ګټه واخلي او امنیتی اړگانونه په دی برخه کې د سرغروونکو او تر حجز لاندۍ ماشومانو



شي.

- د کورنې غړيو ته د بسحینه قشر د سپارلو پر مهال پولیس بايد د رسمي سند له اخستلو وروسته هغوي خپلواونه توګه او که چې ری نوموږي بسحینه تورنې خپلواونه لري هغه دي بيا په رسمي دول خيريه موسسی او یا د کوچنيو نجونو د بیا روزنې مرکز ته وسپاري.

- پولیس بايد ټول ور امنیتی تدبیرونه ونیسي تر خو په هرنیت او هره بهه چې وی د ماشومانو د تبتوولو، خرڅلاؤ او یا قاچاق مخه ونیول شي.

- پولیس بايد د ماشومانو فحاشی، جنسی غیر انسانی اعمالو او استثماری شاقه کارونو مخه ونیسي.

پایله:

پولیس د جزایی عدالت د سیستم او په خانکړۍ توګه د ماشومانو او تنكیو خوانانو د عدالت په سیستم کې لوړنې بنسټیزه مرجع ګنبل کېږي. پولیس د ماشومانو د ساتنې او د هغوي د حقوقنو د رعایت خخه د داډ د تر لاسه کولو مهمه دنده پر غاړه لري. پولیس په خپلواړئیو دندو کې د بیلاپیلو ماشومانو سره په اړیکه کې دی؛ په دی مانا چې پولیس د جرم خخه د زیانمنو، یاد جرم د عینی شاهدانو او یا هم د قانون خخه د سرغرونکو ماشومانو سره سر او کار لري. په داسی مواردو کې به د ماشوم سره د پولیسو کونه او چلنډ دا جوته کړي چې آیا ماشوم، پولیس د خپل دوست او ساتونکي په توګه ګنځی او یاد یو ډاروونکي او ګواښوونکي فرد په توګه؟ په دی توګه د پولیسو د منسوبینو چلنډ د سرغرونکي ماشوم سره د مخامنځ کیدو په صورت کې د ارزښت وړ رول لوړوی خکه چې پولیس د شکمونو ماشومانو د حقوقنو د رعایت او ساتنې په صورت کې به د جزایی عدالت د سیستم په خرنګوالی کې چې ماشوم په خپله د هغوي شاهد دی، خورا ارزښتائکه آغیزه ولري.

ماخذونه:

حضرتی، غلام دستګیر، د ماشوم د حقوقنه زدکړه، ۱۳۸۳
د ماشومانو نړیوال کنوانسیون
ایوبی، فضل الرحمن، د بشرحقوق، جندر او د ماشومانو حقوق، ۱۳۹۲

په وخت خپلې پريکړي وخاري او مراقبت يې وکړي.
پولیس بايد له سرغرونکو ماشومانو او نورو تورنو کسانو سره د پیښو په بهير کې دغه لاندی تکی په پام کې ونیسي:

- له سرغرونکو ماشومانو سره د چال چلنډ پر مهال د ماشومانو قانون او د ماشوم د حقوقنو د کنوانسیون د موادو له لارښوونو خخه استفاده وکړي، او په پلې کولو کې يې عملی ګام واخلی.

- پولیس بايد د مداخلی او د اقدام پر مهال لومړي هغه خوک چې تورن شمیل کېږي هغه ته د خپلې مداخلی او اقدام لاملونه پوره خرګند او بیان کړي.

- له هر دول بدی خبری او سپکاوی خخه په بشپړ دول دده وکړي.

- ټول خلک په تیره بیا ماشومان له پولیسو خخه دا تمه لري چې د امنیت به خوندي ساتلو او د سمو قانوني اجرآآتو او د ژوند د راکړۍ ورکړۍ برسیره، له هغوي سره مرسته او همکاري وکړي.

- پولیس بايد له ماشومانو سره د یو مهربان او زړسوانده پلار په توګه چلنډ وکړي او له بهه سلوک او معقولو، کړو وړو خخه دی کار اخلي سپکاوی دی نه کوي او تل دی د سرغرونکو ماشومانو په بیا روزنه باندی فکر وکړي او له هر راز جمسي خورولو خخه دی خان وساتي.

- پولیس بايد د سرغرونکو نجونو سره د چال چلنډ پرمهال د موضوع حساسیت په پام کې ونیسي او په دی باب دی د بسحینه پولیسو خخه کار واخلي.

- پولیس بايد د سرغرونکو نجونو د راجبولو پرمهال که چې ری بسحینه پولیسه موجوده نه وي دسيمي له یوتن ژمن سپین بېړۍ خخه استفاده وکړي ترڅو د هغه په مرسته د وروستیوی اجرآآتو لپاره، د پولیسو اداري سره مرسته وشي.

- که چې ری سرغرونکي نجوني د خیونې په بهير کې د ستونزو له کبله سمدستي د دوى استوګنځيو ته وانه استول شي د هغوي د ساتنې له پاره دی پولیس بايد په مؤقته توګه هغوي بسحینه توقيف ځایونو ته او یا یو ځایي امين شخص او یا هم د امن کورنو ته وسپارل



تدابیر تأمینی در قوانین جزایی

مقدمه:

تدابیر یا اقدامات تأمینی عبارتند از تدابیریکه، از طرف محکمه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه و جنایت) درباره مجرمین و متهمین خطرناک اتخاذ می‌گردد. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی، روانی و یا اخلاقی آنان و چگونگی ارتکاب جرم ارتکابی آنان را در مظان تکرار ارتکاب جرم در آینده قرار دهد. یا گفته میتوانیم در اثر وقوع جرم و مناسب با شخصیت مجرم و علی‌که موجب ارتکابات جرم توسط وی شده است، تدابیر و اقداماتی به کار برده می‌شود تا وضعیت او بهبود پیداکند و علاوه بر پی بردن به قبح عمل خود، بتواند دوباره با اجتماع سازگار شود و به جامعه بازگردد. اقدامات یا تدابیر تأمینی در قوانین جزایی افغانستان (قانون جزای ۱۳۵۵ و کود جزای ۱۳۹۶) با اندکی تفاوت، مورد توجه قانون گذاران قرار گرفته است و در ماده (۱۸۴) کود جزا تدابیر تأمینی اینگونه تعریف گردیده است: « تدابیر تأمینی عبارت از اقداماتی است که از طرف محکمه ذیصلاح، جهت تربیت یا اصلاح متهم یا محکوم، انطباق مجدد وی به حیات اجتماعی یا جلوگیری از وقوع و تکرار جرم با نظرداشت حالت خطرناک بودن متهم یا محکوم اتخاذ و در فیصله ذکر می‌گردد» از حکم این ماده چنین افاده می‌گردد که نظام قضائی کشور ما نباید تنها دنبال مجازات مرتكب باشد و فقط اورا به زندان بیندازد تا با سزای عمل مجرمانه‌ی که در گذشته مرتكب شده است روبه رو شود، بدون آنکه بدانیم با مجازاتی که برای مختلف

هنگامیکه جوامع از وقوع جرم متأثر شده و رنج می‌برد، موقع دارند تا متخلفین و مرتكبین جرایم مجازات شوند. افراد جامعه شخصی را که از قوانین تخطی و تعدی کرده است مستحق مجازات می‌دانند. معیار و ملاک این استحقاق همان عمل و رفتاری است که شخص مرتكب شده است. البته در طول تاریخ نیز تنها کارکرد نظام جزایی همین بوده است که مجرم را به سزای اعمال مجرمانه و ضد اجتماعی اش برساند. اما در اوآخر قرن نزدهم و اوایل قرن بیستم، علاوه بر عمل مجرمانه و ضد اجتماعی «شخصیت مجرم» نیز مورد توجه دانشمندان حقوق جزا قرار گرفت برای نخستین بار شخصی که ارتکاب جرم به وی نسبت داده شده بود مورد توجه قرار گرفت و این سؤال در ساحه حقوق جزا مطرح گردید که آیا صرف توجه به رفتاری که فرد مرتكب شده، بدون در نظر گرفتن شرایطی که وی را به سوی جرم سوق داده است، مؤثریت لازم را دارد؟ آیا صرف مورد توجه قرار دادن عمل مجرمانه و جزای مناسب با این عمل، موجب می‌شود که او به زشتی عمل خود پی ببرد و با تکرار جرم دوباره جامعه را در خطر نیندازد؟ با مطرح شدن از این قبيل سوالات راه حل های نوینی وارد قوانین جزایی شدند تا علاوه بر توجه به شخصیت فرد، به شکل مناسب تری امنیت جامعه را تأمین کنند. از جمله ای این راه حل ها اقدامات یا تدابیر تأمینی است.

تعریف: در تعریف تدابیر تأمینی میتوان گفت،



که چندین بار مرتکب جرایم مختلف گردیده است و به عبارتی دارای سابقه جرمی است. مجرمین سابقه دار اکثراً توسط مردم به عنوان افراد خطرناک دیده می‌شوند که قانون گذارتلاش می‌کند برای وقایه و جلوگیری از آسیب هایی که ممکن است این افراد به جامعه برسانند تدبیری به غیر از مجازات برآنها اعمال کند.

أنواع تدابير تأميني در کود جزايني (۱۳۹۶):

کود جزا افغانستان چهار نوع تدبیر تأميني را پيشبيني کرده که هر يك آنرا قرار ذيل مختصراً مرور ميکنيم:

- ۱ - تدبیر سلب كننده آزادی: اين نوع تدبیر شامل حال آنudge ازتهمين و محکومين می گردد که داراي امراض روانی و دماغی اند که همین مشکل روانی آنها حالت خطرناک تلقی می گردد، حسب لزوم دید محکمه آزادی آنها را موقتاً سلب ميکند.

ماده (۱۸۷) کود جزا در مورد چنین مشعر است: «تدابير سلب كننده آزادی، محکوميت شخص مصاب



به امراض روانی به حجز در مراکز صحت روانی است.) البته محکمه زمانی به سلب آزادی اشخاص فوق الذكر حکم خواهد کرد که از طرف خارنوال یا نماینده قانونی شخص مصاب به امراض روانی، با تصدیق نظر اهل خبره، حجز آنها پیشنهاد گردیده باشد. تمدید یا ختم مدت حجز چنین اشخاص توسط هیئت متخصص طبی مستقل که متشکل از سه نفر باشد، صورت می گیرد. فقره دوم، ماده ۱۸۹ کودجزا)، از موارد دیگری، تدبیر سلب كننده آزادی در کود جزا معالجه اجباری محکومين است که هرگاه شخص معتاد به الكول یا مواد

از قانون تدارک گردیده است، به مسیر درست باز می گرددیانه. اما هنگامیکه با رویکرد اقداماتی تأمینی و تربیتی پیش برویم، تنها به مجازات اکتفا نمی کنیم؛ بلکه تلاش می گردد با نظارت بر رفتار متخلفین و مجرمین و قرار دادن آنها در محیطی متفاوت از محیط آسیب زای زندان (به طورمثال مراکز صحت روانی و شفاخانه های تداوی معتادین و یا نهاد های اصلاح و تربیت اطفال و همچنان دارالمجانین) تا علاوه بر نشان دادن قبح و زشتی عملی که مرتکب شده است، آنها را به جامعه ای که از آن فاصله گرفته است باز گردانیم. هدف نهایی اقدامات تأمینی و تربیتی، حفظ

جامعه از خطراتی که از ناحیه اشخاصی که حالت خطرناک را احراز کرده، تهدید میکند، می باشد و توسط همین تدبیر آن را تأمین کرده می توانیم. بطور کلی اقدامات تأمینی و تربیتی مبنی بر وجود حالت «خطرناک» در شخص است. به این

مفهوم که ما با کشف این واقعیت که فردی برای جامعه خطرناک است این تدبیر را در مورد وی اعمال می کنیم. بطورمثال، محکمه می تواند فرد محکوم و متهمی که به مواد مخدراعتیاد دارد و رفتار او تحت تأثیر مواد مخدر است، شخصی دارای حالات خطرناک بداند که باید در محیطی مناسب و به دور از جامعه، مانند شفاخانه های تداوی معتادین به تداوی و اصلاح او حکم کند، زیرا رها کردن او ممکن است موجب مهیا شدن شرایط لازم برای ارتکاب جرم شود و به جامعه و اعضای آن آسیب بزند. مثال دیگر، شخصی است



کود جزا چنین تعریف گردیده است؛ (اسقاط ولایت، وصایت و قیمومیت عبارت است از محروم ساختن محکوم علیه از اعمال ناشی از سلطه ولایت، و صایت و قیمومیت بر نفس یا مال سایر اشخاص است). مورد دیگر از تدابیر سلب کننده حقوق، محرومیت از اشتغال به پیشه یا حرفه معین است، ماده (۲۰۱) کود جزا چنین تذکر میدهد: «هرگاه شخص به سبب ارتکاب جرایم ناشی از اخلال مکلفیت های مربوط به پیشه یا حرفه به جزای حبس محکوم گردد، محکمه می تواند وی را علاوه بر جزای اصلی از اشتغال به پیشه یا حرفه مربوط محروم نماید. مدت این محرومیت از یک ماه کمتر و از یکسال بیشتر بوده نمی تواند».

۴- تدابیر مالی و اقتصادی: تدابیر اقتصادی و مالی در ماده (۲۰۴) کود جزا افغانستان اینگونه تعریف گردیده است: «- هرگاه اشیایی ضبط شه از جمله اشیای باشد که ساختن، استعمال، نگهداری، تورید، صدور، عرضه، خرید یا فروش آن به ذات خود جرم باشد، محکمه به مصادره آن حکم می نماید، گرچه اشیای مذکور ملکیت محکوم علیه نباشد یا متهم از محکمه برائت حاصل کند». از موارد مهم تدابیر مالی و اقتصادی، مصادره اشیاء، مسدود ساختن محل، متوقف ساختن فعالیت شخص حقیقی و متوقف ساختن فعالیت شخص حکمی می باشند.

منابع:

- 1- کود جزا (۱۳۹۶)
- 2- عماراتی، محمد کاظم- ۱۳۹۵ - تهران
- 3- قانون جزای (۱۳۵۵)

مخدر به علت ارتکاب جرم جنحه یا جنایت محکوم به حبس گردد، محکمه می تواند علاوه بر جزای جرم مرتکبه به اساس پیشنهاد اداره مؤظف صحت عامه، پولیس، خازن وال یا نماینده قانونی شخص، به محکوم علیه معالجه اجباری را تجویز نماید.

۲- تدابیر تحديد کننده آزادی: تدابیر تحديد کننده آزادی عبارت از وضع یک سلسله قیود و محدودیت بر آزادی متهمین و محکومین است، در این مورد ماده (۱۹۳) کود جزا چنین حکم می کند: (محکمه وقتی به منع محکوم علیه از گشت و گذار در محل معین حکم می نماید که بودن وی در آن محل به احتمال قوی سبب تکرار ارتکاب جرم گردد) توجه باید داشت که تدابیر تحديد کننده آزادی علاوه بر جزای اصلی بالای محکومین تطبیق می گردد، در حین اصدار حکم و اعمال این نوع تدابیر با درنظر داشت وضع شخصی و اجتماعی شخص محکوم صورت می گیرد. اعمال تدابیر تحديد کننده آزادی، بعد از تطبیق جزای اصلی صورت می گیرد؛ مثلاً در صورت محکومیت شخص به حبس تنفیذی، بعد از سپری شدن حبس محکوم بها یا عفو مجازات یا رهایی مشروطه و همچنان در موارد محکومیت به حبس تعليقی و مجازات بدیل حبس یا جزای نقدي بعد از تطبیق مجازات اصلی، صورت می گیرد.

۳- تدابیر سلب کننده حقوق: تدابیر سلب کننده حقوق عبارت از این است که، اگر کسی به علت تخطی یا تجاوز یا سرپیچی از وظایف قیمومیت یا نظارت یا اعمال حق ولایت محکوم به حبس شود یا محکومیت جزایی پیدا کنده او را برای انجام وظایف مزبور غیر صالح سازد، حکم به محرومیت او از حق قیمومیت، اشتغال، نظارت یا اعمال حق ولایت و صایت از طرف محکمه صادر می گردد. در ماده (۱۹۸) در



وینا ته چمتو والی



کې صرف گورئ او بيرته مخاطب ته سترگې اړوئ. په مخاطبانو کې یو خو کسه داسې په نښه کړئ چې دا ستاسو ملګري دی او تاسو دا خبرې همدوی ته کوي. خلور پنځه ثانیې وروسته د سترگو مسیر مو بدل کړئ، یعنې یو خو کسه نور انتخاب کړئ او خپلو خبرو ته مو دوام ورکړئ.

په خای ودرېږي، بدنه مو ډیر مه خوروی

په خای ودرېدل او د

بدنه د هر غږي

خوڅول مو اعتماد

کموي. یواحې لاسونه

مو خوڅوئ. که

ډیر یې خوڅوئ،

دلیدونکو پام مو بله

خوا ئې او په مو نه

مو نه پوهېږي. په

اصلې خبره کې مو د

خولي غړ او د لاسونو

په اشاره مو ټینګار

وکړئ، یعنې د دې په

خاطر چې لوستونکې ستړۍ نه شې، د خولي غړ ته مو



تغیر ورکړئ.

لاسونه په سینه مه نیسي. دیوال ته تکیه مه کوي. قلم

یا بل خه په میز مه وهئ. دا هر خه د دې معنا لري چې

تاسو په خپل خان بې باوره یاست. غواړۍ خان او یا

خلک تیر باسی. استادی بیا توپېر لري. په استادی کې

خبرې کول د خلکو په مخکې یو خه ستونزمن کار دی. که تاسو ته یو کس ناست وي او که شل، خو خبره د جرئت ده. خینې دی چې د ملګرو په مخکې ډیر په ډاوه زړه خبرې کوي، خوکه یې بیا د دریغ (خطابې میز) ته ودروی، نو د یو خو خبرو وروسته به یې په مخ کې سورخې پیداشی، ستونی به یې وچ شي او خبرې به یې له یاده ووځې. دا چاره ډیر تمرین غواړي. مخامنځ آینې ته ودريږئ، ترڅو

څله خېره ووينې
چې د خبرو کولو په
وخت کې یې غوره
کوي. که مو دا طریقه
خوبنې نه شوه، نو
تغیر ورکړئ، که مو
دا هم خوبنې نه شوه،
بله لاره ولتموئ.

څنګه کولای شو
چې له دی ډول
ستونزو سره مقابله
وکړو؟

د مخاطب له سترگو سره اړیکه ونیسي

کوبنښ وکړئ چې له مخاطبینو سره سترگې وجنګوئ. سترگې مو تیتې مه اچوئ. دا به له تاسو سره کومک وکړي، چې د آرامې احساس وکړي او د لا خبرو کولو ډاډ به مو زیات کړي. مخکې له مخکې متن بنه ولوی چې د خبرو په جریان



نه سرطان سال ۱۴۰۷

ته متوجه کړي. د خبرو کولو په وخت کې شوخي وکړئ، یعنې یوه ادبی ټوکه، حکایت، تجربه او داسې نور خخه کار واخلي، چې آوريدونکي موستړي نه شي، لکه: د سولې په اړه وینا کوي. که ته همداسې ورته غږښوي چې سوله داسې شی دي. سوله بنه ده. په سوله کې زموږ خير دي ... نو اوريدونکي به مو یو خه ستړي شي. اوس که ته په همدي وخت کې یوه ټوکه، حکایت او داسې نور خه ورسه یو خائي کړي، نو وینا به مو ډیره خوندوروه شي.

يو خو نوري سپارښتنې:

- مخکې له مخکې په آينه کې وګورئ، چې ويښتان، پوزه، مخ... مو جوړ دي.
- خپل مخاطبين کنټرول کړئ. دا په پورتنيو شيانو پورې هم اړه لري.
- کوښښ وکړئ چې متن خو خو خله ولولي.
- فکر وکړئ چې ملګري مې راته غور دي او مخاطبين مې ملګري دي.
- بې خایه ټوکې مه کوئ، بلکې له موضوع سره مو بايد ارتباټ ولري.
- موضوع مو بايد په زړه پورې وي او یو پیغام بايد ولري.
- مخکې له شروع یوه ژوره ساه واخلي.
- په خپله موضوع تمرکز وکړئ. خبره بله خواته مه وړئ.
- د وینا په وخت کې په پوزه، خوله او ويښتو کې گوتې مه وهئ.
- د لاسونو حرکت مو بايد له جملې سره برابروي، یعنې که جمله یو شی وي او ته دې د لاس حرکت بل شان جوړ کړي، ستانيګټيانې. د لاس حرکت مو هم د جملې په رسولو کې درسره مرسته کولای شي.

آخیستنې:
Google.com
Pashto Baheer.com
Yaran.com

باید په یو خای ونه درېږئ.

څیوه(مخ)

د وینا په بهير کې مو بايد په خوله خندا وي. له مخاطبينو سره صميسي اوسي. که مو له جديت او احساساتو نه کار واخیست، مخاطبين مو له لاسه ورکړئ. په وینا کولو کې باید اعتداله لار غوره کړئ. ځینې وینا کوي، خو په هرې خبره کې له احساساتو نه کار اخلي، په خيره یې غصه معلوميرې، خپلې شوندې چېچې، چېچې وهې، اوس د چېغۇ وهلو وخت تير دي او خلکو ته باید په نرمه لهجه وینا وکړئ.

لباس

مناسب لباس واغوندئ. مخکې له دې چې د وینا کولو خای ته لار شې، د ملګرونې مو پوښته وکړئ چې کالي مو مناسب دي، که نه؟ د خوکسو نه پوښته وکړئ. داسې کالې مه اغوندئ، چې لیدونکې مو مصروفه کړي.

غړو

په یوه لحن خبرې مه کوئ. په لوړ او تیټ غږ مه غږښوئ. په مناسب خای کې خپل غږ لور او تیټ کړئ. که کلمه احساساتي وه، احساساتي یې وښې، تعجبې، پوښتنيز او بیانې، هره کلمه او جمله مو بايد داسې ووايې چې اوريدونکي کې هم هماګه شکل جوړ کړي. که تاسو په یوه لیلول خبرې کوي، آوريدونکې درنه ستړي کېږي او خوب ورځي. دا کار هم کولای شي چې مخکې له مخکې له خان سره تمرین وکړئ او خبرې مو ثبت کړئ. وګورئ چې په کوم خای کې باید خبره لوړه کرم او په کوم خای کې په تیټ غږ وغږښوئ. کومه خبره خنګه وکرم؟

مخاطب ته هم بوځه ورکړئ

د وینا په بهير کې له مخاطب پوښتې، لکه: همداسې نه ده؟ ولې، ها؟ اوس ته ووايې چې خه مو کړي واي؟... چې هغوی هم درسره حاضر اوسي او لا متوجه شي. دلته ته د خواب په تمه نه یې چې هغوی بېرته ستاد پوښتني څواب درکړي، بلکې غواړۍ چې هغوی خان



رعایت اصول اخلاقی در سازمانها و نهادها

وچه چیزی نباید انجام شود و یا هم چه چیزی را میتوانیم اخلاق یک سازمان بنامیم؟ اخلاق سازمانی مجموعه باورهای که در درون یک سازمان شکل میگیرد عبارت از اخلاق همان سازمان است و همه افراد که در درون یک سازمان فعالیت دارند مجبور ومکلف به پیروی واطاعت از همان باورهای ایجاد شده میگردد، که این خود نشان دهنده فرهنگ یک سازمان است. "اخلاق سازمانی بطور کلی دارای دو بعد ثابت و متغیر میباشد:

ابعاد ثابت اخلاق سازمانی فراتر از ظرفیت زمان و مکان هستند و برخاسته از نگرشاهی هستی شناسانه و انسان شناسانه اند و ماهیت فرامعیشتی و فراملی داشته و جاویدانی اند همچون نیکی، عدل، ایشار و... ابعاد متغیر اخلاق سازمانی در طول زمان با توجه به مقتضیات زمان و مکان متحول شده و کارکرد و نقش آنها این است که مطلوبترین شکل کمی و کیفی کار را با توجه به شرایط تعیین کنند دادن حق کارکنان و توجه به مسائل رفاهی و اولیه آنها".

وقتی حرف از فرهنگ که میان میاید فرهنگ سازمان چیست؟

فرهنگ مجموعه از ارزش ها، آداب، رسوم و عنونات است که ریشه در گذشته، تنفس درحال، و شمر درآینده دارد. بنا براین، وقتی یک سازمان تشکیل میشود از خود اهداف دارد و سازمان ها به صورت ناخود آگاه به وجود نمی آید آگاهانه واژ روی قصد تشکیل میشود برای اینکه همین سازمانها چگونه بتوانند به اهداف تعیین

جامعه بشری نیازمندی های فراوانی دارد و این نیازمندی ضرورت به یک زندگی اجتماعی است تا انسانها از طریق روابط و تعاملات نیازها و احتیاجات خود را مرفوع سازند، و هم چنان پایه و اساس زندگی انسانها از طریق همین اجتماعات شکل میگیرد، که از بدو خلق تا کنون انسانها از طریق همین روابط اجتماعی به شکل بدوى وحالا هم به شکل مدرن که تا حدودی با مشکلات هم رو به رو بوده است زندگی شان را به پیش برده و نیازمندی ها و احتیاجات شان به نحوی مرفوع گردیده است، پس لازم است برای اینکه به صورت بهتر و سهل تر به اهداف خویش نایل آیند سازمانها را تشکیل دهند.

سازمان چیست؟

سازمان عبارت از یک مجموعه است که توسط افراد واشخاص تشکیل شده که برای رسیدن به یک هدف معین، مشخص و مشترک در یک زمان معین کار و فعالیت مینمایند، مثلا تأسیس پوهنتونها، شرکت های تجاری، مکاتب، همه اینها در نوع خود سازمان هستند که روی یک هدف معین و مشخص تشکیل شده اند و دارای افرادی هستند که آن را به پیش میرند.

یا به عبارت دیگر سازمان عبارت از یک مجموعه مشترکی است که از روی قصد تشکیل شده و دارای اهداف مشترک است و این سازمانها دارای فرهنگ و اخلاقیات خاص خود میباشند، یعنی در درون یک سازمان اخلاق یک سازمان باید رعایت شود، اخلاق سازمانی اینست که چه چیزی را ماباید انجام دهیم



وحتی بسیاری از سازمانها برای اعضایی شان سینیارها، ورکشابها بخاطر معرفی اخلاق و اصول همان سازمان دایر نمی‌ایند. در شکل گیری اخلاق سازمانی سه عامل دخیل هستند، عوامل فردی، عوامل سازمانی و عوامل فراسازمانی.

عوامل فردی: "عوامل فردی شامل خود شناسی، خود کنترولی که به عنوان خمیر مایه اصلی زمینه های شکل گیری مدیریت اخلاقی در سازمان می‌باشد." مهم ترین اصل، اصل خود شناسی که انسان خودش را بشناسد که چگونه موجودی است و در جامع خویش چه نقش دارد؟ و یا در سازمانی که فعالیت دارد چه نقش و مسئولیت دارد؟ هرگاه انسان مسؤولیت انسانی خود را در قبال جامعه خویش درک کند بدون شک رفتار خویش را در داخل یک سازمان نیز میتواند مدیریت کند.

عوامل سازمانی: "شامل ضوابط و مقررات سازمانی، فرهنگ سازمانی و ساختار سازمانی که مدیریت اخلاق را نهادینه می‌کند، "هر سازمان از خود دارای قواعد و مقررات است که باید از جانب کارکنان و تمام مراجعین آن سازمان مراعات شود هرگاه کسی مقررات، اصول و یا پرسنیب سازمان را مراعات می‌کند به این معنی است که به شخصیت حکمی همان سازمان و شخصیت حقوقی خویش احترام قابل شده است وهم چنان در مقابل سازمان تعهد، صداقت و پایمردی خود را نشان داده است، در هنگام استخدام کارمندان، هر سازمان تعهدات را از نزد کارکنان خویش اخذ میدارند ولی مهمتر از این تعهد کتبی، انسان یک تعهد اخلاقی نیز در مقابل

شده خود در مدت زمان کم موفق گردد نیاز به مراعات یک سلسله پرسنیب ها، اصول، مقررات و اخلاقیات دارد و در هر سازمان اخلاق، رویه، رفتارها متفاوت است شاید فضایی حاکم در پوھتنونها به یک شکل باشد و فضایی حاکم در یک قطعه نظامی طوری دیگر.

در سازمان ها تلاش می‌شود تا به هدف تعین شده بررسند و تقسیم کار رول عمله دارد، هر چند بحث تقسیم کار یک بحث کلان جهانی است که باید تقسیم کار بر اساس توانایی های فیزیکی، جسمی، شایستگی، لیاقت، استعدادها و علائق افراد و اشخاص صورت گیرد و در سازمانها هم باید تقسیم کار بر همین مبنای صورت گیرد.

وهم چنان در سازمان ها سلسله مراتب اختیارات است، وقتی تقسیم وظایف بر مبنای توانایی ها صورت بگیرد، دادن اختیار و صلاحیت و دادن مسئولیت هم باید متناسب با همان توانایی افراد و اشخاص باشد چون در یک سازمان همیشه وقت تلاش صورت می‌گیرد که کارها به اسرع وقت انجام شود هرگاه صلاحیت ها و مسئولیت ها با در نظرداشت جایگاه کاری به افراد داده می‌شود، کارمندان و یا کارکنان بهتر می‌توانند وظایف شان را در یک سازمان به اسرع وقت انجام دهند و از اتلاف وقت و زمان جلوگیری می‌شود.

اخلاق مسلکی در یک سازمان خیلی مهم است که باید توسط کارکنان همان سازمان مراعات شود و اخلاق یک سازمان معرف یک سازمان در بین اجتماع می‌باشد هرگاه شما در یک شرکت تولیدی و یا تجاری مراجعه می‌کنید می‌بینید در بخش بازاریابی کسانی استخدام می‌گردد که از خلق و خوبی بهتر برخوردار است و اعضا ای این سازمان تلاش مینمایند تا با مراجعین خویش به بهترین شکل ممکن رویه و رفتار نمایند،



وجود دارد نه اینکه احترام از پایین به بالا چون احترام پایین به بالا میتواند بر اثر فشار وبا قدرت به وجود بیاید بلکه احترام متقابل وهمه جانبه وجود دارد زمانیکه یک شخص عضویت در سازمان را میگیرد باید سازمان را از خودش بداند و خودش را جز کسانی بداند که در منافع سازمان ذی دخل اند.

در سازمان که فرهنگ قوی وجود دارد، مردم افتخار میکند و کسانیکه در آن سازمان فعالیت دارند افتخار میکنند که عضویت چنین سازمان را دارا میباشد، در سازمانهای که فرهنگ قوی وجود دارد رهبریت قوی وجود دارد و رهبریت قوی میتواند به شکل بهتری سازمانها را به پیش ببرد و به هدف شان برسانند، در سازمانهای که فرهنگ قوی وجود دارد میتواند در بازار کار رقابت نماید. مثلاً یک کمپنی تولیدی یا تجاری را در نظر بگیریم که دارای فرهنگ قوی است دیده میشود که بیشترین مراجعین و اشتراک‌کننده را با خود دارد.

سازمانی که دارای فرهنگ قوی است مردم این سازمانها را ترک نمیکند و این سازمانها بالای کارکنان شان پول مصرف مینماید جنبه های تشویقی را برای کارمندان شان در نظر میگیرند، یعنی طوری فرهنگ را در یک سازمان نهادینه میکنند که همه فکر کنند که سازمان مربوط و منوط به خود شان است. معمولاً سازمانها زمانی جایگاه اجتماعی شان را پیدا خواهند کرد که کار شان را به خوبی انجام دهند، قابل اعتماد باشند، به مردم احترام داشته باشند، صداقت و امانت داری داشته باشند، درست عمل کنند و الگوی خوبی برای مردم باشند و به همین قسم افرادی که در یک سازمان استخدام میشوند همین گذهای اخلاقی را در نظر بگیرند.

یک سازمان که در آن کار و فعالیت مینمایند دارد. عوامل فرا سازمانی: "شامل دولت، شرایط اقتصادی، محیط کاری و محیط های بین المللی میباشد که موجب جهت گیری مدیریت اخلاقی شده ونهایتاً مدیریت اخلاقی را در سازمان کاربردی و عملی میکنند".

انسان چون یک موجود اجتماعی بوده و معمولاً متاثر از محیط و ماحصل خویش میباشد واز انواع شرایط که در جامعه حاکم است خو گرفته و بالای اخلاقیات انسان تأثیر میگذارد، بطور مثال هرگاه یک شخص در کشوریکه زندگی میکند به اطراف و محیط خویش میبیند که هیچ کس قانون شکنی نمیکند، هیچ کس بر روی جاده کثافت نمی‌اندازد همین انسان اخلاقاً تحت تأثیر قرار گرفته و خود را با چنین شرایط وفق میدهد.

سازمانها معمولاً از خود قصه ها و تاریخچه دارند که در کدام موقعیت زمانی تأسیس گردیده و در کدام سالها چه کار های صورت گرفته است، سازمانها از خود علایم، نشان، سمبل، عنوان و یا اسم خودش را دارند که سبب شناخت یک سازمان در بین اجتماع و مردم میگردد و هیچ نوع تشکیل و یا سازمان دیگر حق استفاده از سمبل و یا اسم سازمانها را ندارد و حق کاپی آن محفوظ است. مثلاً شرکت های هوانوردی هر کدام دارای یک سمبل مخصوص خودش است و دیگر شرکت های هوایی که تأسیس میشود حق استفاده از این سمبل را ندارد، هرگاه همین سازمان یا شرکت به فعالیت اش خاتمه میدهد میتواند سمبل اش را به فروش برساند.

در سازمانها دو نوع کلچر(فرهنگ) وجود دارد یکی فرهنگ ثابت، قوی، مستحکم و پایدار و دیگر فرهنگ متغیر، در سازمانهای فرهنگ قوی وجود دارد احترام

نقش تعلیم و تربیه بالای جامعه باز و جامعه بسته

با تربیت آدم می شود. به همین جهت انسان در دوره رشد خود، یعنی در فاصله زمانی بین وجود تا کمالش، به کمک دیگران نیاز مند است، تا به درجه بالای معرفت برسد، تعلیم و تربیت را به عنوان وسیله مراقبت از افراد در مقابل طوفان های زندگی در روابط اجتماعی و فردی و همچنان برطرف ساختن نا آگاهی های فرد و جامعه ضرورت تلقی کرد. بنابراین تربیت ضمن مراقبت از رشد آدمی در زمانهای مختلف نوعی جهت دهنده و هدایت کننده انسان به سوی کمال است . ملکی ۱۳۹۴

ص 15

از آنجا که تعلیم و تربیت محور تمام فعالیت های زندگی بشر است و در همه ابعاد زندگی اجتماعی اثر می گذارد. بناءً تاثیرات تعلیم و تربیت بالای جوامع باز و بسته نیز ملموس است. هر رفتاری که انسان در عرصه های مختلف زندگی بروز و ظهور می دهد، یقیناً از تصورات و باورهای ذهن و روح اونشت می

و در تصمیم گیری ها دچار استباہ نمی شدند؛ دانا و عاقل گفته می شد، زیرا آنان در ک درستی از موقعیت ها، ارزش ها و ساختارهای جامعه سنتی، منافع و اهداف خود، فامیل و قوم خویش داشتند و مطابق آن ها عمل می کردند. در تعریف دانائی، عقل و تحصیل علم شرط نبود؛ بلکه وجود چالاکی و تیز

مقدمه

درین مقاله اهمیت تعلیم و تربیه، جامعه باز و جامعه بسته و ضرورت مطالعه آن بیان میگردد. که با مطالعه این مقاله میتوان اهمیت تعلیم و تربیه را در ک ر و تاثیرات آن را بالای جامعه دریافت، که چی تفاوتی بین جامعه باز و جامعه بسته وجود دارد و چه ضرورت است که در تعلیم و تربیه آنرا مطالعه و مورد بحث قرار داد.

اهمیت تعلیم و تربیت
انسان طوری آفریده شده است که علاوه بر بعد جسمانی، بعد معنوی و روحانی نیز دارد و باید در مسیر حیات به کمال برسد؛ رسیدن به



هوشی در درک منافع کفايت می کرد. اما بعد از رنسانس نگاه ها در مورد تعلیم و تربیت تغییر کرد، توجه به تعلیم و تربیت افزایش یافت، علم و تحصیل مؤلفه های اصلی دانائی گردید. فلاسفه بزرگ تعلیم و تربیت نیز این حقیقت را پذیرفه اند که تربیت شرط اساسی انسانیت است؛ کانت معتقد بود که بشرط

کمال یکی از ضرورتهای زندگی و مهم ترین هدف تربیتی او به شمار می رود. البته در راستای تعلیم و تربیه نظر افراد، نسبت به گذشته تفاوت زیادی کرده، در زمان قدیم تعلیم و تربیت به عنوان یک ضرورت دانسته نمی شد؛ به همین خاطر به افرادی که نفع و ضرر خود را تشخیص میدادند



گرایی وجود نداشته نظام براساس ایده حاکم بر سیستم دوام می یابد، به شائسته سالاری احترام نمی شود افراد برمبنی روابط به موقف ها تعیین و تقرر پیدا می کند، تعاملات بطور عادلانه بادر نظرداشت مساوات و برابری صورت نمی پذیرد، حق آزادی بیان، فکرونگارش به تمام مردم داده نمی شود، درکل همه اختیارات اجرایی و تصمیم گیری درصلاحیت حکومت قرارداد.

شگیوال، رضایی (۱۳۹۲) صفحه ۱۳ به نظر پوپر عالم جامعه شناس (۱۳۶۴) جامعه بسته جامعه ای است که در آن حقایق کلی از پیش کشف شده باشد، به عبارتی دیگر از هم اکنون آینده را شناخت در حالی که علم با توجه به ابطال پذیری مستقر می شود، کسانی که جامعه بسته را به وجود آورده اند که آینده را پیشگوئی کرده و روزی را نوید می دهند که در آن انسان به تمام خواسته های خود خواهد رسید.

پوپر بیان میدارد گروهی که در پی اصالت تاریخ و خلق جامعه آزاد برای بشر هستند، خود موجب ایجاد جامعه بسته می شوند. که در آن نه از آزادی خبری است و نه از دموکراسی و برابری بلکه تمام امتیازات انسان از بین رفته و چیزی بر آن حاکم نیست. پوپر بعد از آنکه نقد کلی را به اندیشمندان پیرو جامعه بسته وارد می نماید، از

محمدی (۱۳۹۳) صفحه ۷۴ به هر ترتیب که جامعه توسعه یافته ترمی شود، به همان اندازه روابط بین آن پیچیدگی ترشده می‌رود، برای تنظیم پیچیدگی های روابط اجتماعی نیاز است تا از طریق تعلیم و تربیت روابط نگهداری گردد. بدین منظور ذیابه مطالعه درمورد جامعه بسته و جامعه باز می پردازیم.

جامعه بسته

جامعه بسته، جامعه‌ی است که در آن امکان تحرک اجتماعی میان موقعیت‌ها و پیگاه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد مانند جوامع برده داری یا جوامع ستی که در آن امکان تحرک اجتماعی برای همه گان میسر نیست. در جامعه بسته حکومت خودرا در مقابل مردم و جامعه مسئول و حساب ده نمی داند. چون در این نوع حکومت داری مردم حق دخالت در امور دولت داری را ندارند. روابط به گونه غیر رسمی صورت می‌گیرد، شفافیت وجود نداشته، کمترین احترام به فردیت قابل نیست، انتقاد از جانب مردم صورت گرفته نمی تواند، رفتارهای در جامعه به اساس طبقات موجود و بادر نظرداشت تفاوت های موقف آن می باشد، ضوابط به نحو دیکتاتور مآبانه است، حقوق بشر در این نوع نظام رعایت نمی شود، یعنی حق تلفی به طور آشکار وجود دارد، کثرت

گیرد؛ حال آنکه تصورات و باورها از طریق تعلیم و تربیت به وجود می آید. پس تعلیم و تربیت است که تاثیر قابل توجه بالای زندگی اجتماعی مردم دارد.

جامعه

اگر روابط اجتماعی افراد به شکل دوام دار ادامه یابد و آنان احساس کنند که نیاز هایشان از این راه، به خوبی تامین می گردد؛ به روابط اجتماعی دراز مدت تری خواهند رسید. هر چه روابط اجتماعی، طولانی تر گردد؛ دوام عمر جامعه نیز بیشتر می شود در تیجه برمیزان روابط، شدت روابط و پیچیده‌گی آن افزوده خواهد شد. پیام آن شکل گیری روابط اجتماعی به نام "جامعه" است. جامعه از مجموعه روابط تشکیل شده و پیامد روابط اجتماعی میان اجرای مختلف آن یعنی انسان‌ها است. هر چه روابط اجتماعی بین افراد جامعه بیشتر شود؛ ساختار جامعه، عمیق‌تر، و شکنندگی آن کمتر خواهد شد. هر چه روابط اجتماعی، عمیق‌تر و پیچیده تر گردد؛ آسیب پذیری آن نیز کمتر می گردد؛ اما اگر روابط افراد از عمق و شدت کمتری برخوردار باشد، به همان میزان جامعه آسیب پذیر ترشده و یا کوچک ترین ضربه دچار اختلال می گردد و هم خواهد پاشید. در گذشته روابط اجتماعی ساده اما امروزه پیچیده ترشده است.

که: چگونه می توانیم به بهترین نحو ازبروز شرایطی که در آن یک حاکم بد و دردسر افزای می شود، جلوگیری به عمل آوریم؟ وقتی که می گوییم بهترین راه حلی که در اختیار ما قرار دارد، تدوین یک قانون اساسی است؛ که اجازه می دهد حکومت با استفاده از رای اکثریت کنارگذاریده شود.

نتیجه گیری

از آنجاکه انسان یک موجود دو بُعدی بوده، یعنی دارای بُعد مادی و معنوی می باشد. نیاز به رشد و انکشاف هردو بُعد در وجود انسان احساس می گردد. که انکشاف ابعاد معنوی انسان بدون تعلیم و تربیت امکان پذیر به نظر نمیرسد، گرچه درگذشته ها در جامعه سنتی ویسته برای علم و دانش چندان ارزش قابل نبودند، افرادی که هوش تیز داشت و نیاز خود ووابسته گان خود رادرک می کرد، کافی بود نیاز به تعلیم و تربیه نبود، اما امروزه با پیشرفت جامعه و پیچیده شدن نظام اجتماعی همچنان در جامعه باز نیاز است تا افراد برای درک عمیق از جامعه و شرایط اجتماعی علم و دانش را بطوریک نیاز اولیه فرآگیرند. پیشرفت جامعه امروزی مدیون پیشرفت تعلیم و تربیه است، یعنی تعلیم و تربیه تاثیر مستقیم بالای ساختارهای نظام جامعه بسته و جامعه بازدارد.

که در این شکل از حکومت ها موجود است. در مورد دومی؛ یعنی دیگر خواهی در ابعاد بشر دوستانه، رعایت حقوق بشر، کشت گرانی مذهبی، کلتوری که شامل حسن و مزایای جامعه باز است. جامعه باز که در آن شا ئسته سalarی، مردم سalarی، عدالت اجتماعی، مساوات و برابری اجتماعی آزادی بیان، آزادی فکر و نگارش، صنعتی مدرن و قانون مندی به شکل درست آن مورد استفاده قرار گرفته، احترام می شود.

پوپر آزادی را آنچنان می بیند که جان استوارت میل بیان می کند. که آزادی من تا آنجا ادامه دارد که دستم در فضای صورت کسی برخورد نکند ازسوی دیگر وی معتقد است نظام دموکراسی می تواند باعث آزادی شود هر چند که این نوع سیستم کامل و مطلوب واقعی انسان نیست، اماده مقایسه با سایر نظامهای که تاکنون خلق شده اند از وجه بهتری برخور دارد است او نظریه جدیدی را درباره ی دموکراسی ارائه می دهد. همه این دشواری های نظری به راحتی قابل رفع است اگر که ما به عوض این پرسش قدیمی که چه کسی باید حکومت کند. این مساله علمی تازه را مطرح سازیم



جامعه باز خود
صحبت به میان می آورد.
جامعه باز

جامعه باز جامعی است که در آن امکان تحرک اجتماعی برای همه اعضای جامعه، در همه سطوح و پایگاه های اجتماعی وجود داشته باشد، مانند صنعتی مدرن. شگیوال، رضایی (1392) صفحه 13. پوپر در گرو آزادی فرد و دیگر خواهی است، در مورد اولی او به اندیشه کانت اشاره می کند، در خصوص آن نوع حکومت که از طریق تدوین قوانین به نحوی که آزادی هر کس، بتواند با آزادی همه دیگر کسان هم زمان وجود داشته باشد؛ بیشترین آزادی ممکن را برای افراد بشر تامین می کند. حکومت خود را در برابر مردم مسئول و حساب ده میداند، روابط درین نوع حکومت ها به شکل رسمی وجود دارد، مشخصه های چون شفاقت، فردیت، انتقاد پذیری از مزایایست



گنوره مطالعه

بوهیالی خارمن عبدالندیم (اوریا خیل)

ونه شي همدارنگه د کوتی هوا دې معنده شي. کله چې مطالعه کېږي ټول تمرکز بايد د مطالعې پر موضوع راغوندوي. نه تمرکز او د مطالعې په منځ کې نور کارونه تر سره کول د مطالعې کیفیت کموي.

کله چې یو کتاب وېل کېږي مثلاً دولس فصله لري. په لومړۍ سر کې سریزه بايد په څیر سره ولوستل شي خکه سریزه د ټول کتاب خلاصه جوړوي. وروسته د هر فصل په ویلو مطالعه کونکی بايد همدا فصل د څانه سره وشاربې یعنی فکر ور باندي وکړي چې په دې فصل کې څه ول او ده څه ورنه زده کړو. که یې هېڅ سر نه وي خلاص شوی د سره دې همدا فصل ولولي خکه د کتاب له پیله که سرې موضوع درک نه کېږي ترا خيره ګنګس پاته کېږي.

وروسته دې دوهم فصل ولولي د څانه سره دې تحلیل کړي.

همداسي د کتاب تر پایه. د خلاصولو نه وروسته دې ټول کتاب پخپل نظر و ارزوي او که نتیجه یې پر سپیني پانې و لیکي ممکن یو وخت نه یو وخت ورته په کار شي. څینې خلک عادت لري چې په یو وار سره په تلوار یو کتاب یا یوه موضوع وايې او په کلاره یې غورخوی دا بې اثره ویل دې ولې بیا هم د

انسان سره د بیان په قوی کولو کې لې مرسته کوي.

بې اثره یانا موثره مطالعه په دېره حالاتو کې منځ ته راخي لکه څینې خلک هم مطالعه کوي هم یو بل کار مثلاً د سر بشورول،

پريو شي خبر بدلو او یاد کتاب په څير سره وېلو ته مطالعه وايې. مطالعه د انګرېزی ژې د study کلیمې سره برابر ده چې معنا یې د تحصیل او درس ویلو څخه ده. لکه څرنګه چې پورته ووبل شول مطالعه صرف ویلو ته نه وايې بلکه څه چې وېل کېږي بايد په څير سره وویل شي او فکر ور باندي وشي چې څه وايو.

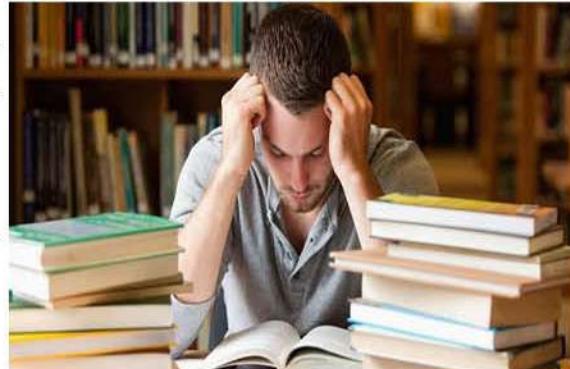
مطالعه د انسان معلومات زیاتوي او د هغه د خبر و کولو مهارت پیاوړی کوي. مطالعه که د ډیوه خاص هدف لپاره وي منلا د

ټکنالوژۍ پر موضوع او په همدي خاصې برخې کې دېر معلومات تر لاسه شي یعنې دېر کتابونه او د انټرنيټ پانې پسې واړول شي. دېره موثره به وي؛ نظر دېته چې هر کتاب یا مجله په مخه درڅي ويسي وايې.

دانساناتو ذهنونه یو شان نه دي، څښې اشخاص د ډیوې موضوع په

یو وار وېلو سره هغه په پوره دېر حافظې ته سپاري خو اکثره خلک په یو وار ولوستلود موضوع هدف نشي درک کولای دوهم او درېم وار ولوستلود ضرورت لري. خو که بعضې شرابط په نظر کې ونیول شي ممکن د دوهم او درېم وار ولوستلود څخه مخنیو وکړي.

مثلاً مطالعه د مطالعې په کوتې کې چې له شور ماشوروه خالي وي، کوتې دېره زينتي نه وي، د مرغانو شپيلکي، د موسيقى نغمې، دېره تيزه رينا، دېره کمه رينا او لمړ ته مخامنځ بايد مطالعه





۱۳۹۷ مه سرهان سال

وساتی او د موضوع کلیدی تکی بیا بیا ولولی؛ حکم ریدینگ
(لوستنه) دزده کپی غوره لاره ده.
دریم: دېر لیکل وکړئ

د پنی زده کپی لپاره تاسو اړیاست چې لیک وکړئ، کوم
موضوع چې تاسو یې یادول غواړئ؛ له لوست وروسته یې
ولیکنی. که تاسې موضوع لولی او بیا بی لیکن، په دې دامن
اوسي چې موضوع مو د یادولو وړ ده او په آسانی سره یې حفظ
کولای شئ.

له لوست وروسته مو چې کله په لیک پیل کولو، د ژبود د
تیروتنې یې حل او همداشان نقطه ګذاري یې سمه کړئ.
څلورم: مطالعه په یو آرام خای کې وکړئ

که تاسې په یو آرام خای کې نه یاست او درس خای مو د څوګ
او شور په مینځ کې موقعت لري، نوزده کپه موله خند سره مخ
کېږي. اروا پوهان وايی: «د زده کپی لپاره له آرام چاپریال څخه
استفاده وکړئ.» خاموش او آرام موقعت ستاسو حافظه له ذهنی
вшاره ژغوري او درس په بنې لپوالي سره اخذ کولای شئ.
پينځم: د مطالعې په جريان کې قدم ووهی

اروا پوهانو ثابته کپی ده، که چېږي د مطالعې په جريان کې قدم
ووهی؛ د استاسو د وینې فشار لپاره ګټور تمرين دی او دا چاره
ستاسو حافظه د زده کپی لپاره نه چمتو کولای شي.

شپرم: په پای کې پورته جريان یادداښت کړئ
اروا پوهان وايی: که تاسې د ذهن له پلوه وروسته پاتې یاست
او په لومړي خل پورته لارښونې عملی کپړئ؛ نو د پينځه سوه
کلیمو مقاله (درسي موضوع) له درې ساعتو څخه په کم وخت
کې زده کولای شئ. که تاسې بیا بیا تمرين وکړئ، همدا د پينځه
سوه کلیمو درسي موضوع له شپیتو تر نوی دقیقو پوری زده
کولای شئ.

آخیستنی:

Bing.com

Pashto Baheer

Yaran.com

د مطالعې په وخت ژاولې ژول، د غوره یا سر ګرول، ګوته په
غابشو کې نیول، که پر چوکی ناست وي د یوې یا دواړو پېښو
ښبورول، په خوبجن حالت کې مطالعه کول او نور حالتونه.

خینې علما په دې نظر دي چې مطالعه که په انتقادی حالت کې
وکړلای شي موثریت به یې زیات وي. حکم چې یو خو پر
کتابونو دومره یقین کول چې مطلق صحیح دي، غلطه ده. بل
انسان چې په یو کار کې منفعل نه وي د هغه ذهن نه کار کوي
او موضوع نه درکوي.

مطالعه که په آزادی هوا کې وي او د سهار د خواوې، غوره ده.
که غواړو چې مطالعه مو دوامداره اوسي نو د سترګ او کتاب
تر منځ زاویه باید 90 درجې او فاصله 25 سانتی متراه وي حکم په
دې حالت کې د سترګو عضلي تر فشار لاندې نه راخې او ماغزه
د سترې احساس نه کوي.

که ذهن مو وروسته پاتې وي، چېک اخیستنې په دې ډول کولای
شئ که تاسې نشه یې توکی نه کاروئ او بیا مو هم ذهن چېک
اخیستنې نشي کولای، نو دا د شرم خبره نه ده، حکم دا الهي ورکه
ده. دې نړۍ کې دېر خلک شته چې ډول ډول حافظې لري،
خینې یې تر نورو چېکه زده کپه کولای شي، خینې یې بیا په
منځنې ډول او خینې یې بیا تر نورو دېر وروسته پاتې اخیستنې
کوي، دادریم ډول خلک دېغ ذهنې خلکو په نامه هم نومول
کېږي. که تاسو د ذهن له پلوه وروسته پاتې یاست او غواړۍ چې
هر څه ژر یاد کړئ، نو دا سخته نه ده او په دې ډول خپله حافظه
غښتلې کولای شئ.

لومړۍ: په درس خونه کې په خپله خان باوري اوسي مخکې له
دې چې ستابو لکچر خپله مقاله (درسي موضوع) پیل کړي.
ورته څیرک اوسي او زړه مه وهی (په خان مه بې باوره کېږئ).
که لارښود مو تاسو ته د پينځه سوو تر دوه زړو کلیمو درسي
موضوع تشریح کوله؛ نو کوشبن وکړئ چې ژر ژر د خپل
لکچرر د خولې مهم نقاط له خان سره یادداښت کړئ.

دویم: دېر لوستل وکړئ

ژوره مطالعه او د مختلفو لیکوالانو کتابونه لوستل ستاسو حافظه په

کار اچوي او د حافظې ګراف مو تر خلوېښت سلنې پورته کوي.

په لوستلو کې له سکم (سرسری تېرېدلو) څخه خان په کلکه



اساسات یادگیری و آموزش

بوهیالی لمپی خارن محمدنوید "لوبید"

یک شماره تلفن یا نام یک شخص. مثلاً فردی که شماره تلفن دوستش را یادگرفته است می‌تواند هر وقت دلش خواست با او تماس بگیرد (کاری که قبل از یادگیری نمی‌توانست انجام بدهد) باید توجه داشت که هر تغییری یادگیری به حساب نمی‌آید، مثلاً کسی که در یک حادثه رانندگی پاهایش را از دست می‌دهد تغییر می‌کند، ولی این تغییر یادگیری به حساب نمی‌آید.

2. یادگیری عبارت از تغییر نسبتاً پایدار است. بسیاری از تغییرات ناشی از عوامل انگیزشی و خستگی به سرعت از بین می‌روند، یادگیری به حساب نمی‌آیند. برای مثال کسی که در ساعت اولیه روز خوب کار می‌کند، ولی پس از چند ساعت، به سبب بروز خستگی عملکردش پایین می‌آید (این یک تغییر است) ولی نسبتاً پایدار نیست، چون با کمی استراحت می‌تواند کارش را به خوبی انجام دهد، بنابراین آنرا یادگیری حساب کرد.

3. یادگیری عبارت از ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه است، باید در رفتار بالقوه یا تووان رفتاری

قرن بیست و یکم دوران تحولات و جهش‌های شگفت‌انگیز علمی است که بدون کاربرد روش‌های یادگیری و آموزش و پرورش امکان پذیر نیست. یادگیری سنجیده و هدفمند معیار اصلی همه دانش‌ها به شمار میرود. آموزش ابزاری است که انسان‌ها به وسیله آن به زند

گی حرفه‌ای خود شکل میدهند و آینده را مطابق به میل و آرزوی خویش مهار میکنند و بر آن تسلط می‌یابند.

تعريف آموزش: عبارت از یک سلسله فعالیت‌های منظم تربیوی بوده که در شخص دانش و مهارت را بالا

برده و سلوک بهتری اجرای امور را انکشاف میدهد. تعريف یادگیری: ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه یادگیرنده، مشروط به آن که این تغییر بر اثر اخذ تجربه رخ دهد.

1. بر اساس تعريف فوق یادگیری منجر به تغییر می‌شود، یعنی انسان یا حیوان پس از کسب تجربه یادگیری، از حالت قبل از کسب تجربه به حالت جدید تغییر می‌ابد. این نوع یادگیری ممکن پیچیده باشد مانند یادگیری





در زندگی و کارهای شان دارند. هدف آموزش ارتقای تجارب است.

تعریف پیداگوژی

پیداگوژی عبارت از علمیست که از آموزش و پرورش اطفال در مکاتب بحث میکند، عمدتاً بر مبنای استاد محوری استوار است.

پیداگوژی علمیست که مستقیماً با مسایل مختلف آموزش و پرورش و تدریس سروکار دارد. یعنی علمیست که در باره تدریس و آموزش بحث میکند.

تعریف اندرآگوژی

عبارة از علم آموزش بزرگسالان بوده که تجارب بزرگ سالان، محور آموزش میباشد.

خصوصیات پیداگوژی

- از تعلیم و تربیه اطفال در مکاتب بحث مینماید.

- شاگردان به مثابه اطفال پنداشته میشوند.

- مرکز فعالیت تدریس معلم شناخته میشود.

- معلم حکم مینماید.

- شیوه لکچر بیشتر حاکم بوده معلومات از معلم به شاگردان انتقال میابد.

خصوصیات اندرآگوژی

- از آموزش بزرگ سالان بحث مینماید.

- با بزرگ سالان هرگز به مثابه اطفال برخورد نمی شود.

- مرکز فعالیت آموزش، بزرگ سالان (اشتراک کننده گان) پنداشته میشوند.

- آموزگار نقش پیش برنده را ایفا مینماید.

- محیط آموزش چندین جانبه بوده و شیوه های مختلف آموزش به کار میرود.

بنابر آن باید پرسه آموزش نیز متفاوت باشد، هر چند طراحی فعالیتهای آموزشی چنانچه در بالا به آن اشاره شد برای خورد سالان نیز کاربردی است.

ما ایجاد شود. یعنی تغییر حاصل در یادگیرنده، تغییر در توانایی های او باشد، نه تغییر در رفتار ظاهری او.

4. یادگیری یعنی ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار بالقوه شخص بر اثر تجربه. منظور از تجربه در تعریف تأثیر محرك های بیرونی و درونی در یادگیرنده است.

مثالی که گاینه در سال (1970) برای تجربه ذکر کرده از این قرار است: کودک پیش از یادگیری بستن بند

کفشهایش، قادر به انجام این کار نیست یا شاید تنها بخشی از آن را بلد است. برای این که به او یاد داده

شود که بند کفشهایش را درست گره بزند به او محركی ارائه می شود. این محرك یا آموزش پدر و مادر است

یا تصویری که در آن بند کفش به نحو درست نشان داده شده و یا نوعی محرك آموزشی دیگر. کودک پس از دریافت یکی از این محرك ها (کسب تجربه)

قادر خواهد شد بند کفشهایش را گره بزند.

تعریف یادگیری که در فوق بدان اشاره گردیده، برآنچه باید یادگرفته شود تمرکز ندارد، بلکه چگونگی یادگیری را در مرکز توجه قرار میدهد. این نگرش

نسبت به یادگیری را میتوان این گونه تعریف کرد: جنبه مهم تدریس انتقال دانش نیست، آگرچه اهمیت دارد.

بلکه خلق فرصت های یادگیری برای فرآگیران است، یادگیری که مدنظر ما در این مجموعه است که یادگیرنده‌گان آن چی را می‌آموزند در ساحه مورد نظر بکار برد بتوانند.

نقش استاد است که به عنوان تسهیلگر، جهت گیری های روشنگرانه هماهنگ با برنامه آموزشی را ابداع

کند. به ادامه این بحث ها باید یاد آور شد که عده ای بین آموزش خورد سالان (پیداگوژی) و آموزش بزرگ

سالان (اندرآگوژی) تفاوت قابل اند، به عقیده آنها بزرگ سالان صفحات سفید و خالی کاغذ نیستند که تا ما آنرا پر نماییم. بزرگ سالان از قبل تجرب زیادی



آموزش بطور موثر صورت بگیرد. بخاطر اجرای اینکار، در پلان نمودن آموزش، لازم است که اشتراک کنندگان مورد هدف ما همیشه در نظر گرفته شوند تا در موارد ذیل تصامیم لازم گرفته شود:

- دانش و تجربه عملی قبلی.
- علاقه و نیاز های شخصی.
- پس منظر تعلیمی.
- تشویق اشتراک کننده گان.
- فکتور های اجتماعی و اقتصادی.

اصول آموزش افراد بی سواد

اصول اساسی آموزش کلان سالان و آموزش اشتراکی در آموزش افراد چه بی سواد و چه با سواد بکار گرفته میشود.

هر آموزگار حین آموزش افراد بی سواد از نوشتن کار بگیرد، باعث بروز یک سلسله مشکلات میشود که به اشتراک کنندگان احساسات ذیل رخ خواهد داد:

- سردرگمی در موضوعات درسی.
- دوری و انحراف از موضوعات درسی.

• خجل و نگران از اینکه نمیتوانند متن نوشته شده را بخوانند.

- ناآرامی، بی علاقه گی و خستگی در فرایند آموزش.
- از بین رفتن اعتماد.

بنابراین نهایی آموزش افراد بی سواد منجر به آموزش غیر مؤثر گردیده و اشتراک کننده ها به حدی که توقع میروند نمی آموزند و بالاخره این باعث دلسردی آنها نیز میشود.

منابع و مأخذ:

1. "خوشبخت" عبدالکریم. روش های نوین تدریس 1383 هش
2. داکتر علی روف. درس مایه تکنالوژی آموزشی.
3. اینترنت (www.google.com).

بزرگ سالان چگونه می آموزند؟

با قبول این تقسیم بندي باید گفت، وضعیت که در آن بزرگ سالان آموزش دیده و دانش و مهارت های جدید را کسب می نماید بستگی به عوامل مختلف دارد، بزرگ سالان زمانی خوب می آموزند که:

- روند آموزش متناسب با نیاز هایشان بوده و با زندگی روزانه شان ارتباط داشته باشد. بزرگ سالان زمانی مشتاق به آموزش و یادگیری میشوند که ترینیتگ های آموزشی، نیاز های زندگی و شغلی آنها را مرفوع سازد.

- مقاصد عملی آموزش را بدانند.

- داوطلبانه به آموزش حاضر شوند نه به فشار.

- بتوانند تجارب شانرا از طریق مباحثه با دیگران در میان بگذارند.

- از روش ها و میتد های که سهمگیری را تشویق نماید، استفاده شود.

- بحث و گفتگو شود در صورتیکه محیط آموزش صلح آمیز باشد.

- کار های عملی انجام دهنند.

- تشویق و تحریک شوند.

- آموزگار از مواد سمعی و بصری (تصاویر، فلم ها، سلайд ها، مدل ها و غیره) استفاده نماید.

محیط آموزش اشتراکی:

محیط آموزش اشتراکی به آن محیط گفته میشود که در آن هردو طرف (اشتراک کننده گان و آموزگار) یکجا باهم مشکلات شانرا شناسایی نموده و راه های حل مناسب را جستجو نمایند نه اینکه تنها آموزگار اینکار را به پیش ببرد.

اشتراک کننده گان در آموزش:

در هر آموزش کوشش میشود تا موضوعات درسی به اشتراک کنندگان طوری ارایه شود که در نتیجه آن

شهادت در وطن افتخار ایدی است



سمو نمل رازم محمد شاداب



شهید صفائی الله انصاری

کشور عزیز ما افغانستان این سر زمین قهرمانان و دلیران در طول تاریخ همواره مورد حملات و تهاجمات بیگانگان قرار گرفته ولی فرزندان دلیر و با همت این خطه ئی باستانی از حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور شان با ایشار و فدایکاری دفاع و حراست نموده اند که یکی از آن جمله جوانان سرسپرده و ایشار گر همانا صفائی الله شهید میباشد. صفائی الله انصاری فرزند محمد قاسم انصاری در سال ۱۳۶۸ در یک خانواده متدين، روشنفکر و علم پرور در قریه هدایت الله پادخواب روغنی ولسوالی برکی برک و لایت لوگر چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۷۵ به سن هفت سالگی شامل مکتب گردید. دوره ابتدائیه و ثانویه را در لیسه عالی پادخواب روغنی به پایان رسانید وی بعد از تعلیمات ابتدایه نظر به شوق و علاقه زیاد که به مسلک پولیس داشت در سال ۱۳۸۷ شامل اکادمی پولیس ملی گردید و در سال ۱۳۹۱ به درجه عالی (دیر شه) و لیسانس به رتبه دوهم خارن از اکادمی پولیس فراغت حاصل نمود. شهید صفائی الله انصاری بعد از فراغت از اکادمی پولیس خدمات خود را از سال ۱۳۹۱ در قوماندانی اکادمی پولیس آغاز و تا اخیر سال ۱۳۹۲ بحیث معاون تولی ایفائي وظیفه نمود و بعد از آن موصوف در بخش های مختلف قوماندانی امنیه و لایت لوگر تا سال ۱۳۹۶ اجرای وظیفه نموده است که بعداً در ماه حوت سال ۱۳۹۶ شامل امتحان رقابتی آمرین کشف حوزه های امنیتی زون کابل شد و با کسب (83) نمره بحیث آمر کشف حوزه سیزدهم زون ۱۰۱ آسمائی کابل تعیین گردید. وی در طول این مدت وظیفه محوله خویش را به حسن صورت انجام داده است. شهید خارمن صفائی الله انصاری بخاطر تحقیق آرمانهای مردم و کشور جنگی کشور سپری نمود و یگانه آرمانش این بود تا بتواند هر لحظه در خدمت مردم خویش باشد تا این طریق رضا خداوند (ج) و آرمان مردم را که صلح و امنیت است حاصل نماید. آخرین وظیفه موصوف در سال ۱۳۹۷ در حوزه سیزدهم امنیتی کابل بود که موصوف در جریان اجرای وظیفه از اثر حمله انتشاری از سوی دشمنان مردم افغانستان بتاریخ 19/2/1397 شیرین خویش را در دفاع از وطن و مردم اهدا نمود و برای ابد با جهان فانی وداع گفت و جام شهادت را نوشید. هیئت رهبری وزارت امور داخله مرگ این افسر دلیر و وطندوست را یک ضایعه بزرگ و جبران ناپذیر در صفوف پولیس ملی کشور دانسته، به فامیل، دوستان و خویشاوندان شهید صبر جمیل و برای این شهید وطن دوست جنت الفردوس را از خداوند (ج) آرزومند است. روحش شاد باد.